



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيِّكَ الْحَجَّةِ بْنِ الْحَسَنِ  
صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَعَلَى آبَائِهِ  
فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَفِي كُلِّ سَاعَةٍ  
وَلِيًّا وَحَافِظًا وَقَائِمًا وَفَاضِلًا  
وَعَيْنًا حَتَّى تَسْكُنَ أَرْضَكَ  
لِصَوْعَانِ تَمْتَعُ فِيهَا صَوْبِي





# رسم طلبگی دفتر اول دوره میثاق

رسم طلبگی



اخلاق و آداب  
طلبگی



آشنایی با نظام  
تعلیم و تربیت  
حوزه

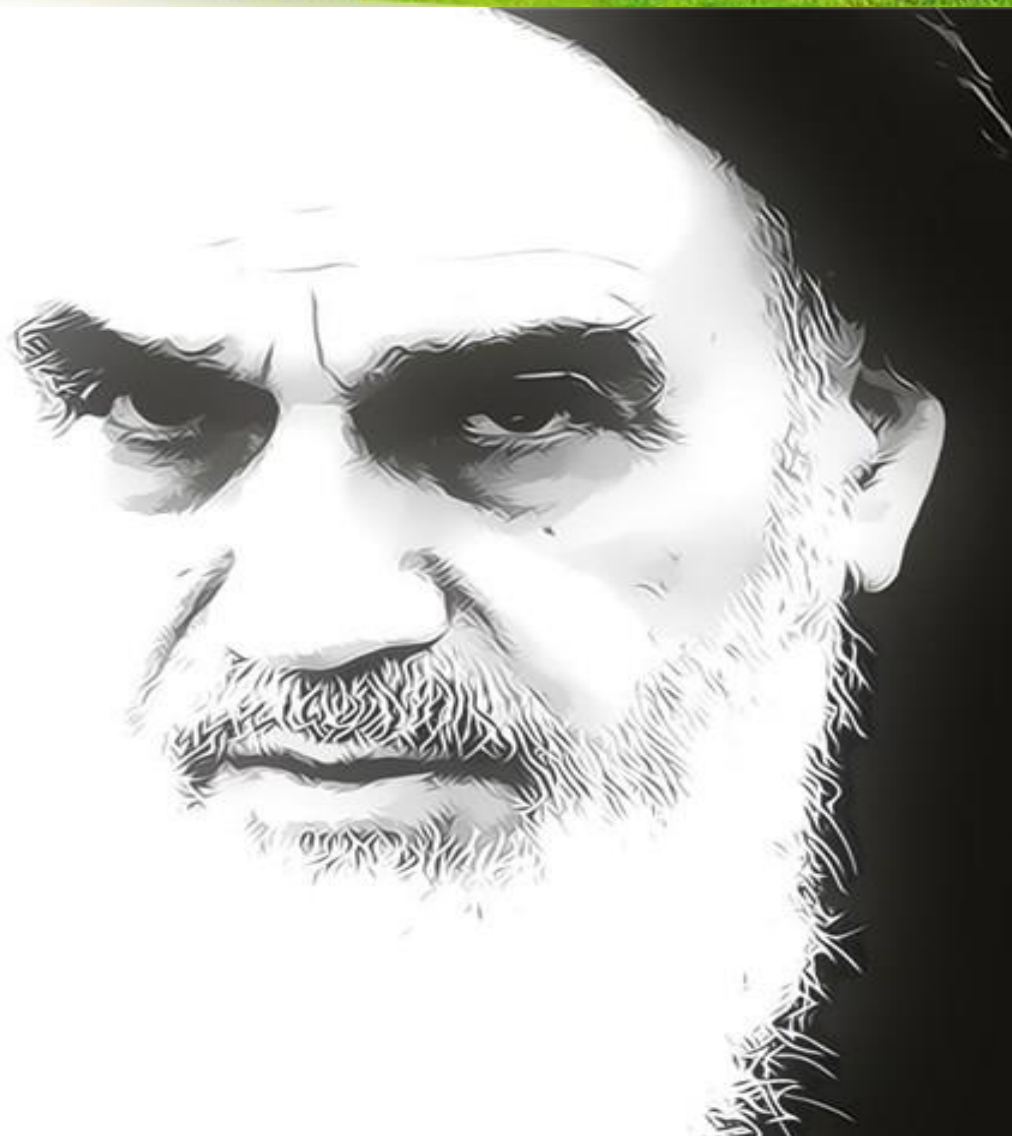




من متواضعانه و به عنوان یک پدر پیر از  
همه فرزندان و عزیزان روحانی خود  
می خواهم که در زمانی که خداوند بر  
علما و روحانیون منت نهاده است و  
اداره کشور بزرگ و تبلیغ رسالت انبیا را  
به آنان محول فرموده است

از زی روحانی خود خارج نشوند و از  
گرایش به تجملات و زرق و برق دنیا که  
دون شان روحانیت و اعتبار نظام  
جمهوری اسلامی ایران است پرهیز کنند  
و بر حذر باشند

که هیچ آفت و خطری برای روحانیت و  
برای دنیا و آخرت آنان بالاتر از توجه  
به رفاه و حرکت در مسیر دنیا نیست





رهبر انقلاب پس از امتناع از گرفتن  
مدرک دکتری افتخاری دانشگاه تهران:

«ابراز محبت دانشگاهیان برای بنده  
افتخار است؛ اما از پذیرش آن معذورم  
و اگر خدای کریم کمک کند به همان  
میثاق طلبگی متعهد و پای‌بند خواهیم  
بود.»

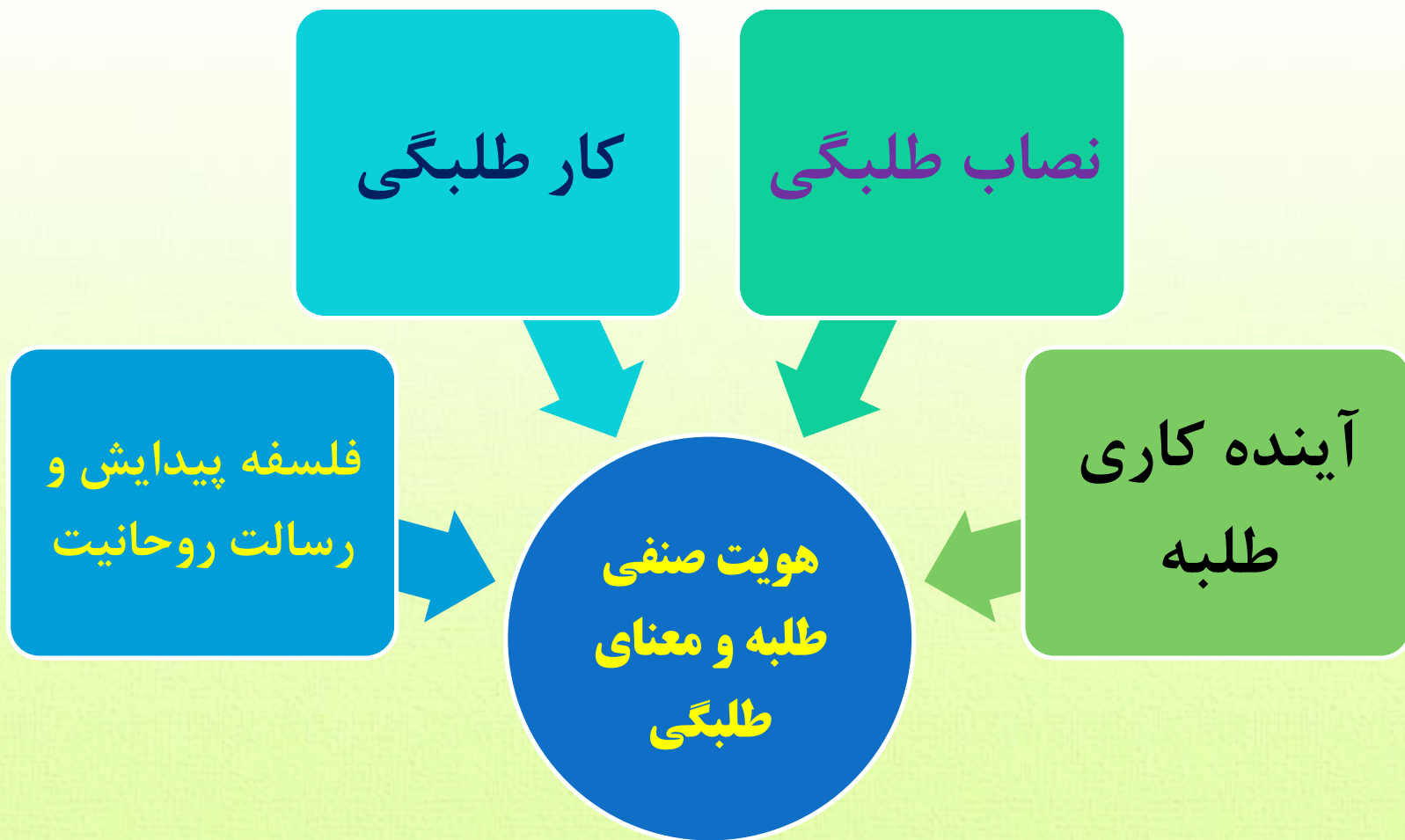


# فهرست مطالب کتاب



# فصل اول: هویت صنفی طلبه و معنای طلبگی

## آنچه در این فصل می آید



# فصل اول: هویت صنفی طلبه و معنای طلبگی



هویت هر کس یا هر چیز اوصاف ویژه او است که در کسان یا چیزهای دیگر دیده نمی‌شود. یعنی اموری که وجه تمایز او از سایرین است و موجب بازشناسی او از دیگران می‌شود. هویت بر چند قسم است

## هویت فردی

هویت فردی، یک فرد را از سایر افراد متمایز می‌سازد

## هویت نوعی

هویت نوعی یک نوع کلی را از سایر انواع مشخص می‌کند؛ اما نمی‌تواند تمایزات میان افراد را معلوم کند

## هویت صنفی

هویت صنفی نیز تمایز یک صنف نسبت به سایر اصناف تحت یک نوع را ذکر می‌کند

«هویت» همان‌گونه که تمایزات یک چیز را از دیگران بیان می‌کند اوصاف مشترک میان افراد یک نوع را نیز بیان می‌کند.



# فصل اول: هویت صنفی طلبه و معنای طلبگی



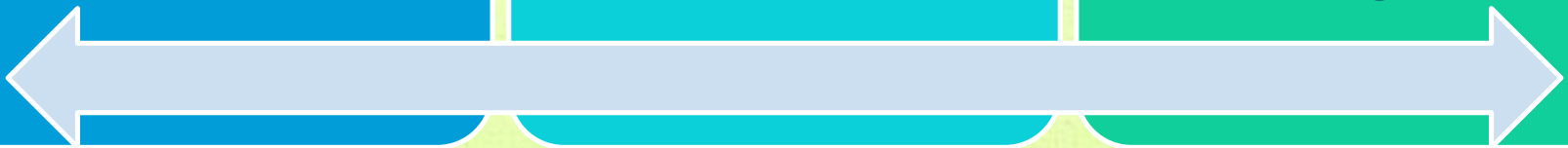
بنابراین هویت صنفی  
طلبه از طرفی مایه  
امتیاز طلبه از غیر طلبه  
است



و از طرفی مایه  
اشتراک طلبه‌ها  
با یکدیگر.



در بیان هویت طلبه باید  
اوصافی ذکر شود که اختصاص  
به طلبه دارد و طلبه را از سایر  
اصناف اجتماعی ممتاز  
می‌گرداند و موجب می‌شود  
مصدق طلبه از غیر طلبه  
به خوبی باز شناخته شود.



# فصل اول: هویت صنفی طلبه و معنای طلبگی



طلبه دارای یک «هویت» و «خود» فردی

و نیز دارای یک هویت و خود صنفی است

یعنی یک شخصیت حقیقی فردی و یک شخصیت  
حقوقی و صنفی دارد

به همین جهت همان گونه که موظف به «خودشناسی»،  
«خودآگاهی» و «خودسازی» فردی است

موظف به خودشناسی، خودآگاهی و خودسازی  
صنفی است

# فصل اول: هویت صنفی طلبه و معنای طلبگی



همان گونه که به عنوان یک انسان به موفقیت و کمال انسانی خود می اندیشد به عنوان یک طلبه باید به موفقیت و کمال صنفی خود نیز توجه داشته باشد. بدین ترتیب باید دو آرمان را به موازات هم دنبال کند؛ آرمان فردی و آرمان صنفی

# فصل اول: هویت صنفی طلبه و معنای طلبگی



آشنایی با هویت یک گروه اجتماعی (راننده، کارمند، کاسب، طلبه) دورنمای وظایف و بخش عمده‌ای از برنامه شبانه‌روزی او را روشن می‌گرداند. وقتی می‌گوییم «فلان کس راننده است.» دورنمای فعالیت‌های او را به نحو کلی می‌توان حدس زد. یک پزشک، عمده‌ زمان مفید و توان خود را به کار در مطب یا بیمارستان می‌گذراند. طلبه نیز عمده‌ وقت مفید و توان خود را به «طلبگی» باید پردازد؛

## □ هرچه کار بزرگ‌تر و مهم‌تر باشد آموزش بیشتری نیاز دارد.

- |          |       |        |                          |
|----------|-------|--------|--------------------------|
| رفتگر    | _____ | ۲ ساعت | <input type="checkbox"/> |
| منشی     | _____ | ۲ هفته | <input type="checkbox"/> |
| راننده   | _____ | ۲ ماه  | <input type="checkbox"/> |
| پرستار   | _____ | ۲ سال  | <input type="checkbox"/> |
| پزشک     | _____ | ۷ سال  | <input type="checkbox"/> |
| جراح قلب | _____ | ۱۲ سال | <input type="checkbox"/> |
| طلبگی    | _____ | ؟      | <input type="checkbox"/> |

اما پرسش اساسی این است که «طلبگی» چه معنایی دارد؟  
اگر در هویت طلبه کاوشی عمیق‌تر نماییم، دستور کار و وظایف او را به روشنی درمی‌یابیم.

# الف) فلسفه پیدایش و رسالت روحانیت

هریک از اصناف اجتماعی به هدف رفع یکی از نیازهای زندگی انسان پدید آمده است.

بدون شک نیاز انسان منحصر در تأمین خوراک و پوشاک و آسایش مادی نیست. نیاز غیرمادی انسان به مراتب از نیاز مادی او فراوان تر و اساسی تر است. زیرا حقیقت انسان و انسانیت او در گرو عناصر غیرمادی است.

از جمله این نیازها، نیاز به وحی، نیاز به دین، و نیاز به هدایت آسمانی است. پروردگار جهان برای رفع این نیاز مهم، شخصیت‌های برگزیده‌ای را به همراه پیام آسمانی به میان مردم فرستاده است.



# الف) فلسفه پیدایش و رسالت روحانیت

دریافت پیام خدا  
(نبوت، خبرگیری)

این چهره‌های ممتاز  
بشریت حامل سه  
مسئولیت بزرگ هستند.

اجرا و تحقق بخشیدن  
به آن محتوا در سطح  
جامعه  
(امامت، ولایت)

انتقال این پیام به  
مردم  
(رسالت، ابلاغ)

# الف) فلسفه پیدایش و رسالت روحانیت



پس از رحلت آخرین پیامبر و غیبت آخرین وصی او - امام عصر(عج) این سه مسئولیت خطیر نیاز به متولی دارد.

لازم است در کنار اصناف مختلف که به رفع نیازهای گوناگون اجتماعی می‌پردازند

صنف دیگری پدید آید که این وظایف سنگین را بر دوش گرفته و دنباله‌رو حرکت پیامبران گردد

این صنف، روحانیان و عالمان دین نام گرفته‌اند

عالمان دین وارثان و جانشینان پیامبران هستند و متناظر با مسئولیت‌های سه‌گانه پیامبران سه تکلیف بزرگ برعهده دارند. آیه ۱۲۲ سوره توبه به این سه تکلیف اشاره دارد.

(وَ مَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَافَّةً، فَلَوْلَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَ لِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ)

و شایسته نیست مؤمنان همگی کوچ کنند. پس چرا از هر فرقه‌ای از آنان دسته‌ای کوچ نمی‌کنند تا آگاهی عمیق در دین پیدا کنند و قوم خود را - وقتی به سوی آنان بازگشتند - بیم دهند؟ باشد که آنان (از کیفر الهی) بترسند

# الف) فلسفه پیدایش و رسالت روحانیت



در این آیه که پس از آیات جهاد نازل شده، گروه معینی از مؤمنان از حکم و جوب جهاد و حرکت به سوی جبهه جنگ استثنا شده‌اند تا این سه هدف را پی گیرند.

فهم عمیق دین و دریافت پیام وحی از منابع دینی.  
(لیتفقها)

بازگشت به میان مردم، انذار و هشدار آنها و ابلاغ پیام دین.  
(لینذروا)

تلاش برای تحقق آرمان‌های دینی.  
(لعلهم یحذرون)

**فقه با فهم سه تفاوت دارد:**

فقه، فهم همراه با تأمل و تعمق است.

علاوه بر فکر با قلب نیز ارتباط دارد یعنی فهم همراه با دل است و نیز به سوی عمل تجهیز می‌کند یعنی فهم اگر به آستانه فقه برسد عمل‌زا است.



# الف) فلسفه پیدایش و رسالت روحانیت



تحصیل ادبیات عربی که از منابع دین است، آشنایی با قواعد مفاهمه عرفی در علم اصول فقه، علوم قرآنی، علوم حدیث، تفسیر، بررسی منابع روایی، پژوهش به هدف کشف نظر دین در موضوعی خاص و... همه تلاش‌هایی است که در راستای فهم عمیق دین صورت می‌گیرد. ایجاد کتابخانه و نمایشگاه، تولید نرم‌افزارهای علوم اسلامی، کتابنامه‌ها، فهرست‌ها، معاجم و... گرچه گامی مستقیم در راه تفقه به‌شمار نمی‌رود؛ اما به کاروان فهم دین کمک می‌کند و مسیر حرکت این کاروان را هموارتر یا کوتاه‌تر می‌سازد

برنامه‌های حوزه جهت فهم عمیق دین



سخنرانی، تدریس، تألیف کتاب، ترجمه متون دینی، تولید نرم‌افزارهای کاربردی، تشکیل مراکز فرهنگی، و...  
**تلاش‌هایی است که در جهت هدف دوم (تبلیغ دین) صورت می‌گیرد.** سازمان روحانیت برای تبلیغ دین باید از هر گونه ابزار مفید و شیوه‌های کارساز و دانش‌هایی که از لوازم تحقق این اهداف است بهره‌گیرد. پاره‌ای از علوم و معارف نظیر فنون بلاغت و اصول نگارش در راستای همین هدف به سیستم آموزشی حوزه‌ها راه یافته است. این رویه درباره علوم و مهارت‌های دیگر نیز باید اعمال شود.

برنامه‌های حوزه جهت تحقق دین



تلاش برای ایجاد حکومت اسلامی و اداره آن بر طبق اسلام و ولایت اجتماعی، قضاوت و دادرسی، رهبری و مدیریت جریان‌های علمی و فرهنگی و سیاسی در راستای اهداف دین، ایجاد زمینه‌های تحقق تمدن اسلامی، اجرای حدود شرعی، طراحی مدل‌های دینی در علوم انسانی، بسترسازی برای اجرای احکام الهی و تحقق اهداف مکتب و...  
**تلاش‌هایی است که در دایره وظیفه سوم قرارداد**

برنامه‌های حوزه جهت اجرای دین

# الف) فلسفه پیدایش و رسالت روحانیت

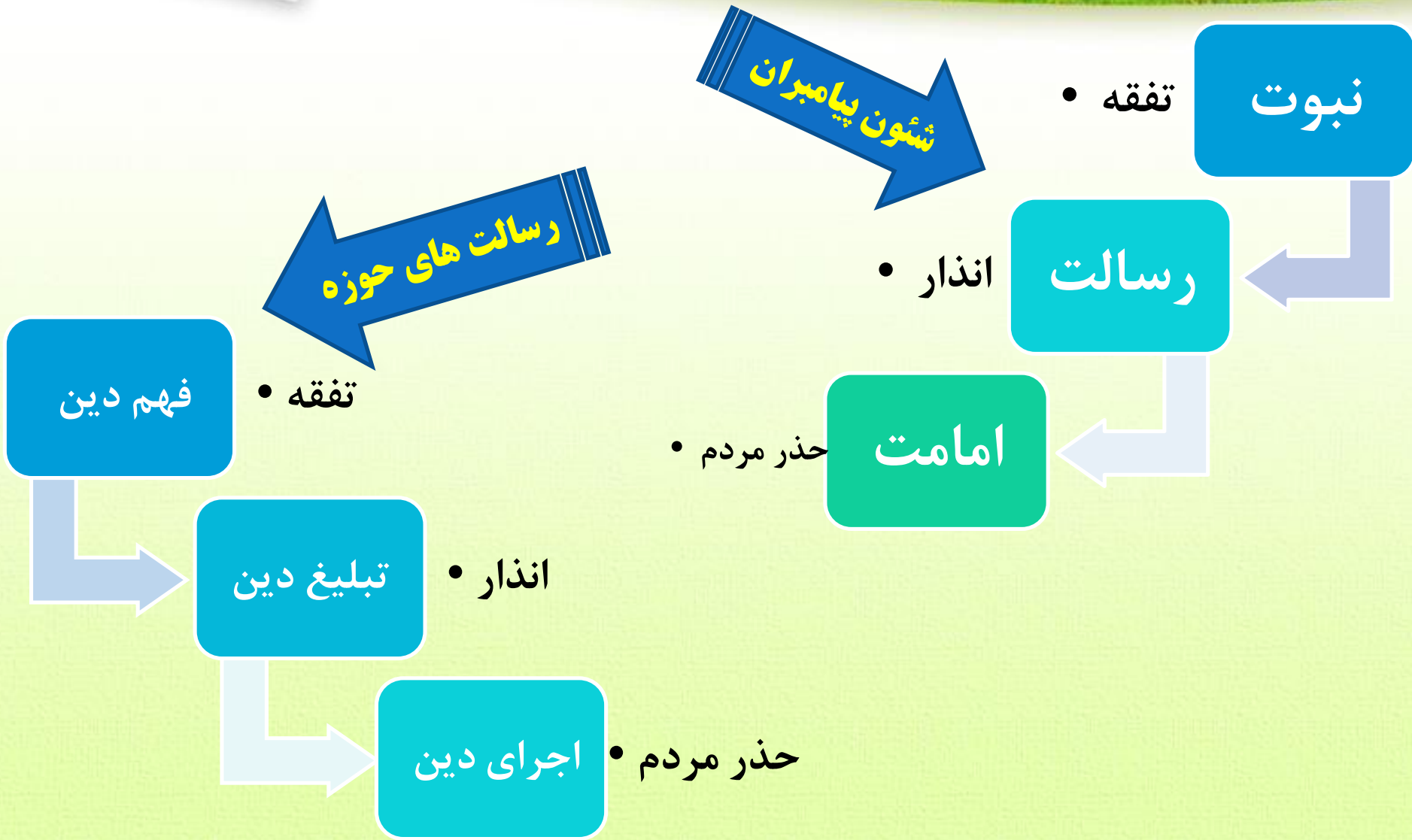


مراد از اجرای دین تنها اجرای احکام دین توسط فرد نیست. زیرا پای بندی به احکام دین وظیفه همه مسلمانان است و اختصاصی به طلبه ندارد؛

بلکه مراد از آن برنامه سازی و تلاش منضبط برای اجرای دین در سطح کلان جامعه

و تمهید مقدماتی (مانند تشکیل ساختارها، تدوین قوانین و قواعد و...) است که موجب تسهیل و گسترش رفتار دینی و انگیزه سازی برای دینی زیستن و اسلامی ماندن گردد.

# الف) فلسفه پیدایش و رسالت روحانیت



# الف) فلسفه پیدایش و رسالت روحانیت



## سه نکته پیرامون مطلب گذشته

- علاوه بر این‌ها دفاع از دین و مرزبانی اعتقادی، حراست از چارچوب و اصول و احکام دین، زدودن خرافه‌ها، انحرافات و پیرایه‌های موهوم از آن نیز وظیفه روحانیت است

۱

- مراد از تبلیغ معنای عامی است که شامل مصادیق متنوعی می‌گردد. معرفت‌افزایی، خرافه‌زدایی، بدعت‌ستیزی، دشمن‌شناسی، بصیرت‌زایی، ایجاد محبت، ارشاد عملی، پاسخ‌گویی، امر به معروف و نهی از منکر، و تربیت نیرو همه در این معنای عام مندرج‌اند.

۲

- به تعبیر دقیق‌تر می‌توان گفت نظام روحانیت، بر خلاف تصور موجود وارث و جانشین انبیا نیست، بلکه جانشین امامت است؛ به همین جهت وظایفش سنگین‌تر از نبوت و رسالت است. وقتی نظام امامت، توسعه پیدا می‌کند، غیر از دریافت و تلقی وحی که وظیفه نبی است و ابلاغ که وظیفه رسول است، روحانیت وظیفه اجرا و اعمال را هم بر دوش دارد. با این تعریف، روحانیت باید به هر سه لایهٔ ماموریت‌های امامت، توجه نماید. بنابراین روحانیت نهادی اجتماعی است که غایتش بسط و استمرار نظام امامت است و در دورهٔ غیبت، باید راه امامت را در ابعاد وسیع‌تری دنبال کند.

۳

# الف) فلسفه پیدایش و رسالت روحانیت

پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) فرمودند:

«إِذَا ظَهَرَتِ الْبِدْعُ فِي أُمَّتِي فَلْيُظْهِرِ الْعَالِمُ عِلْمَهُ فَمَنْ لَمْ يَفْعَلْ فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ» (کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۵۴)

هرگاه انحرافات و بدعت‌ها در میان امت من ظاهر شد، بر دانشمندان (دین) است که علم خود را آشکار کنند و هر کس چنین نکند، لعنت خدا بر او باد.

بر طبق تعالیم اسلام، روحانیت سِمَت و مقامی نیست که در سایه آن روحانیون امتیازات مادی کسب کنند یا حرفه‌ای که نظیر حرفه‌های دیگر، یک دسته آن را پیشه و وسیله امرار معاش خود قرار دهند.



**حوزه‌های علمیه برای استمرار حیات خود باید به تربیت نیروهایی پردازند که این رسالت‌ها را بر دوش گیرند و در یک نظام تعلیمی و تربیتی کار آمد این عناصر گران قدر را پرورش دهند.**



**روحانیت در اسلام به معنی آراسته بودن به فضیلت علم و تقوا و مجهز بودن برای انجام یک سلسله وظایف اجتماعی دینی و واجبات کفایی است. بی آنکه علم و تقوا سرمایه**  
**. (شهید سید محمدحسین دنیاطلبی گردد**  
**بهشتی، ولایت، رهبری، روحانیت؛ ص ۱۳۹)**



# الف) فلسفه پیدایش و رسالت روحانیت



شجره‌نامهٔ صنفی روحانیت از مسیر عالمان ربّانی دورهٔ غیبت به امامان معصوم و از طریق آنها به پیامبران الهی می‌رسد. عالمان ربّانی و مردان خدا در شمار پدران صنفی طلاب علوم دینی هستند.

طلبگی سلسله‌ای است متصل به عالمان بزرگ، امامان و پیامبران. نسب‌نامهٔ طلاب به مردان بزرگ تاریخ منتهی می‌شود و صف طولانی روحانیتِ تاریخ، قافله‌سالاری مانند نوح و ابراهیم (علیهم السلام) دارد. (ر.ک: محمدرضا حکیمی، هویت صنفی روحانی)

طلبه از نظر صنفی و شغلی از تبار پیامبران است و سلالهٔ نوح، ابراهیم، موسی، عیسی، محمد و وارث علی و فاطمه و حسین، (علیهم السلام) و این بس افتخارآمیز و مسئولیت‌آفرین است.

**نیاکان صنفی طلبه، انبیا و اولیا هستند؛ یعنی وظایفی را که آنها بر دوش داشته‌اند و خدمتی را که آنها در جامعه انجام می‌داده‌اند، طلبه، در شرایط امروز، برعهده گرفته است.**

# الف) فلسفه پیدایش و رسالت روحانیت



پیامبران خدا به واسطه وحی با پیام خدا آشنا شدند، طلبه نیز در دوره تحصیل خود با سخن خدا آشنا می شود

پیامبران، مردم را به خدا و تقوی دعوت می کردند و سخن خدا را به مردم انتقال می دادند، طلبه نیز همین خدمت اجتماعی را برگزیده است.

پیامبران در راه دفاع از دین و تحقق ارزش های الهی کوشیدند، وظیفه طلبه نیز همین است.

پیامبران به تعلیم و تربیت و هدایت مردم پرداختند. طلبه هم در همین مسیر گام برمی دارد

البته پیامبران بدون توقع پاداش، در معرض آزار و توهین و تمسخر مردم قرار گرفتند، طلبه هم باید برای این امور آماده باشد.

# الف) فلسفه پیدایش و رسالت روحانیت



می توان گفت که طلبه، همکار و همیار امام زمان(عج) است و دغدغه های آن حضرت وجود او را نیز فراگرفته است.

و دغدغه تربیت  
انسان های صالح  
و مقرب

دغدغه تحقق  
جامعه ایده آل  
اسلامی

دغدغه جهان  
اسلام

دغدغه حق و  
باطل

دغدغه اسلام  
و کفر

می توان گفت که طلبه سرباز امام زمان(عج) است و نیرویی برای تحقق آرمان های آن حضرت، یعنی در لشکر فرهنگی حضرت مهدی(عج) مسئولیت خاصی می پذیرد و سنگر خالی ای را پر می کند و به عنوان عضوی از یک مجموعه که امام زمان(عج) فرمانده و قافله سالار آن است انجام وظیفه می کند. می توان گفت طلبه، سهم امام است. یعنی نه تنها درآمد نقدی طلبه، که تمام وجود او - و تمام دارایی های معنوی، توانایی ها، استعدادها، و ظرفیت های او - متعلق به امام عصر(عج) است و باید طبق فرمان آن حضرت خرج گردد.



# الف) فلسفه پیدایش و رسالت روحانیت



طلبه از اینکه در زمره ذریه صنفی اولیای برگزیده خدا است، بر خود می‌بالد و با عنایت حق باید تلاش کند تا خلف صالحی برای آنان باشد. خدمتی که طلبه به جامعه عرضه می‌کند، رفع مهم‌ترین و حیاتی‌ترین نیاز انسان‌ها است.

و آشناسازی  
انسان‌ها با  
مهم‌ترین  
حقیقت هستی  
یعنی خدا

و نیاز به  
هدایت

نیاز به  
آسمان

نیاز به خدا

نیاز به  
انسانیت

نیاز به معنا

به بیان دیگر طلبه امروز، عالم فرداست و عالم دین وارث انبیا و انبیای الهی مأمور تعلیم و تربیت جامعه بوده‌اند، مراد از تعلیم، تعلیم کتاب و حکمت (نه آموزش حساب و هندسه و جغرافیا) و مراد از تربیت نیز تربیت معنوی انسان‌ها (و نه تربیت بدنی، یا تربیت هنری) است. بنابراین طلبه یک نیروی فرهنگی و عنصر تعلیمی - تربیتی در جامعه است که برای گسترش فرهنگ دینی آماده می‌شود و تلاش می‌کند.

# الف) فلسفه پیدایش و رسالت روحانیت



نهاد مقدس روحانیت، در نظام گسترده تقسیم کار اجتماعی، و در شبکه روابط انسانی، متکفل ارائه خدمات ویژه‌ای است. نقش ویژه این سازمان مهم در مناسبت با «دین اسلام» تعریف می‌شود. **روحانیت، بالمآل عهده‌دار وظیفه تعلیم و تربیت دینی نسل‌ها و جوامع انسانی است. روحانی نیز مانند نیاکان صنفی خود – پیامبران و اولیا – یا معلم کتاب و حکمت خواهد بود، یا مربی و مزکی جان‌های آماده.** (يَعْلَمُهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ يُزَكِّيهِمْ) (بقره: ۱۲۹) و از او انتظار می‌رود در راه افزایش شناخت، آگاهی و بصیرت دینی، تقویت انگیزه‌های الهی و گسترش رفتار اخلاقی تراز دین در میان مردم تلاش کند.

روحانیت، نهادی اجتماعی است که خداوند به تکمیل نیروی آن فرمان داده (توبه: ۱۲۲) و مستقیماً برای تأمین کادر آن اقدام کرده است. خدای متعال برای نیاز جامعه به کسب و تجارت یا پزشکی و مهندسی یا رانندگی و آهنگری، به صورت مستقیم نیرو نفرستاده است؛ اما برای رفع نیاز بشر به دین، اخلاق و معنویت ۱۲۴۰۰۰ انسان صالح، ارسال داشته و آنها را به گونه‌های مختلف، تأیید و هدایت و حمایت کرده است. بعثت پیامبران در پی نیاز انسان‌ها به تعلیم و تزکیه بوده و این نیاز چندان اساسی و بزرگ است که از میان همه نعمت‌ها، خدای بزرگ تنها نعمت بعثت را به رخ انسان کشیده و بر او منت نهاده است. (هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَ يُزَكِّيهِمْ وَ يَعْلَمُهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ إِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ. جمعه: ۲)

# ب) کار طلبگی

طلبه می تواند از نیرو، استعداد، فرصت و امکان خود در زمینه های مختلف بهره گیرد و انواع خدمات ارزشمند اجتماعی را برعهده گیرد.

یک روحانی می تواند پزشک باشد و علاوه بر تبلیغ دین به معالجه و درمان مردم بپردازد، روحانی می تواند با کودکان و نوجوانان انس گیرد و به آنها خط و املا و ریاضی و زبان بیاموزد، روحانی می تواند در یک موسسه مالی - اعتباری سهامی باشد و در بهبود اقتصاد کشور خویش نقشی ایفا کند. روحانی می تواند به تولید محصولات کشاورزی، دام یا فرآورده های صنعتی اقدام کند، روحانی می تواند خدمات فنی و حرفه ای ارائه دهد...

**اما هیچ یک از این فعالیت ها، فعالیت صنفی روحانی به شمار نمی رود و به طلبگی، روحانیت، لباس و نقش اجتماعی ویژه او مربوط نیست.**

هیچ کدام از این گزینه ها از روحانی - از آن جهت که روحانی است - انتظار نمی رود و روحانی به خاطر کاستی و کاهلی در آن هرگز مؤاخذه و ملامت نمی شود.

کسی از روحانی توقع ندارد توان آموزش فن رایانه یا هنر خوشنویسی را داشته باشد. کسی توقع ندارد که روحانی پاسخگوی پرسش های فیزیک و شیمی و جبر و حساب و هندسه باشد. هیچ کس از روحانی برای ساخت یک بنای مسکونی یا تعمیر وسیله نقلیه خود مشاوره فنی نمی طلبد. روحانی مسئول حل معضل ترافیک یا بهینه سازی تجهیزات آزمایشگاهی مدارس نیست.

# ب) کار طلبگی



اگر کسی چنین پندار یا انتظاری از روحانی دارد باید به سرعت آگاه شود که آدمی زاده در این جهان گسترده، با یک دست تنها یک هندوانه می تواند بردارد و توقعی بیش از این، از یک انسان معمولی، منطقی و معقول نیست؛

اما در مقابل، هر کسی حق دارد روحانی را پاسخ گوی پرسش های دینی خود بشناسد و از او توقع آمادگی برای ابلاغ پیام خدا را داشته باشد. هر کسی حق دارد روحانی را مسئول تربیت اخلاقی - دینی نسل نو و آموزش معارف قرآن و روایات بداند. هر کسی می تواند از روحانی انتظار گره گشایی و بن بست شکنی در تلاطم های روحی و بحران های فکری اعتقادی داشته باشد.

از روحانی انتظار نمی رود معلم جغرافیا و زبان انگلیسی باشد؛ اما به حق انتظار می رود که معلم خوبی برای قرآن و حدیث باشد. حل معضل ترافیک یا ترکیب آلیاژ قطعات صنعتی در حوزه مسئولیت روحانی نیست؛ اما تجزیه و تحلیل آثار تربیتی - اخلاقی

مسائل دنیای جدید، از جمله همین مسئله ترافیک یا توسعه صنعتی برعهده روحانیان است.

## روحانی مسئول

دفاع از معارف دینی در مقابل تهاجم فکری و عقیدتی جبهه کفر است. روحانی باید آموزه های فقهی، اخلاقی و معرفتی اسلام را به خوبی دریافته باشد و نسبت میان آنها را بداند.

# (ب) کار طلبگی

روحانیت اگر تکنیک فیلم‌سازی یا ترفندهای سینمایی را نداند عیب نیست و قصور از وظایف اجتماعی محسوب نمی‌شود؛ اما اگر هنر توسعهٔ دین‌داری و عبودیت را نداشته باشد، کوتاهی کرده است. روحانی اگر این توانمندی‌های متفرقه را نداشته باشد حداکثر یک مکانیک یا پزشک یا آهنگر نیست؛ اما اگر نتواند جامعه را به سمت ارزش‌های اخلاقی و الهی دعوت کند، «روحانی» نیست.

روحانی حتی به دنبال کسب تخصص در نحو و صرف و فلسفه و تاریخ و روان‌شناسی و اقتصاد و علوم سیاسی نیست. این علوم گرچه در حوزه‌های علمیه تدریس می‌شود و ساعت‌ها سرمایهٔ انسانی حوزویان را در اختیار خود می‌گیرد؛ اما هدف اصلی یک حوزوی هیچ کدام از این‌ها نیست.

**روحانی عالم دین است. تمام تعریف خود را از «مناسبت با دین» دریافت می‌کند و تمام تعهد خود را در این نسبت به کار می‌گیرد.**

# ب) کار طلبگی

البته روحانیت وظیفه دارد

در راه به فهمی دین خدا هرگونه تلاشی را به کار گیرد

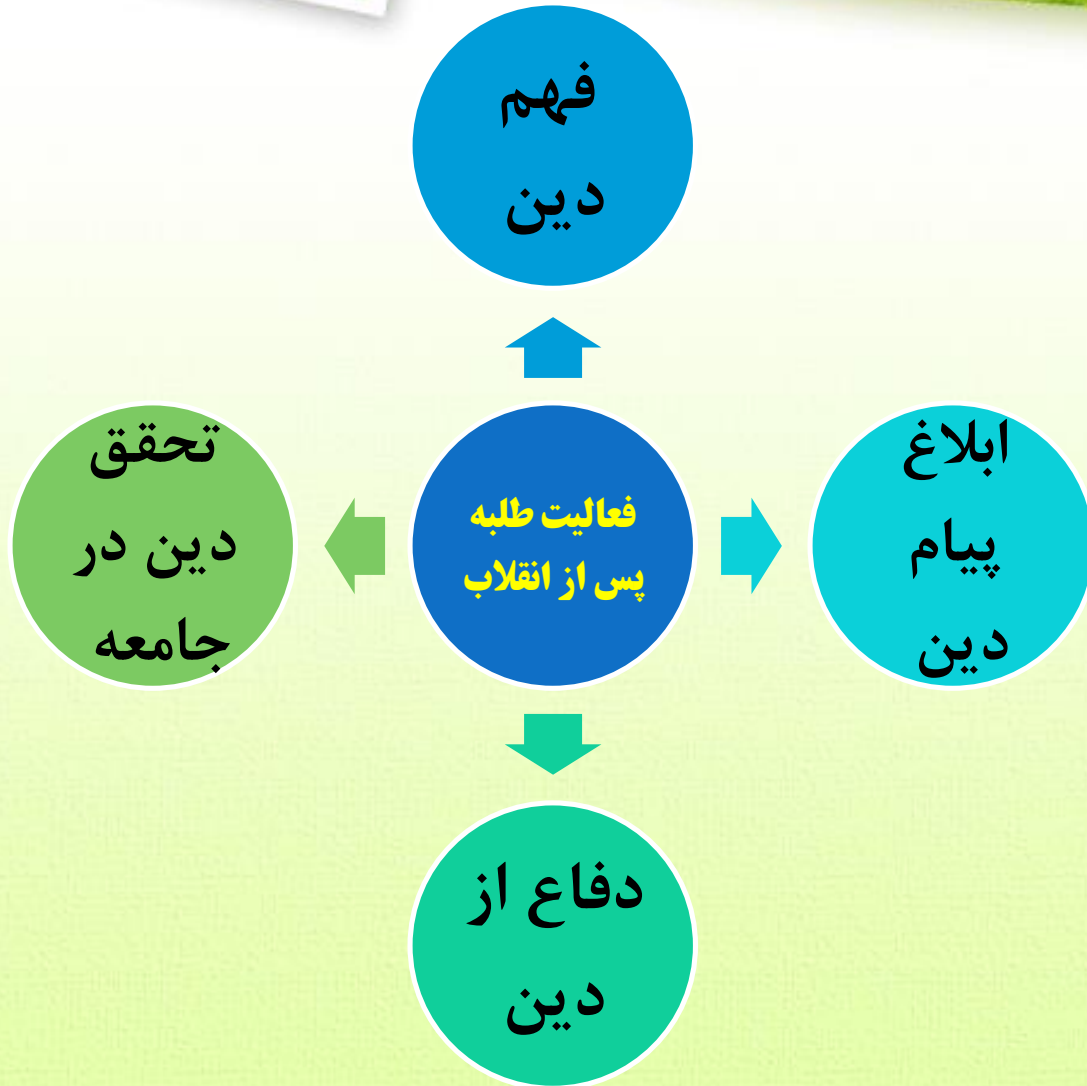
انواع فعالیت‌های علمی (عقلانی، تجربی و...) به هدف کشف آفاق جدید دین  
از وظایف روحانی است

هدف اصلی او به فهمی دین است و در این راه مقدمات لازم را باید کسب کند

ولی بسیار تفاوت است میان کسی که می‌خواهد عالم فلسفه و روان‌شناسی باشد با کسی که فلسفه را در خدمت فهم معارف دین می‌خواهد، و نیز میان کسی که عالم صرف و نحو است و کسی که صرف و نحو و ادب عربی را در خدمت فهم قرآن و حدیث می‌خواهد.

دانشمند علوم تجربی جدید با دانشمند دین متفاوت است. عالم دین، در پی کشف نظر خدا و در صدد فهم سخن پیشوایان معصوم است و در صرف و نحو و فلسفه و عرفان و روان‌شناسی به دنبال دست‌یابی به قرائن و شواهدی است که حقایق و حیانی را بهتر و بیشتر معلوم گرداند، در حالی که عالم فلسفه یا روان‌شناسی فارغ از دغدغه شناخت وحی، به دنبال شناخت حقایق از روش‌های خاص علوم است.

# ب) کار طلبگی

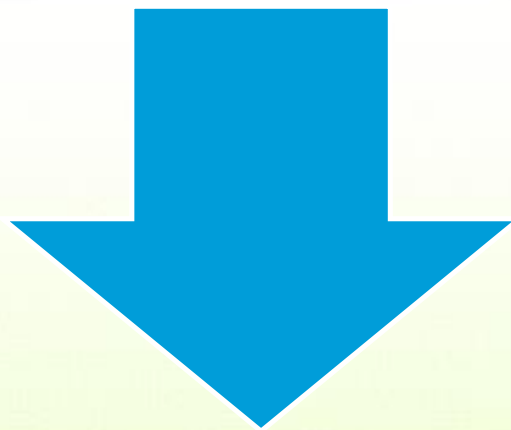


حوزه پیش از انقلاب توان مهندسی کلان فرهنگی و بنیان‌گذاری فرهنگ اسلامی در سطح جامعه جهانی را نداشت و از مجاری قدرت اجتماعی و تأثیرگذاری بر کلان جامعه محروم بود، بدین جهت بیشتر به طراحی، توسعه، ترویج و دفاع از نظام معرفتی دین می‌پرداخت و در کنج ضعف و انزوا و محدودیت به همین مقدار بسنده کرده بود؛ اما با پیروزی انقلاب اسلامی و توسعه اختیار عالمان دین، مسئولیت‌های سنگین‌تری بر دوش حوزویان قرار گرفت.

# ب) کار طلبگی



حوزه امروز باید در صدد ارائه  
الگوی همه جانبه اداره جامعه  
اسلامی - و غیر اسلامی -



بر اساس آن نظام  
معرفتی و حرکت به سوی  
تمدن سازی اسلامی باشد





# ب) کار طلبگی



این نسل برخلاف نسل اول که وظیفه‌اش بر هم زدن بنیان جامعه و فرهنگ کهن آن بوده وظیفه‌اش پی‌ریزی یک فرهنگ نو، جامعه نو و تمدن جدید است. بنابراین کارکردها و رسالت‌های حوزه، پیش و پس از انقلاب، بسیار متفاوت گشته و در پرتو آن نقش‌ها و کارکردهای طلبه نیز توسعه یافته است

تمدن اسلامی یعنی

یک تحول اجتماعی فراگیر

و تلاش برای تشکیل جامعه آرمانی بر اساس  
نظام آموزه‌های اسلامی

جامعه‌ای که در آن کسب معرفت و اجرای احکام فقهی، حقوقی و اخلاقی اسلام، روان و پویا و مستمر باشد.

# ب) کار طلبگی



## تأمین رسالت هایی که گفته شد

- فعالیتی که با واسطه به تأمین این رسالت ها کمک کند نیز اگر هیچ نهاد دیگری نتواند از ایفای آن برآید یعنی قابل واگذاری به اصناف دیگر نباشد، کار طلبگی است

## تأمین رسالت ها با واسطه

- کار طلبگی کاری است که این رسالت ها را تأمین کند. فعالیتی که مستقیماً این رسالت ها را تأمین کند قطعاً کار طلبگی است

- با این توضیحات، گویا شاخصی برای شناخت کار طلبگی از کارهای دیگر به دست آورده ایم.

## شاخص کار طلبگی

اما اگر در تأمین این اهداف، نیاز به چند واسطه داشته باشد و نیز قابل واگذاری به سایر اصناف باشد کار طلبگی به شمار نمی رود؛ مثلاً آشپز یا راننده ای که در اختیار سازمان روحانیت قرار دارد، در نهایت به رسالت های روحانیت کمک می کند؛ اما کار طلبگی نمی کند؛ اما ترجمه متون اسلامی که نیاز به تخصص ویژه حوزوی دارد و ممکن است قابل واگذاری به دیگران نباشد کار طلبگی به شمار می رود، گرچه این فعالیت در تأمین آن غایات، به عنوان یک واسطه عمل می کند.

# (ب) کار طلبگی

پیش جدیدی که اینک نسبت به هویت طلبه به دست آورده‌ایم، شالوده و شناژ برنامه ما را تأمین می‌کند. اکنون دریافته‌ایم

## طلبه نیرویی است که باید

در خدمت رسالت‌های انبیا، امام زمان (عج) و حوزه‌های علمیه قرار گیرد.

## تقدم فهم دین

از میان این رسالت‌ها، فهم دین - در حدود ممکن - بر ابلاغ و اجرای دین تقدم دارد. و قطعاً دوره زمانی مشخصی را باید به این مهم اختصاص داد

## وقت گذاری برای فهم دین

در این دوره، عمده توان و وقت طلبه باید صرف آموختن معارف دینی و به دست آوردن مقدمات آن گردد و هر فعالیت دیگری، به شرطی در زمره فعالیت‌های صنفی طلبه قرار می‌گیرد که در همین راستا باشد

# ج) نصاب طلبگی



در صفحات پیش با کار طلبگی آشنا شدیم. اکنون می‌توان فرض کرد که کار طلبگی از کسی غیر طلبه صادر شود. یعنی غیر طلبه به فعالیت‌های طلبگی و آخوندی مشغول باشد. همان‌گونه که می‌توان فرض کرد طلبه به غیر کار طلبگی اشتغال داشته باشد. بنابراین طلبه را صرفاً از فعالیت‌های طلبگی نمی‌توان باز شناخت. بدین ترتیب گویا هنوز یک سؤال باقی است؛ اینکه طلبه کیست؟ و چه ویژگی‌هایی در وجود یک شخص موجب صدق حقیقی عنوان طلبه بر او می‌گردد؟

قدر متیقنی که هر طلبه با هر رویکرد و تخصصی باید داشته باشد که اگر آن را نداشته باشد طلبه به‌شمار نمی‌رود و اگر آن را داشته باشد به هر تخصصی وارد شود مفید و رواست.

حداقل برخورداری‌ها و ویژگی‌هایی است که یک طلبه باید دارا باشد تا طلبه نامیده شود، به‌صورتی که با کمتر از آن اطلاقِ عنوان طلبه بر او شوخی، دروغ یا مجاز است.

مراد از

«نصاب طلبگی»

مراد از نصاب طلبگی، به عبارتی، «جوهره طلبگی» است. یعنی آنچه طلبه را طلبه می‌کند و کمتر از آن برای طلبه روا نیست. یعنی راهی که طلبه پیش از گرایش به هر رشته تخصصی به‌صورت عام باید بپیماید یا دست کم حین تحصیل تخصص نباید از آن غافل شود

# ج) نصاب طلبگی

بنابراین سؤال این است که کمترین دارایی یک طلبه که شرط لازم و کافی عنوان طلبگی و حدّ نصاب آن به شمار می‌رود چه عنصری است؟ در پاسخ به این سؤال گزینه‌های مختلفی را بررسی می‌کنیم؛

- آیا برای صدق حقیقی عنوان طلبه، لباس روحانیت کافی است؟ بی‌تردید نه! نه هر کس این لباس را دارد به حقیقت روحانی است و نه هر کسی در این لباس نیست از وصف روحانیت محروم است

**لباس  
روحانیت**

- آیا تقوا و معنویت و سلوک برای صدق عنوان طلبگی کافی است و هر مؤمن متقی اهل معنایی را می‌توان طلبه نامید؟ خیر! گرچه تقوا و معنویت شرط لازم طلبگی است؛ اما هرگز نمی‌توان ادعا کرد که این شرط برای طلبه کافی است. مثلاً بزرگانی مانند پیر پالان دوز یا مرحوم دولابی که طلاب و اهل علم در امور معنوی از محضرشان بهره می‌گرفتند، خود طلبه نبوده‌اند.

**تقوا و  
معنویت**

- آیا تبلیغ آموزه‌های دینی برای این منظور کافی است و هر کس به کار انتقال پیام خدا مشغول باشد طلبه است؟ اگر چنین باشد کارمند رادیو معارف، نویسنده و کارگردان سریال‌های دینی، و آن راننده تاکسی که برای مسافران خود آیات و روایات را بیان می‌کند و اطلاعات دینی خود را در اختیار دیگران قرار می‌دهد نیز باید طلبه باشند. آیا چنین است؟ خیر! این کسان به نحو تخصصی به این موضوع نمی‌پردازند و اعضای اصناف دیگر هستند

**تبلیغ**

# ج) نصاب طلبگی



- آیا خدمت به دین خدا یا عزم آن برای طلبگی کافی است؟ یعنی هر کس در مسیر خدمت به دین و پاسداری از وحی قرار دارد طلبه است؟ خیر! بسیاری از اعضای اصناف دیگر نیز به دین خدا یاری می‌رسانند و به نیت انجام وظیفه الهی و واجب کفایی در جامعه اسلامی خدمت می‌کنند، در حالی که هیچ یک طلبه نیستند. دست کم در خود حوزه‌های علمیه کارمندان ادارات، نگهبانان و آشپزها که خالصانه به نظام طلبگی خدمت می‌کنند و بالمآل در مسیر اهداف امام زمان ۷ قرار گرفته‌اند، عنوان طلبه ندارند و از صنف طلبگی به‌شمار نمی‌روند

خدمت به دین

- آیا تفقه و اجتهاد به معنی آشنایی با دانش‌های حوزوی و توان استنباط گزاره‌های شرعی از قرآن و حدیث برای طلبگی لازم و کافی است؟ یعنی طلبه حقیقی کسی است که مجتهد و فقیه باشد و هر کس این توان را به دست نیاورده باشد یا دست کم در مسیر تحصیل آن نباشد حقیقتاً طلبه نیست؟ مثلاً طلبه‌ای که مقداری درس خوانده و به هر دلیل از دست‌یابی به توان فقاهت و اجتهاد محروم مانده؛ اما به کار تبلیغ در شهر خود مشغول است حقیقتاً طلبه به‌شمار نمی‌رود. آیا چنین است؟ اگر چنین باشد بیش از ۸۰ درصد طلاب علوم دینی که مجتهد نیستند اما در کسوت روحانیت به رسالت‌های این نهاد مقدس تلاش می‌کنند و افتخار می‌آفرینند باید از زمره طلاب بیرون روند و این البته فرض بعیدی است. از سوی دیگر هر مجتهدی را نیز نمی‌توان به حقیقت طلبه نامید. زیرا برای صدق حقیقی عنوان طلبگی شرایط دیگری نیز وجود دارد

تفقه و اجتهاد

# ج) نصاب طلبگی



**آیا مجموعه و پیوستاری از این صفات، شرط لازم و کافی برای طلبگی به شمار می‌رود؟ با چه میزان و چه ترکیبی؟**

کمترین وابستگی به نظام روحانیت با ثبت نام در حوزه‌های علمیه و داشتن پرونده پرسنلی تحقق می‌یابد. یعنی طلبه با تشکیل پرونده در مدیریت حوزه از حیث قانونی و اعتباری طلبه شناخته می‌شود و مشمول آنچه که به طلبه تعلق می‌گیرد می‌گردد؛ هر چند درس نخواند و تقوا نداشته باشد.

در نظر توده مردم نیز کسی که به صورت غالبی لباس روحانی بپوشد طلبه است؛ هر چند کارمند یک اداره یا کاسب باشد. به همین جهت در میان مردم انتظارات خاصی از او رقم می‌خورد؛ اما سخن ما در اطلاق حقیقی عنوان طلبه بود، نه اطلاق پرتسامح عرفی یا شمول قانونی. به همین جهت لازم است ویژگی‌های طلبه را به دقت بیشتری بررسی کنیم.

به نظر می‌رسد از نظر جامعه‌شناختی انتساب حقیقی به این صنف – مانند همه اصناف دیگر – در صورتی است که شخص، عمده زمان و توان خود را به کار کردها و رسالت‌های این صنف اختصاص دهد. هویت طلبه با دین خدا گره خورده و تعریف طلبه از مناسبت او با دین به دست می‌آید. طلبه در راه شناخت عمیق دین خدا و ابلاغ و دفاع و اجرای آن می‌کوشد و برنامه خدمت اجتماعی خود را در این رسالت متمرکز کرده است. یعنی برخلاف دیگر مردم که عمده زمان و توان خود را در برنامه‌های دیگر می‌گذرانند، طلبه سرمایه توان و زمان خود را عمدتاً به ارتباط با منابع دینی و تلاش برای فهم و تبلیغ آن یا دفاع از آن یا گسترش زندگی دینی در سطح جامعه صرف می‌کند.

# ج) نصاب طلبگی



- عمدهٔ زمان و توان خود را به کارکردها و رسالت‌های این صنف اختصاص دهد

به نظر می‌رسد از نظر جامعه‌شناختی انتساب حقیقی به این صنف - مانند همهٔ اصناف دیگر - در صورتی است که شخص

- و تعریف طلبه از مناسبت او با دین به دست می‌آید

هویت طلبه با دین خدا گره خورده

- و برنامهٔ خدمت اجتماعی خود را در این رسالت متمرکز کرده است

طلبه در راه شناخت عمیق دین خدا و ابلاغ و دفاع و اجرای آن می‌کوشد

یعنی برخلاف دیگر مردم که عمدهٔ زمان و توان خود را در برنامه‌های دیگر می‌گذرانند، طلبه سرمایهٔ توان و زمان خود را عمدتاً به ارتباط با منابع دینی و تلاش برای فهم و تبلیغ آن یا دفاع از آن یا گسترش زندگی دینی در سطح جامعه صرف می‌کند.



# ج) نصاب طلبگی



قابل ذکر است که ارتباط با منابع دینی و فهم و تبلیغ و پاسداری و اجرای آن وظیفه‌ای نیست که اختصاص به طلبه داشته باشد. همه انسان‌های مؤمن نسبت به پیام خدا احساس مسئولیت دارند و برای بندگی خدای متعال در فهم آموزه‌های دینی تلاش می‌کنند

طلبه این مسئولیت را به‌عنوان رسالت صنفی خود گرفته و کل خدمات صنفی خود را در آن متمرکز کرده و زمان و توان خود را بیشتر به آن اختصاص داده است

در حالی که سایر مردم بیشتر به کارها و خدمات دیگر مشغول‌اند و تنها در حاشیه، به امر دین می‌پردازند؛ یعنی مأموریت محوری طلبه در حوزه معارف دینی تعریف شده و این‌گونه نیست که به‌صورت تفننی و در حاشیه به آن بپردازد

**تفاوت طلبه با سایر مردم در امر ابلاغ دین**

نظیر اینکه یک پزشک، عمده نیرو و زمان خود را به عرصه بهداشت و درمان اختصاص می‌دهد؛ در حالی که دیگران کاملاً در حاشیه فعالیت‌های روزمره به این امر می‌پردازند. یک مکانیک ممکن است آشپزی آموخته باشد و گاهی نیز آشپزی کند؛ اما این مقدار برای آشپز بودن کافی نیست، زیرا مأموریت محوری او آشپزی نیست و می‌تواند به‌صورتی کاملاً حاشیه‌ای و تفننی به آن بپردازد، او عمده زمان و توان خود را به مکانیکی می‌گذراند نه به آشپزی و همین مسئله باعث می‌شود که در مکانیکی تخصص و مهارت بالاتری نسبت به آشپزی به‌دست آورد و خدمات بیشتری ارائه کند.

# ج) نصاب طلبگی



اکنون با هویت طلبه آشنا گشته‌ایم و می‌توانیم طلبه را از غیر طلبه باز شناسیم

- طلبه کسی است که عمدهٔ زمان و توان خود را صرف رسالت‌های نهاد روحانیت گرداند. وابستگی چنین کسی به حوزهٔ علمیه و صنف روحانی حقیقی است.

طلبه در حقیقت

- در حالی که وابستگی کسی که درس حوزه خوانده و لباس روحانی پوشیده ولی به کسب و کار، ویرایش یا فعالیت اداری مشغول شده، به حوزه، مجازی و به قول ادیبان به اعتبار ما کان است

طلبه در مجاز

- و وابستگی کسی که هرگز درس حوزه نخوانده؛ ولی لباس روحانی به تن می‌کند کاملاً شوخی یا دروغین است.

غیر طلبه

# ج) نصاب طلبگی



• اکنون این فرمول را کمی توسعه و تفصیل می‌بخشیم. این فرمول، معیاری کمی و ظاهری است.

از نظر جامعه‌شناختی  
حقیقتاً متعلق به این  
صنف به‌شمار می‌رود

فهم و تبلیغ و اجرا و  
دفاع از دین خدا  
اختصاص داده باشد

کسی که عمدهٔ زمان و  
توان خود را به کار  
روحانیت یعنی

اما مانند همهٔ اصناف دیگر معلوم نیست در کار خود کامیاب و کارآمد باشد. مثلاً کسی که عمدهٔ نیرو و زمان خود را به رانندگی یا پزشکی می‌گذراند، الزاماً معلوم نیست راننده یا پزشک موفق باشد. همچنین معلوم نیست احساس هویت کند یعنی به‌رغم تغییرات درونی و بیرونی و تحولات فردی و محیطی، خود را همواره متعلق به این صنف و ارزشمند بشمارد.

# (ج) نصاب طلبگی

برای آنکه فرد در اختصاص زمان و توان خود به رسالت‌های حوزوی کامیاب باشد و احساس تعلق مستمر نیز به این نهاد داشته باشد، لازم است سه وصف زیر را داشته باشد

تفقه



تزکیه



ایفای نقش اجتماعی



اکنون به بررسی آن‌ها می‌پردازیم:

# ج) نصاب طلبگی



طلبه باید با دین خدا به صورتی کامل، موزون و متناسب آشنا باشد

اگر فرض کنیم طلبه شناخت متوازی از دین خدا نداشته باشد نمی تواند در نهاد متولی امر دین به خوبی نقش ایفا کند.

یعنی در صورتی که طلبه موضوع فعالیت های خود را نشناخته باشد نمی تواند بدان خدمت کند

این تفقه یا دین شناسی به معنای اجتهاد نیست؛ بلکه با اجتهاد نسبت عموم و خصوص من وجه دارد

یعنی برخی از دین شناسان، مجتهد و برخی از مجتهدان دین شناس نیستند.

دین شناسی اجتهادی مسیر بسیار طولانی در پیش دارد و در کوتاه مدت ممکن نیست

اما دین شناسی عمومی و غیراجتهادی در کوتاه مدت قابل دستیابی است. راه کوتاه برای به دست آوردن دین شناسی غیر اجتهادی، مطالعه آثار اندیشمندان بزرگی مانند شهید مطهری، شهید صدر، استاد مصباح یزدی، امام خمینی، علامه طباطبایی و مقام رهبری آیت الله خامنه ای است

تفقه یا دین شناسی

دو شیوه  
دین شناسی

# ج) نصاب طلبگی



طلبه باید در راستای ایفای نقش اجتماعی سنگین خود به پالایش روحی پرداخته باشد و از ایمان سرشار و اخلاق فاضله برخوردار باشد

هرچه این صفت در وجود طلبه بیشتر باشد در هویت صنفی خود استوارتر خواهد بود

زیرا تقوا و تهذیب نفس، هم در فهم معارف دینی شرط لازم است، هم در تبلیغ و انتقال آموزه‌های دینی به جامعه و دفاع از اندیشه دینی بسیار نقش آفرین است و هم خود مصداق تحقق عینی دین به‌شمار می‌رود

طلبه اگر تجربه حیات دینی نداشته باشد و روزگاری دین‌دارانه زندگی نکرده باشد توان ایفای نقش اجتماعی خود را ندارد

این ویژگی را شاید در هیچ صنف دیگری نتوان سراغ گرفت. یعنی پزشک و راننده و مهندس ممکن است از نظر اخلاقی و کمال انسانی ضعیف باشند؛ اما کارکرد صنفی خود را به‌خوبی ایفا کنند

ولی طلبه اگر تهذیب نفس نداشته و بر اساس تعالیم دینی زندگی خود را رقم نزده باشد در انجام وظایف طلبگی خود هرگز کارآمد نیست.

حد اقل این صفت تزکیه «عدالت فقهی» یعنی پرهیز از گناه و انجام واجبات است. ویژگی‌های اخلاقی متعددی نیز وجود دارد که طلبه باید بدان آراسته باشد

پژوه

# ج) نصاب طلبگی



طلبه باید دغدغه خدمت به جامعه را داشته باشد و تلاش‌های خود را معطوف به نیازهای اجتماعی - یعنی چیزی علاوه بر بهره شخصی خود - رقم زند

اگر فرض کنیم طلبه از دین‌شناسی و تقوا برخوردار باشد و عمده زمان و توان خود را صرف این امور کند؛ اما اثری در جامعه نداشته باشد، انتساب او به صنف روحانیت کارآمد نیست.

مانند کاسبی که تنها به اندازه نیاز روزمره خود جنس به مغازه می‌آورد، یا راننده‌ای که تنها خانواده خود را جابجا می‌کند!

برای بررسی دقیق‌تر این ویژگی‌ها در وجود طلبه لازم است تمام احتمالات ممکن از ترکیب این سه صفت را در وجود شخصی که عمده زمان و توان خود را به امر دین اختصاص داده، ترسیم کنیم و به صورت مقایسه‌ای نسبت به آنان داوری کنیم. این صور ممکن، جمعاً هشت احتمال را تشکیل می‌دهند که برترین صورت آن کسی است که هر سه صفت تفقه، تقوا و نقش اجتماعی را دارد و پست‌ترین صورت آن، کسی که تقوا و تفقه ندارد اما به ایفای نقش اجتماعی می‌پردازد.

# د) آینده کاری طلبه



طلبه مانند هر کس دیگر باید در نظام تقسیم کار اجتماعی کاری را برعهده گیرد و دغدغه انجام آن را داشته باشد.

و هرگز  
نباید  
وجود و  
عدم او  
برای  
جامعه  
مساوی  
باشد

طرح  
مفیدی  
را به  
سرانجا  
م رساند

خروج  
ی ای  
داشته  
باشد

نتیجه  
ی  
تحویل  
دهد

کاری  
عرضه  
کند

دست  
به  
اقدامی  
زند

دردی را  
دوا کند  
و حضور  
خود را  
بنمایاند

گرهی  
ناگشو  
ده را  
باز کند

باری را  
از  
زمین  
بردارد

طلبه پس  
از دوره  
تحصیل  
باید



# (د) آینده کاری طلبه



## طلبه باید

خود را مکلف به یاری دین خدا و ارائه خدمتی بداند و برای آن خود را از پیش آماده کرده باشد

## طلبه باید

یک نقش اجتماعی و کارکرد مثبت برای خود تعریف کند و تعهدی برای اجرای یک برنامه بدهد و سنگری را با مسئولیت و تعهد پر کند و گوشه‌ای از مرز فرهنگی را پاسداری نماید؛ به‌گونه‌ای که خیال دیگران از حضور و ظهور او در آن عرصه آسوده گردد

## طلبه باید

یک عضو مفید برای پیکره اجتماع باشد؛ یک بازوی توانا، چشم بینا، گوش شنوا، زبان گویا و یک کارگزار امین برای اهداف امام عصر(عج)، و با قوت و قدرت آن وظیفه را به انجام رساند.

# (د) آینده کاری طلبه

هر طلبه‌ای در امتداد نگاه به آینده با این پرسش‌ها روبرو می‌شود که :

کارکردهای طلبه و خدمات تخصصی‌ای که می‌تواند ارائه دهد، آینده کاری او و مأموریتی که باید برعهده گیرد، غایات و مقاصدی که بر طلبگی مترتب است، اهداف کاری، و آفاق طلبگی یعنی افق‌های دوردستی که شایسته است یک طلبه برای انتهای مسیر خود در نظر گیرد چیست؟

چه نقش‌ها و شئون اجتماعی در انتظار او است؟

کارکردهای طلبه و خدمات تخصصی‌ای که می‌تواند ارائه دهد، آینده کاری او و مأموریتی که باید برعهده گیرد، غایات و مقاصدی که بر طلبگی مترتب است، اهداف کاری، و آفاق طلبگی یعنی افق‌های دوردستی که شایسته است یک طلبه برای انتهای مسیر خود در نظر گیرد چیست؟

و به دیگر زبان شئون تخصصی حوزویان و تیپ‌های تخصصی در عالم طلبگی کدام‌اند و چگونه طبقه‌بندی می‌شود؟

# (د) آینده کاری طلبه



راه اول مسیر استقرایی - از جزئی به کلی - است. یعنی با نظر به عملکرد شخصیت‌های روحانی موفق و خدمات تخصصی‌ای که طلاب در جامعه امروز برعهده گرفته‌اند، فهرستی تفصیلی و جامع از نقش‌های اجتماعی حوزویان پدید آوریم و به‌صورتی پس‌آرا آنها را طبقه‌بندی و بسامان کنیم.

راه دوم این است که به‌صورت پیش‌آرا و قیاسی - از کلی به جزئی - حرکت کنیم. یعنی نظام جامع رسالت‌های حوزه را به‌دست آوریم و در امکانات محیطی و شرایط روز ضرب کنیم. این حرکت به یک آرایش پیشین منطقی از انواع فعالیت‌های حوزه خواهد رسید که تکرار و تداخل در آن وجود ندارد و قابل تطبیق بر انواع فعالیت‌های موجود می‌باشد.

گویا بهترین روش این است که این دو حرکت را به‌صورت تلفیقی و مکمل دنبال کنیم. یعنی یک بار از آرمان‌ها و غایات طلبگی آغاز کنیم و برای آنکه تمام آن مقاصد محقق گردد وظایف، نقش‌ها و تخصص‌هایی برای طلاب تعریف کنیم و یک بار نظر به انواع عملکردهای موفق موجود کنیم و از میان آن نقش‌های تخصصی طلاب را تعریف کنیم؛ سپس حاصل این دو را با هم تلفیق نماییم.

**برای پاسخ به  
این سؤال از دو  
راه می‌توان  
پیش رفت؛**

# (د) آینده کاری طلبه



در پاسخ به موضوع آینده کاری طلبه پیش از پرداختن به فروع و جزئیات، و ارائه بحث‌های عمیق و طولانی، لازم است یک جواب کوتاه و رسا و گویا داده شود تا طلبه، گرفتار کثرت‌ها و فروع نگردد و تکلیف خود را در یک جمله دریابد. این یک جمله پاسخ فوری و اجمالی به آن نیاز است که همواره در ذهن می‌ماند و سنگ محکی برای آزمودن جزئیات خواهد شد.

اگر بخواهیم به این سؤال یک جواب فوری و کوتاه دهیم و در یک جمله آینده کاری طلبه را معلوم گردانیم، باید همان‌گونه که در صفحات قبل نیز گفتیم این دو گزاره را به هم پیوند دهیم.

الف) «انَّ الْعُلَمَاءَ وَرَثَةُ الْأَنْبِيَاءِ» کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۲

ب) (هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ) جمعه: ۲

اگر علمای دین وارثان پیامبران هستند و پیامبران مأموریت تعلیم و تربیت را برعهده داشته‌اند، طلبه در آینده کاری خود یا معلم است و یا مربی. طلبه یک عنصر فرهنگی است که به کار تعلیم و تربیت انسان‌ها اشتغال دارد.

# (د) آینده کاری طلبه

محققان علوم دینی که  
به حفظ، ترمیم و  
بالنده سازی معرفت  
دینی و فهم شریعت  
نبوی مشغول اند

مروجان و مبلغان  
آموزه های دینی

**این پاسخ فشرده را  
به صورتی کاملاً  
استقرایی می توان  
تفصیل داد و تیپ های  
تخصصی حوزویان را  
این گونه ترسیم کرد:**

متصدیان مناصب  
اجرایی مختصّ  
حوزویان که برای  
تحقق دین در سطح  
جامعه و اداره دینی  
نظام اجتماعی

# (د) آینده کاری طلبه



\* کشف و تبیین قانون  
دینی و احکام فقهی.

استنباط و تبیین عقاید  
اسلامی و نگرش‌های  
کلان دین: فلسفه، کلام،  
و....

کشف و تبیین فرهنگ و  
ارزش‌های دینی:  
معنویت، اخلاق، آداب،  
سبک زندگی،....

کشف و تبیین نظام‌های  
کلان دینی (سیاسی،  
اقتصادی، قضایی،  
مدیریتی، تربیتی،  
حقوقی، و...)

الف) محققان علوم دینی که  
به حفظ، ترمیم و بالنده‌سازی  
معرفت دینی و فهم شریعت  
نبوی مشغول‌اند و برای  
به‌فهمی منابع دینی و کشف  
آفاق نظری ناگشوده و تبیین  
نظامات فکری دینی تحقیق و  
تلاش دارند و به‌صورت  
تخصصی در زمینه‌های زیر به  
تولید علم و پژوهش  
مشغول‌اند

# (د) آینده کاری طلبه



# د) آینده کاری طلبه



ولایت فقیه  
(مرجعیت دینی،  
سیاسی، اجتماعی)

ج) متصدیان مناصب اجرایی  
مختص حوزه‌ویان که برای  
تحقق دین در سطح جامعه و  
اداره دینی نظام اجتماعی  
تلاش می‌کنند؛ مانند

مدیران فرهنگی اجتماعی  
مانند نمایندگان ولی فقیه  
در دانشگاه و نیروهای  
انتظامی؛ قضاوت؛ مدیریت  
مدرسه یا حوزه علمیه

مقام افتا و مرجعیت  
دینی (به معنای رایج  
کنونی)



# د) آینده کاری طلبه

اگر بخواهیم رسالت حوزویان را در یک کلمه بیان کنیم می‌توانیم از «اقامهٔ دین» استفاده کنیم. حوزوی به صورت خلاصه «متولی اقامهٔ دین» است و برای این منظور باید به خوبی با دین و منابع آن آشنا باشد (تحصیل). آنگاه اقامهٔ دین در عناوین زیر تحقق می‌یابد:



# فصل دوم: طلبه در دوره رشد و تحصیل

## آنچه در این فصل می آید



## فصل دوم: طلبه در دوره رشد و تحصیل



دوره اول حیات صنفی حوزویان دوره رشد و تحصیل آنان است. در این دوره، طلبه به فراگیری و بهره‌جویی می‌پردازد و وجود خود را به علم و تقوا و مهارت‌های مورد نیاز گسترش می‌بخشد. اطلاق عنوان طلبه بر او نیز اشاره به همین معنای جستجوگری و طلب است و ماهیت بایسته او را آشکار می‌سازد.



### تحصیل طلبه :

عبارت است از گام برداشتن به سمت شناخت عمیق دین؛ یعنی به دست آوردن علوم و مهارت‌هایی که یا مستقیم عنوان «دین‌شناسی» دارد و یا مقدمه آن محسوب می‌شود.

عمده توان و وقت طلبه باید صرف آموختن معارف دینی و به دست آوردن مقدمات آن گردد و هر فعالیت دیگری به شرطی در زمره فعالیت‌های صنفی طلبگی قرار می‌گیرد که در همین راستا باشد.

## فصل دوم: طلبه در دوره رشد و تحصیل

مثال:

تحصیل در رشته‌های دانشگاهی مثل پزشکی و مهندسی مستقیم در راستای هدف طلبه قرار نمی‌گیرد. طلبه‌ای که ضمن تحصیل علوم دینی به تحصیل در رشته‌های علوم تجربی در دانشگاه می‌پردازد، نه طلبه خوبی خواهد بود و نه پزشک یا مهندس معتبری! و این افتخار بزرگی نیست.



این چنین برنامه‌ای نشان دهنده نوعی دوگانگی شخصیت و به نتیجه نرسیدن در انتخاب شاهره حرکت زندگی است.

## فصل دوم: طلبه در دوره رشد و تحصیل



آشنایی با دانش‌ها، فنون و مهارت‌های مختلف، گرچه مفید و در مواردی ضروری است؛ اما باید به‌خوبی روشن باشد که این فعالیت‌ها تنها هنگامی «کارِ طلبگی» محسوب می‌شود که هم‌جهت با اهداف حوزوی باشد. اگر این مسئله به‌خوبی روشن باشد، در توزیع عادلانهٔ توان و زمان، سهم اصلی به کار طلبگی اختصاص می‌یابد.

به این منظور لازم است آگاهی شایسته‌ای از محتوای دین خدا کسب کند و با منابع دین، شیوه استفاده از آنها و قواعد فهم روشمند دین به‌خوبی آشنا باشد تا در ارائهٔ نظر دین امانت‌داری کند. این توانایی‌ها در دوره تحصیل، کسب می‌شود و محور اصلی کار طلبه را تشکیل می‌دهد

طلبه نسبتی با دین خدا دارد. لباس امام عصر در بر و تاج پیامبر به‌سر می‌گذارد و باید «پیام خدا» را به جامعه ابلاغ کند نه «نظر خود» را

## فصل دوم: طلبه در دوره رشد و تحصیل



آیا تحصیل حوزوی در شرایط کنونی لازم است؟

آیا مناسب تر نیست در بحران فرهنگی موجود نیروهای جوان حوزه به جای پرداختن به علوم کشدار حوزوی به فعالیت های فرهنگی، اجتماعی روی آورند؟

چرا مراجع تقلید تحصیل دانش دین را واجب شرعی می شمارند؟

سوالاتی پیرامون  
ضرورت تحصیل

روایات فراوان از پیشوایان بزرگ اسلام بر ارزش ذاتی تفقه و آشنایی عمیق با دین خدا تأکید می ورزد، برخی از آن ها در ادامه می آیند

# ضرورت تحصیل



## ۱- ارزش تفقه

امام صادق علیه اسلام: لَيْتَ السَّيِّطَ عَلَى رُءُوسِ أَصْحَابِي حَتَّى يَتَفَقَّهُوْا»  
کاش تازیانه بر سر یاران من می بود تا آنان با دین خدا آشنا می شدند.

برقی؛ المحاسن، ج ۱، ص ۲۲۹

ارزش  
تفقه

این حدیث بیانگر اهمیت معرفت دین است و عبارت تازیانه در این روایت کنایه از جایگاه والای آشنایی با دین خدا است. در ضمن نوعی گلایه امام از یاران خود را نیز نسبت به کوتاهی آنان در این امر مهم بیان می دارد.

اهمیت  
معرفت

# ضرورت تحصیل



امام صادق  
علیه السلام

- تَفَقَّهُوا فِي دِينِ اللَّهِ وَ لَا تَكُونُوا أَعْرَابًا فَإِنَّهُ مَنْ لَمْ يَتَفَقَّهْ فِي دِينِ اللَّهِ لَمْ يَنْظُرِ اللَّهُ إِلَيْهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ لَمْ يُزَكَّ لَهُ عَمَلًا  
دین خدا را درست بفهمید و جاهل مباشید، زیرا کسی که در دین خدا فقیه نگردد خدا در روز قیامت به او نظر نمی کند و عمل او را پاک نمی گرداند (و نمی پذیرد). برقی؛ المحاسن، ج ۱، ص ۲۲۹

امام باقر  
علیه السلام

- الْكَمَالُ كُلُّ الْكَمَالِ التَّفَقُّهُ فِي الدِّينِ وَ الصَّبْرُ عَلَى النَّائِبَةِ وَ تَقْدِيرُ الْمَعِيشَةِ  
کمال مطلوب انسان در سه چیز است: آشنایی عمیق با دین، صبر بر مشکلات و حسابگری در زندگی. کلینی؛ الکافی، ج ۱، ص ۳۲

امام جواد  
علیه السلام

- التَّفَقُّهُ ثَمَنٌ لِكُلِّ غَالٍ وَ سَلْمٌ إِلَى كُلِّ عَالٍ  
دین شناسی بهای هر چیز گران بها و نردبان همه بلندی ها است  
دیلمی؛ اعلام الدین، ص ۳۰۹



# ضرورت تحصیل

امام علی  
علیه السلام

- أَيُّهَا النَّاسُ طُوبَى لِمَنْ شَغَلَهُ عَيْبُهُ عَنِ عُيُوبِ النَّاسِ وَ تَوَاضَعَ مِنْ غَيْرِ مَنْقَصَةٍ وَ جَالَسَ أَهْلَ التَّفَقُّهِ وَ الرَّحْمَةَ وَ جَالَسَ أَهْلَ الذِّكْرِ وَ الْمَسْكَنَةَ وَ أَنْفَقَ مَالًا جَمَعَهُ فِي غَيْرِ مَعْصِيَةٍ مجلسی، بحار الانوار، ج ۶۶، ص ۳۸۰
- خوشا به حال کسی که با اهل تفقه همنشین باشد

امام صادق  
علیه السلام

- سلیمان بن خالد می گوید از امام صادق ۷ در باره «حکمت» در آیه شریفه «وَ مَنْ يُوْتِ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا» (بقره ۲۶۹) سؤال کردم حضرت فرمودند: «إِنَّ الْحِكْمَةَ الْمَعْرِفَةَ وَ التَّفَقُّهُ فِي الدِّينِ؛ فَمَنْ فَقَهُ مِنْكُمْ فَهُوَ حَكِيمٌ وَ مَا أَحَدٌ يَمُوتُ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَحَبَّ إِلَيَّ إِلَّا إِبْلِيسَ مِنْ فَقِيهِ»
- حکمت – که در قرآن کریم از آن به خیر کثیر یاد شده – همان معرفت و تفقه در دین است. پس هرکس از شما که با دین خدا آشنا باشد او حکیم – و برخوردار از آن خیر فراوان – است و مرگ هیچ مؤمنی برای ابلیس از مرگ فقیه دوست داشتنی تر نیست عیاشی؛ تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۵۱.

با توجه به ارزش بالای تفقه و معرفت دین باید برای آن زحمت کشید و آن را – هرچند در زمان طولانی – به دست آورد.

# ۲\_ سربازان نبرد فرهنگی



در زمان دفاع مقدس - هنگامی که شعله‌های تجاوز استکبار جهانی به کشور ما روزبه‌روز زبانه می‌کشید و امام بسیجیان، شرکت در جبهه را واجب و جنگ را در رأس همه امور می‌دانستند - هزاران نفر از جوانان مخلص بسیجی در پادگان‌ها به آموزش نظامی اشتغال داشتند. گرچه جبهه‌های نبرد، تشنه حضور این جوانان بود؛ اما در یک محاسبه عقلانی، معطل نگهداشتن این جوانان در پادگان و طی دوره‌های آموزشی فشرده، از حضور ابتدایی آنها در جبهه، بهتر تشخیص داده شده بود؛ زیرا گذران این دوره آموزشی، کارآیی نیروها را بالا می‌برد و یک سرباز ضعیف را که دانش و توان دفاع از خود را ندارد، تبدیل به نیروی توانمندی می‌کند که بسیار مؤثر و مفید است.



امروز نیز گرچه صحنه نبرد فرهنگی نیرو می‌طلبد؛ اما بیش از آنکه به سیاهی لشکر و سربازان ناتوان محتاج باشد به نیروهای مقتدری نیاز دارد که در مدیریت این نبرد سنگین فعالانه حضور یابند و عملیات بزرگ فرهنگی را بر مدار معارف اسلامی تدبیر و اداره نمایند. از این رو نیاز گسترده جامعه به حضور فرهنگی طلبه در شرایط کنونی، بهانه موجهی برای کنار گذاشتن تحصیل دانش دین نیست.

# ۳\_ نهال فروشی حوزه

یکی از آسیب‌های مهم و درعین‌حال ناپیدایی که حوزه را تهدید می‌کند آفتی است که حضرت آیت‌الله جوادی آملی از آن به نهال‌چینی تعبیر فرموده‌اند.

برای رفع نیازهای جامعه پیدا می‌کند. در این شرایط دست تقاضای مردم شهرها و روستاها، ارگان‌ها، نهادها، مدارس، دانشگاه‌ها و مراکز فرهنگی یا تحقیقاتی جهت امامت جماعت، تبلیغ، تدریس، پژوهش، تشکیل کانون‌های فرهنگی، ارائه مقاله یا طرح‌های مذهبی، ارتباط با جوانان، اداره مراکز دینی، تدوین جزوه، تألیف کتاب و... به سوی طلبه دراز می‌شود و از او دعوت به همکاری می‌گردد. طلبه با مشاهده نیاز فراوان جامعه و توان خود احساس ضرورت می‌کند و جذب این فعالیت‌ها می‌شود.

# ۳\_ نهال فروشی حوزه

برای رفع نیازهای جامعه پیدا می‌کند. در این شرایط دست تقاضای مردم شهرها و روستاها، ارگان‌ها، نهادها، مدارس، دانشگاه‌ها و مراکز فرهنگی یا تحقیقاتی جهت امامت جماعت، تبلیغ، تدریس، پژوهش، تشکیل کانون‌های فرهنگی، ارائه مقاله یا طرح‌های مذهبی، ارتباط با جوانان، اداره مراکز دینی، تدوین جزوه، تألیف کتاب و... به سوی طلبه دراز می‌شود و از او دعوت به همکاری می‌گردد. طلبه با مشاهده نیاز فراوان جامعه و توان خود احساس ضرورت می‌کند و جذب این فعالیت‌ها می‌شود.

طلبه‌ای که تنها چند سال در حوزه تحصیل کرده، در این موقعیت به منزله نهالی است که تازه به ثمر نشسته و چند میوه نارس، زیبا، خوش‌رنگ و جذاب را به رهگذران می‌نماید. اگر این نهال از رشد و تکامل بازداشته شود تا پایان، همین میوه‌ها را خواهد داد.

# ۳\_ نهال فروشی حوزه



طلبه نیز اگر در این موقعیت از خدمت ارزنده و میوه زیبایی که ارائه کرده است احساس رضایت کند و از زمینه رشد و تحصیل خود جدا شود تا پایان، میوه‌هایی کوچک و اندک از همین دست خواهد داشت و در مقابل بادهای ناملايم مقاومتش درهم خواهد شکست. ولی اگر ارتباط این نهال با زمینه علمی و معنوی خود محفوظ بماند و مرتب از آن زمینه تغذیه گردد به رشد و پویای خود ادامه می‌دهد و به درخت بالغ تناوری تبدیل می‌شود که علاوه بر میوه‌های آبدار فراوان - بسیار بیشتر از آنچه ابتدا عرضه می‌کرد - سایه پهنآوری بر جامعه می‌افکند و تکیه‌گاه علمی و معنوی جمعی گسترده می‌شود. ریشه و تنه و ساقه‌ای مستحکم به دست می‌آورد که در طوفان فتنه‌ها قامت استوار خود خم نکند و آفات، آسایش نرساند و با شکستن چند شاخه ضعیف از پای نیفتد.

حوزه علمی در شرایط کنونی نهال‌چینی و نهال‌فروشی می‌کند. یعنی نیروهای خود را در موقعیتی که تازه به بار نشسته، یکباره جدا و عرضه می‌کند. در حالی که با در نظر گرفتن نیاز آینده جوامع بشری و توانمندی بالقوه طلبه باید به گونه‌ای دیگر برنامه‌ریزی کرد؛ زیرا رسالت سنگین حوزه، بر دوش نیروهای ضعیف قرار نمی‌گیرد و توان نیروهای حوزوی باید متناسب با آن وظایف عظیم فعال شود.

# ۴\_ ثمرات متفاوت



انواع خدمات دینی و حوزوی، توسط عالمان دین و مراکز پژوهشی و فرهنگی در سطح جامعه ارائه و منتشر می‌شود. این‌گونه فعالیت‌ها همه در یک سطح قرار ندارند. این فعالیت‌ها فراورده و ثمره دوره تحصیل حوزوی است و بسته به نوع کار و توان متولیان آن متفاوت است. شبیه اختلاف گردو و خربزه یا خرما و خیار چنبر!



بوته خربزه در کمتر از نیم سال به سرعت رشد می‌کند و زمین فراوانی را اشغال می‌نماید. با کمی رسیدگی شکوفه‌ها به میوه تبدیل می‌شود و در اندک زمانی میوه‌های طلایی‌رنگ، خوش‌عطر و بو، بسیار شیرین و آبدار، در ابعادی بسیار درشت و چشمگیر رهگذران را می‌فریبد؛ اما پس از یک سال از بیخ و بن در می‌آید و دیگر اثری از آن بر جای نمی‌ماند.



در مقابل، دانه گردو از آن روز که درون خاک قرار می‌گیرد تا آن هنگام که به نهال بالغی تبدیل شود به سال‌ها رسیدگی و تیمار احتیاج دارد. پس از سال‌ها تلاش و انتظار میوه‌ای بر شاخسار این نهال می‌آویزد به ظاهر بسیار کوچک، دارای رنگ تیره، بدون جلوه و رونمایی، درون پوسته‌ای سخت، حاوی دانه‌ای بی‌مقدار و دیرپاب؛ اما به‌غایت مقوی، مؤثر، مفید و پرانرژی... و سالیان سال این درخت، پربار و سایه‌سار گسترده‌اش برقرار.

# ۴\_ ثمرات متفاوت



پاره‌ای از فعالیت‌های فرهنگی که با تلاش کم، آن هم در مدتی کوتاه به بار می‌نشیند و میوه‌های بزرگ و چشمگیر و شیرین عرضه می‌کند خربزه‌ای بیش نیست و دوام و استمراری ندارد؛



اما پاره‌ای دیگر به پشتوانه کوششی پی‌گیر و در زمانی دراز به بار می‌نشیند و محصول آن، گاه، به چشم هم نمی‌آید؛ اما بی‌نهایت سودمند و عمیق و پرمحتوا و مؤثر است. نادرند کسانی که با حوصله و استقامت فراوان و بیش از آن، با فکر و تدبیر و تشخیص به‌موقع، متولی این دسته از فعالیت‌ها گردند



حوزه امروز ما نیازمند مردانی است با پشتوانه علمی و فکری مستحکم، زمان‌آگاه و بصیر، خلاق و پرتلاش و پارسا که مسئولیت‌های سنگین حوزه را بر دوش گیرند و جریان فکری جامعه را هدایت دینی نمایند. تربیت این مردان کارآمد برای فردای حوزه در پرتو تحصیل انبانی از توانمندی‌های علمی، فکری، روحی و مهارت‌های جمعی ممکن است. تربیت امروز ما، برای خدمت فرداست و ما، نه موجودی امروز که نیروی فرداییم.



# ۵- یاوران امام عصر (عج)



همه ما آرزو داریم از یاوران خاص امام زمان و در زمره سربازان ویژه آن حضرت باشیم؛ ولی نباید انتظار داشته باشیم بدون هیچ تلاش و زحمتی یکباره چنان تغییر کنیم که توان لازم برای این افتخار مهم را بیابیم! باید شرایط سربازی آن حضرت را تحصیل نماییم و با بالا بردن کمالات و توانمندی‌ها، قابلیت بیشتری به دست آوریم. و همین است مفهوم عمیق «انتظار فرج».

امام عصر پس از ظهور با تصرفات تکوینی و از راه‌های خارق‌العاده جهان را اداره نمی‌کنند. آن حضرت شبیه روش پیامبر و امیرالمؤمنین با استفاده از امکانات عادی، نهضت خود را آغاز می‌کند و با استفاده از نیروهای موجود - یعنی کسانی مانند من و شما - به اصلاح امر دنیا و اقامه قسط و داد می‌پردازد. طولانی شدن غیبت امام به جهت کامل نبودن شمار یاوران آن حضرت به این معنی است که حضرت با نیروهای موجود، توان برپایی آن نهضت عظیم را ندارند.



# فصل سوم: ویژگی‌های کنونی حوزه



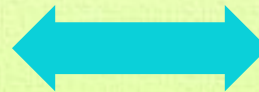
## آنچه در این فصل می‌آید

فصل سوم: ویژگی‌های  
کنونی حوزه



حوزه ، بهترین پایگاه  
آشنایی با دین

الف) کمبود منابع  
انسانی در حوزه





## فصل سوم: ویژگی‌های کنونی حوزه

### الف) کمبود منابع انسانی در حوزه

در میان مردم عادی – خصوصاً در مجاورت مراکز حوزوی – گاهی تصور می‌شود

«فراوانی طلاب علوم دینی به اندازه کافی پاسخ‌گوی نیاز جامعه هست و امروزه استقبال از سایر رشته‌های علمی یا حرفه‌ها و صنایع، اهمیت بیشتری دارد.» این تصور، نزد اهل اطلاع، قضاوتی نابهنگام و تصویری به‌شدت مخدوش است زیرا:

**(به یازده مطلب ذیل دقت شود)**

# فصل سوم: ویژگی‌های کنونی حوزه

## الف) کمبود منابع انسانی در حوزه



۱. همه‌ساله بیش از یک میلیون نفر از جوانان کشور، متقاضی ورود به دانشگاه‌ها هستند و در رقابتی سنگین صدها هزار نفر جذب رشته‌های دانشگاهی می‌شوند. این درحالی است که متقاضی علوم حوزوی در هر سال تنها چند هزار نفر و مجموع پذیرفته‌شدگان فقط کسری از این گروه است. جذابیت‌های متراکمی که تحصیل دانشگاهی را در نظر جوان خوش‌رنگ و نما می‌گرداند به ضمیمه مخالفت برخی از خانواده‌ها با تحصیل فرزندان خود در حوزه و منع شدید آنان، به توزیع نابرابر نیروی انسانی دامن می‌زند.



۲. تخصص‌های دانشگاهی عمدتاً درصدد رفع نیازهای جسمی و مادی بشر، و تخصص‌های حوزوی عمدتاً ناظر به ابعاد تربیتی و معنوی انسان است. بُعد ناپیدای وجود آدمی که فصل مقوم ماهیت انسان و حقیقت وجودی اوست به همان نسبت که «اهمیت» افزون‌تری در مقابل جانب خاکی و مادی او دارد، دارای پیچیدگی بیشتری است. طبعاً «شناخت» آن هم بسیار دشوارتر و «مشکلات» آن فراوان‌تر و صعب‌العلاج‌تر است. با این وصف (اهمیت بیشتر، شناخت دشوارتر و مشکلات فراوان‌تر) نیاز به کارشناسان و متخصصان ورزیده‌ای که در سایه آموزه‌های آسمانی به شناخت ابعاد روحی و معنوی انسان دست یابند و در حل و رفع این دسته از مشکلات به‌کار آیند، نیازی اساسی است و نیروی انسانی شایسته و فراوانی می‌طلبد.

# فصل سوم: ویژگی‌های کنونی حوزه الف) کمبود منابع انسانی در حوزه



۳. بخش عمده‌ای از نیازهای جامعه ما که اینک توسط متخصصان دانشگاهی مرتفع می‌گردد، در شرایط اضطراری از سایر کشورها نیز قابل تأمین و تدارک است. در ایام دفاع مقدس، شمار قابل توجهی از پزشکان و متخصصان دیگر مناطق دنیا در کشور ما به ارائه خدمات اشتغال داشتند. این در حالی است که نیاز ما به صاحب‌نظران دینی، جز از طریق حوزه‌های علمی شیعی قابل حل نیست. اکنون حوزه، باید پاسخ‌گوی نیاز فراوان همه دنیا به علوم اهل بیت باشد. امروزه دست نیاز مجامع علمی معتبر دنیا به آخرین دستاوردهای حوزوی ما دراز است. کرسی‌های خالی اسلام‌شناسی و شیعه‌شناسی دانشگاه‌های مهم جهان متقاضی حضور روحانیان شایسته و تواناست. مراکز فرهنگی مسلمانان در نقاط مختلف پنج قاره دنیا در تکاپو برای دعوت از اندیشمندان و مبلغان، در ارتباط دائم با حوزه‌های علمی ما هستند، و خلاصه پس از انقلاب اسلامی در ایران، همه انسان‌های حق‌جو در سراسر جهان در عطش فهم پیام آخرین پیامبر ۹، رو به سوی ما دارند. ادعای بزرگ انقلاب اسلامی این بود که اسلام پاسخ‌گوی تمام نیازهای فردی و اجتماعی انسان از گهواره تا گور می‌باشد و این نیازها را تا دامنه قیامت تأمین می‌کند. ارائه دستورالعمل جامع حیات بشر براساس وحی محتاج پژوهش‌های عظیم و تلاش فراوان است که نیروی کارآمد حوزوی باید به آن بپردازد.



۴. فرهنگ و تربیت جامعه به متولّی نیاز دارد. در محیط کوچک خانواده، خدای متعال یک عنصر فرهنگی و تربیتی که «مادر» نام دارد را در کنار یک عنصر اقتصادی که «پدر» نام گرفته، قرار داده و پدر را مأمور کرده که نگرانی اقتصادی خانواده را برطرف سازد تا مادر فارغ‌البال و بدون دغدغه معیشت در یک محیط آرام، به وظیفه تربیت بپردازد. در محیط بزرگ جامعه، آیا به یک نهاد فرهنگی و تربیتی نیاز نیست؟



# فصل سوم: ویژگی‌های کنونی حوزه

## الف) کمبود منابع انسانی در حوزه



۵. برای ساختن یک ساختمان معمولی، به ده‌ها نیروی کاری متخصص نیاز داریم؛ مهندس، معمار، کارگر، لوله‌کش، آهنگر، برق‌کش، نقاش، کابینت ساز و... یقیناً برای ساختن یک جامعه اسلامی و بنای یک تمدن تاریخی بزرگ بر اساس اسلام، به ده‌ها هزار نیروی دین‌باورِ زمان آگاه و ارسته احتیاج داریم؛ و این نیروها در محیط حوزه علمیه پرورش می‌یابند؟



۶. فقدان چهره‌های ممتاز و استوانه‌های علمی و معنوی حوزه در مبارزات قبل از انقلاب و حوادث پس از پیروزی و نیز عزم راسخ دشمنان بر از بین بردن شخص یا شخصیت بزرگان دین در شرایطی که اندیشه دینی در میان نسل جوان دستخوش طوفان شدید فتنه‌ها و امواج متلاطم شبهات گشته این نیاز را افزون‌تر نموده است.



۷. درگیری با انبوهی از شبهات تاریخی که از فضای فکری غرب یک‌باره به زبان بومی ما ترجمه و به جامعه ما سرازیر شد بخش قابل ملاحظه‌ای از نیروهای نخبه حوزه را مشغول به فعالیت‌های حاشیه‌ای نموده و از رسالت اصلی خود منحرف گردانده‌است؛ گرچه همین مبارزه، برکات فراوانی در پی داشته است.

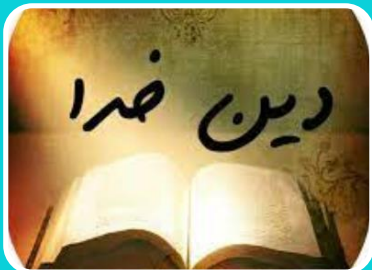
# فصل سوم: ویژگی‌های کنونی حوزه الف) کمبود منابع انسانی در حوزه



۸. تحقیقات جدیدی که پس از انقلاب در دستورکار حوزه قرار گرفته و موج موضوعات نوینی که بررسی آنها از منابع دینی، تازه آغاز گشته یا پس از این باید آغاز گردد، تولید و تدوین دانش‌های جدید دینی که غالباً ناظر به ابعاد اجتماعی اسلام می‌باشد، و نیز؛



۹. مسئولیت‌های سترگ اجرایی که قانون اساسی جمهوری اسلامی بر دوش حوزویان نهاده است از عواملی است که نیاز به نیروی انسانی را در این شاخه از فعالیت‌ها روشن‌تر می‌نماید.



۱۰. آشنایی با دین الهی به‌عنوان پدیده‌ای بسیار عظیم، دارای معارفی عمیق و روابطی بسیار پیچیده، فرایندی درازمدت است. به‌همین جهت مراحل پرورش نیروی کارآمد حوزوی در مقایسه با سایر مراکز علمی بیشتر و نیازمند زمانی درازتر است. تحصیل حوزوی، ۱۵ تا ۲۰ سال استقامت و تلاش نیاز دارد.

# فصل سوم: ویژگی‌های کنونی حوزه

## الف) کمبود منابع انسانی در حوزه



۱. اضطراب و نگرانی ابتدایی و تزلزل همت  
متقاضیان ورود به حوزه بر اثر دوردست  
جلوه کردن هدف.

**پیامدهای طولانی  
بودن تحصیل در  
حوزه**

۳. غفلت از هدف اصلی، ورود در حواشی و  
فرعیات و پرداختن به اموری که مستقیماً  
رسالت حوزه محسوب نمی‌شود.

۲. خستگی و دلزدگی طلاب در اواسط مسیر و  
در نتیجه جدا شدن از خانواده حوزه.

طلبه به مراتب بیش از دانشجو به استقامت نیاز دارد. یکی از دلایل آن این است که دانشجو پس از یک دوره تحصیلی ۴ یا ۷ ساله خود را در پایان راه تلقی می‌کند؛ اما طلبه پس از سال‌ها تحصیل خود را همچنان در آغاز راه می‌نگرد.

# فصل سوم: ویژگی‌های کنونی حوزه الف) کمبود منابع انسانی در حوزه



۱۱. علاوه بر همه این عوامل، نرخ ریزش همین تعداد اندک که در چنین فضای سنگینی افتخار طلبگی یافته‌اند بسیار بالاست. پاره‌ای به جهت دلزدگی و بی‌انگیزگی و پاره‌ای به جهت دشوار بودن مواد درسی، گروهی بر اثر فشار اجتماعی و گروهی دیگر بر اثر مشکلات اقتصادی - خصوصاً پس از تشکیل خانواده - و گروهی به دنبال جذابیت مراکز دیگر یا فقدان برنامه متناسب با نیاز در حوزه یا.. از حوزه فاصله می‌گیرند.



با این وصف، هر یک از طلاب علوم دینی در بحران شدید نیروی انسانی، گوهر گران‌بهای کمیابی محسوب می‌شود و در موقعیت استثنایی و ممتازی قرار گرفته است که با تلاش مضاعف باید جای خالی دیگران را پر کند و به رفع کاستی‌ها همت گمارد. دشواری شرایط فرهنگی به ضمیمه ندرت نیروهای توانمند، مسئولیت بیشتری برای او آفریده است. بدین ترتیب روشن است که نظام روحانیت و حوزه‌های علمیه، وظایف بسیار متنوعی بر دوش دارند که هرگونه استعداد و توانایی را می‌توانند به خدمت بگیرند. با شرایطی که توصیف شد، هیچ‌کس نمی‌تواند بگوید من استعداد طلبگی را ندارم. همه انواع روحیات و استعدادها می‌توانند به کار خدمت دین بیایند و در نظام روحانیت مورد استفاده قرار گیرند. گرچه مسئولان حوزه نیز موظف‌اند که امکانات محدود موجود را خرج بهترین‌ها کنند و در مراحل گزینش و پذیرش دقت فراوانی به کار گیرند.



# فصل سوم: ویژگی‌های کنونی حوزه (ب) حوزه، بهترین پایگاه آشنایی با دین



حوزه، بهترین پایگاه آشنایی با معارف اسلام است. هیچ مرکز دیگری در سراسر جهان وجود ندارد که در آن به صورت رسمی و با برنامه‌ای جامع، با فرهنگ دین و سخن پیشوایان معصوم، بتوان آشنا شد.

از این نظر شرایطی که برای طلبه پدید می‌آید بسیار مغتنم و قابل استفاده است. البته حوزه‌ها - مانند همه سازمان‌ها، ادارات و مراکز دیگر - تا رسیدن به نقطه مطلوب و رفع همه نقاط ضعف، فاصله‌ای طولانی در پیش دارند؛ اما همه کسانی که نقاط ضعف و کاستی‌های آن را گوشزد می‌نمایند، باید به این مسئله به خوبی توجه کنند و توجه دهند که هیچ سازمان و مرکز دیگری، رسالت عظیم حوزه و کارکرد آن را نمی‌تواند عهده‌دار شود.

حوزه، به رغم همه کاستی‌ها و بایسته‌ها، برای اسلام‌شناسی و درک عمیق فرهنگ دین، بهترین شرایط را فراهم می‌کند.

البته در میان حوزه‌های مختلف، خوب و بهتر وجود دارد و هر کسی موظف است شرایط رشد و تحصیل بهتری برای خود ایجاد کند و از فرصت‌ها و امکانات بیشتری بهره‌برداری نماید. هنر آن نیست که پس از تأمین همه شرایط و امکانات حرکت کنیم. هنر آن است که در تنگناها و محدودیت‌ها بهترین استفاده را نماییم.

# فصل سوم: ویژگی‌های کنونی حوزه (ب) حوزه، بهترین پایگاه آشنایی با دین



«لازم است روحانیت را اصلاح کرد نه اینکه آن را از بین برد. ثابت نگاه‌داشتن سازمان روحانیت در وضع فعلی نیز به انقراض آن منتهی خواهد شد. این مطلب را حدود ۱۰ سال است که بارها و بارها تکرار کرده و گفته‌ام که روحانیت یک درخت آفت‌زده است و باید با آفت‌هایش مبارزه کرد. کسی که می‌گوید دست به ترکیب این درخت نزنید معنای سخنش این است که با آفت‌های آن هم مبارزه نکنید و این باعث می‌شود که آفت‌ها، درخت را از بین ببرند. آن کسی نیز که می‌گوید اصلاً این درخت را باید از ریشه کند اشتباه بزرگی مرتکب می‌شود. زیرا اگر این درخت کنده شود دیگر هیچ کس قادر نخواهد بود تا نهال جدیدی به جای آن بکارد.»

نظام آموزشی و پرورشی امروز حوزه در کنار همه کاستی‌ها، امتیازات چشم‌گیری نیز دارد. در این مجموعه با همین امتیازات، شخصیت‌های برگزیده فراوانی رشد یافته و رسالت پیامبران الهی را بر دوش گرفته‌اند. نه وجود چنین برگزیدگانی بهانه موجهی برای عدم اصلاح کاستی‌های حوزه است و نه وجود آن کاستی‌ها، بهانه موجهی برای نفی کامل حوزه.

اگر بخواهیم منتظر اصلاح همه کاستی‌ها و مطلوب شدن همه موجودها باشیم تا پس از آن، اقدام را آغاز کنیم، باید بدانیم که هیچ‌وقت به چنین نقطه‌ای نخواهیم رسید. همیشه ایده‌آل‌های ما از واقعیت موجود بسیار فاصله دارد. پس عاقلانه‌تر آن است که به جای تقاضای توسعه امکانات، به بهره‌گیری از امکانات موجود توجه کنیم و با اراده و اختیار خود گره‌های بسته را باز نماییم.

# فصل سوم: ویژگی‌های کنونی حوزه (ب) حوزه، بهترین پایگاه آشنایی با دین



امروزه هریک از عناصر برنامه آموزشی حوزه، متولی سرسختی برای مخالفت، پیش رو دارد. اگر مجموع این مخالفت‌ها را گرد هم آوریم چیزی از نظام آموزشی حوزه باقی نخواهد ماند! درحالی که این گونه نیست.

همین متون و همین کتاب‌ها، دست‌مایه دانشمندان دین در آشنایی با آموزه‌های مکتب انبیا بوده است.

تکامل این نظام آموزشی و بهبود کیفیت آن همواره مد نظر مصلحان و دلسوزان قرار داشته؛ اما

اما همان بزرگان بارها تأکید کرده‌اند که موجودی خود را نباید به جرم نداشتن پاره‌ای کمالات، یک‌باره از دست داد!

بدترین اثری که این انتقادهای و اعتراض‌ها بر بدنه جوان حوزه وارد آورده، از بین بردن ایمان و اعتقاد آنها به استحکام این بنیان رفیع است.

ایمان و اعتقاد به فعالیتی که انجام می‌دهیم، موتور حرکت و پویای ماست

«شبهه» این موتور را سرد و خاموش و ما را از حرکت متوقف می‌سازد و خود، توجیه فریبنده‌ای برای سستی و کاهلی قرار می‌گیرد

## فصل چهارم: روند کلی فعالیت‌های طلبه



# آنچه در این فصل می‌آید

دوران  
زندگی  
حوزویان

فصل چهارم :  
روند کلی فعالیت  
های طلبه

فعالیت‌های  
فرهنگی در  
برنامه عملی  
طلبه

دوره رشد  
و تحصیل

## فصل چهارم: روند کلی فعالیت‌های طلبه



فعالیت‌های هر انسان به دو بخش تقسیم می‌شود:

### فعالیت‌های شخصی

مجموعه کارهایی است که همه افراد به مقتضای انسان بودن به انجام آن موظف هستند و عنوان و صنف اجتماعی در آن تأثیری ندارد؛ عبادت، ورزش، بهداشت، رسیدگی به امور خانواده و خویشاوندان، امر به معروف و نهی از منکر، و ارتباط اجتماعی از این دسته هستند. برعهده گرفتن بخشی از نیازهای جامعه و خدمت در یک صنف اجتماعی نیز وظیفه شخصی هر انسانی است.

### فعالیت‌های صنفی

پس از حضور در یک صنف خاص و پذیرش یک عنوان اجتماعی مسئولیت‌های تازه‌ای بر دوش انسان قرار می‌گیرد که برای انجام آن - در قبال بهره‌مندی از خدمات دیگران - حدود ۸ تا ۱۰ ساعت در شبانه‌روز باید وقت گذاشت. این مجموعه فعالیت‌ها، «فعالیت‌های صنفی» نام دارد. آنچه در تعطیلات رسمی کشور تعطیل می‌گردد، همین فعالیت‌های صنفی است، و فعالیت‌های شخصی تعطیل‌بردار نیست.

## فصل چهارم: روند کلی فعالیت‌های طلبه



یک پزشک، هر روز - به جز روزهای تعطیل - ۸ تا ۱۰ ساعت، موظف است در مطب یا بیمارستان به ارائه خدمات درمانی بپردازد.

یک راننده تاکسی، هر روز ۸ تا ۱۰ ساعت، درون اتومبیل، بخشی از نیازهای جامعه را برآورده می‌سازد. کارمند، کارگر، معلم، کاسب و رئیس جمهور نیز...



طلبه هم به مقتضای قرارگرفتن در یک صنف اجتماعی موظف است در هر روز - به جز روزهای تعطیل رسمی - ۸ تا ۱۰ ساعت فعالیت طلبگی داشته باشد.

# فصل چهارم: روند کلی فعالیت‌های طلبه الف) دوران زندگی حوزویان



## دوران زندگی حوزویان



## دوره رشد و تحصیل



## فعالیت فرهنگی در برنامه عملی طلبه

## فصل چهارم: روند کلی فعالیت‌های طلبه



### ۱. دوره رشد و تحصیل

در فراز اول هویت اصلی شخص، هویت «تحصیل» است.

طلبه در این دوره، به بالابردن ظرفیت علمی و دیگر توانمندی‌های خود می‌پردازد و قابلیت‌های خود را فعال می‌کند.

عمده فعالیت‌هایش ناظر به «خود» اوست

و به هدف اعتلای سطح کمال «خودش» صورت می‌گیرد.

عنوان «طلبه» به معنای طالب و پژوهنده کمال، گویای وجهه غالب و رنگ اصلی هویت او در همین دوره است.



## فصل چهارم: روند کلی فعالیت‌های طلبه



### ۲. دوره بازدهی و ثمربخشی

در فراز دوم، او بیشتر به «استفاده» از این توانمندی‌ها و ارائه خدمات، به «جامعه» می‌پردازد.

شخصیت اصلی او بیشتر در خدمت رفع نیازهای دینی، معنوی و علمی جامعه قرار می‌گیرد و از او انتظار ثمردهی می‌رود.

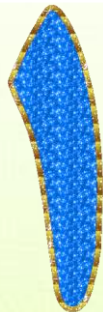
در دوره اول، طلبه «متعلّم علی سبیل النجاء» است

و در دوره دوم به «عالم ربّانی» تغییر هویت داده است.

## فصل چهارم: روند کلی فعالیت‌های طلبه

اگر کل زندگی طلبه را پس از آغاز فعالیت حوزوی شصت سال فرض کنیم

این شصت سال در تقسیم اولیه به دو بخش تقسیم می‌شود



دوره ۲۰ ساله

دوره ۴۰ ساله



رسالت‌های اجتماعی حوزه و کارآمدی طلبه عمدتاً مربوط به دوره دوم است.

## فصل چهارم: روند کلی فعالیت‌های طلبه



نکته بسیار مهم اینکه انتقال یک فرد از دوره اول به دوره دوم به صورت دفعی رخ نمی‌دهد

این دو دوره مرز ظریفِ خطی ندارند که گام‌نهادن به دوره دوم تنها در «یک لحظه» رخ دهد

بلکه این انتقال به صورتی تدریجی، آرام آرام و طی زمانی طولانی صورت می‌گیرد

بنابراین مرز میان این دو دوره، طیفی است نه خطی

طلبه هر سال که پیش تر می‌رود

غلظت فعالیت‌های فرهنگی و خدمات اجتماعی در برنامه کاری او افزایش می‌یابد

از درجه حضور فعالیت‌های تحصیلی در برنامه او اندک اندک کاسته می‌شود

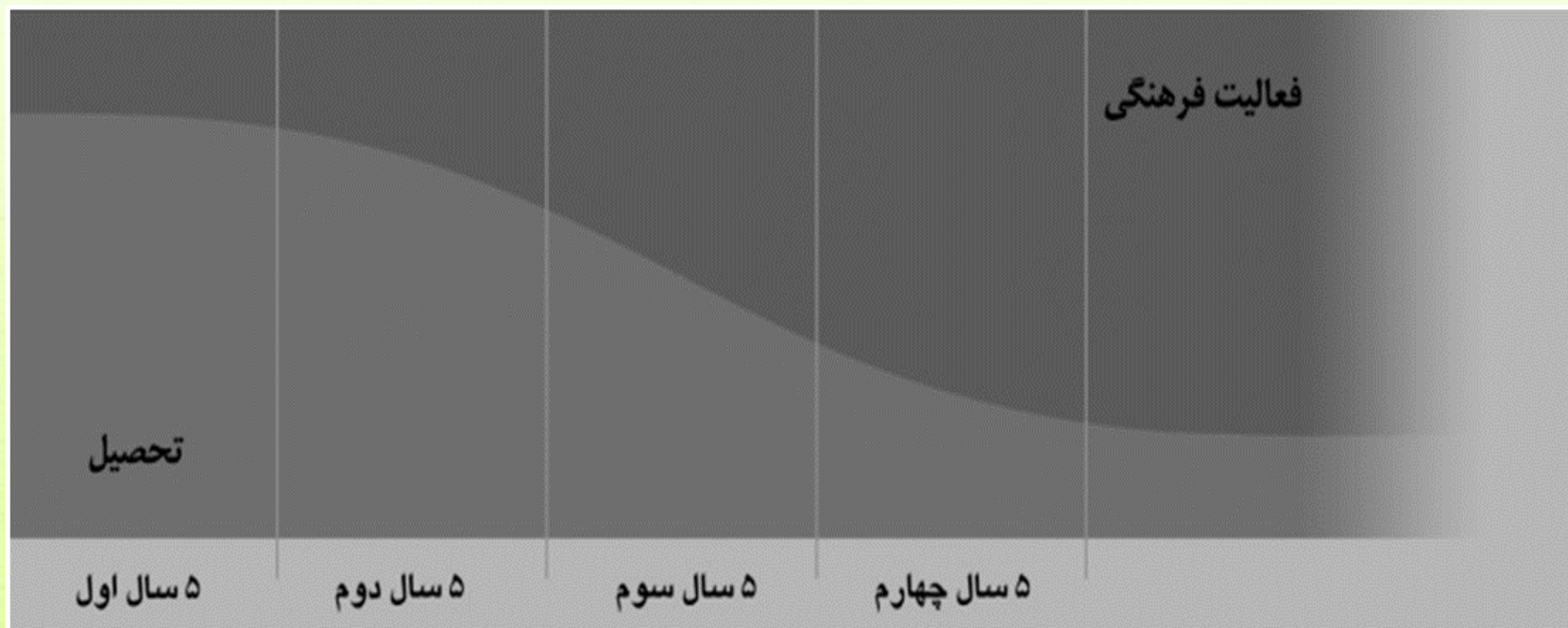
البته تحصیل علم هرگز از برنامه کاری طلبه حذف نمی‌شود

اما میزان پرداختن به وظیفه دائمی دانش‌جویی در ادوار مختلف سنی متفاوت است

## فصل چهارم: روند کلی فعالیت‌های طلبه



جهت توجه بیشتر به این تصویر دقت فرمایید



## فصل چهارم: روند کلی فعالیت‌های طلبه



هویت طلبه در دوره رشد و تحصیل، هویت تحصیلی است

فعالیت صنفی‌ای که برعهده دارد «تحصیل» است

**مراد از تحصیل در این عبارت فقط تحصیل رسمی حوزوی نیست؛**

بلکه کسب هرگونه کمال و توانمندی از قبیل توان پژوهش، سخن‌وری، ارتباط اجتماعی، مدیریت و... جزء فرایند تحصیل است. گرچه درصد اهمیت و ضریب اعتبار این موارد تفاوت فراوان دارد.

بر این اساس، عمده نیرو و وقت طلبه در طول سال باید در تحصیل و بالابردن توانمندی‌های شخصی هزینه شود.

## فصل چهارم: روند کلی فعالیت‌های طلبه

«متن» برنامه طلبه به تحصیل و جمع آوری برای خود اختصاص دارد و «پیرامون» آن به ثمر بخشی، ارائه و بازدهی. برهم خوردن نسبت متن و حاشیه، خلاف مقتضای طلبگی و مغایر با وظیفه اصلی اوست.

تحصیل دانش دین که زیربنای مفید برنامه طلبه به‌شمار می‌رود، نباید در کنار امور متفرقه - که به منزله حیات و فضای سبز ساختمان برنامه اوست - به قدری محدود شود که هنجار عمومی برنامه برهم خورد. این یک پنجم کل زمینه، به‌صورت‌های مختلف قابل توزیع بر زمان است. مثلاً دو ماه و نیم از سال، یک روز در هفته یا ۲ ساعت در روز، این یک پنجم را پوشش می‌دهد.

**جهت توجه بیشتر به صفحه بعد توجه فرمایید:**

نسبت متن و حاشیه تقریباً نسبت ۴ به ۱ است. یعنی اگر طلبه چهار پنجم وقت و نیروی خود را به تحصیل و یک پنجم آن را به فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی اختصاص دهد، اندام کلی برنامه او از تناسب خارج نشده است. از آنجا که طلبه در سال‌های نخست، توانایی درخوری برای فعالیت‌های جانبی ندارد، طبعاً این نسبت‌ها تغییر می‌کند (مثلاً یک دهم و نه دهم)؛ اما بر فرض آمادگی کامل طلبه، برای انواع خدمات فرهنگی و احساس موفقیت او در انجام فعالیت‌های اجتماعی، هویت صنفی او بیش از این یک پنجم به او اجازه حاشیه‌پردازی نمی‌دهد

آنچه قطعی است اهمیت مضاعف متن نسبت به حاشیه است. یعنی حاشیه، از متن بیشتر نیست، مساوی آن هم نیست؛ بلکه از آن - به اندازه‌ای قابل توجه - کوچک‌تر است. با حفظ این اندازه کلی، تثبیت نهایی ابعاد متن و حاشیه بسته به سلیقه افراد، متفاوت است.

برای آنکه منظور بحث روشن‌تر انتقال یابد کمی به زبان اعداد و ارقام سخن گوئیم

# فصل چهارم: روند کلی فعالیت‌های طلبه



\* فعالیت شخصی: ۱۴ ساعت

\* فعالیت صنفی: ۱۰ ساعت

\* فعالیت تحصیلی: چهار پنجم از زمان فعالیت صنفی  
مثلا ۸ ساعت در روز یا ۵ روز در هفته یا نه ماه و نیم از سال

\* فعالیت فرهنگی: یک پنجم از زمان فعالیت صنفی  
مثلا ۲ ساعت در روز یا ۱ روز در هفته یا دو ماه و نیم از سال

\* تحصیل حوزوی: چهار پنجم از زمان فعالیت تحصیلی

\* تحصیل سایر امور: یک پنجم از زمان فعالیت تحصیلی

# فصل چهارم: روند کلی فعالیت‌های طلبه

## ج) فعالیت‌های فرهنگی در برنامه عملی طلبه



### مراد ما از «فعالیت فرهنگی» هر کاری است که

با استفاده از نیروی موجود و توانمندی بالفعل فرد، به هدف رشد دیگران و ارائه خدمات فرهنگی به آنان صورت گیرد

### در طرح کلان فعالیت‌های طلبه به این نتیجه رسیدیم که

بر اساس هویت طلبه،

عمده توان و زمان

او باید صرف

تحصیل و بالا بردن توانمندی‌های خود گردد

و جز در حاشیه این وظیفه اصلی، انتظار نمی‌رود طلبه به فعالیت‌های دیگر بپردازد.

(نسبت متن و حاشیه، نسبت ۴ به ۱)

ضمن پافشاری مجدد بر این فرمول تأکید می‌کنیم که گرچه پرداختن به این فعالیت‌ها در حاشیه برنامه طلبه قرار دارد

اما به هیچ وجه، متن کار او بدون حاشیه، مفید واقع نمی‌شود. خصوصاً طلابی که چند سال در حوزه تحصیل کرده و بنیه علمی و شخصیت نسبتاً استواری یافته‌اند، وظیفه ویژه‌ای در این مورد دارند



# فصل چهارم: روند کلی فعالیت‌های طلبه

(ج) فعالیت‌های فرهنگی در برنامه عملی طلبه



زنده نگاه داشتن روح  
حساسیت نسبت به  
نیازهای جامعه

تأمین نیاز جامعه و  
ادای رسالت اسلامی

این گونه فعالیت‌ها  
علاوه بر

تقویت بینش اجتماعی

به رشد و تکامل توانمندی‌های مورد نیاز طلبه هم  
می‌انجامد

# فصل چهارم: روند کلی فعالیت‌های طلبه

## ج) فعالیت‌های فرهنگی در برنامه عملی طلبه



تحصیل علوم حوزوی، درون‌مایهٔ این توانمندی‌ها را تأمین می‌کند و این توانایی‌ها قالبی برای ارائهٔ آن محتوا خواهد شد. به‌خوبی روشن است که محتوای بدون قالب همچون قالب بدون محتوا، مفید واقع نمی‌شود.

به بیان دیگر این‌گونه فعالیت‌ها در مراحل نخست، نوعی تحصیل هم محسوب می‌شود؛ تحصیل توان سخن‌وری، نویسندگی، پژوهش، کلاس‌داری، مواجهه با جمع، مدیریت، طراحی فرهنگی، ارتباط اجتماعی، کار متشکل گروهی و... که هر یک به مرور زمان و به برکت «تجربه و تمرین» در وجود شخص، شکل می‌گیرد.

# فصل چهارم: روند کلی فعالیت‌های طلبه

## ج) فعالیت‌های فرهنگی در برنامه عملی طلبه



### انواع فعالیت‌های فرهنگی

سخنرانی  
تدریس و کلاس‌داری  
تألیف  
تحقیق  
مشاوره و راهنمایی  
مقاله  
ترجمه  
شعر  
داستان  
گفت‌وگو  
موعظه  
نقاشی، طراحی، گرافیک  
روزنامه دیواری  
دعا، مرثیه، مداحی  
پاسخ به سؤالات  
پشتیبانی فکری  
...

### مراکز فرهنگی

مساجد  
حوزه‌های علمیه  
دانشگاه‌ها  
مدارس  
کانون‌ها  
فضای مجازی (سایت، کلپ،  
چت، وبلاگ و...)  
مطبوعات و نشریات  
ادارات و نهادها  
هیأت مذهبی  
نمایشگاه‌ها  
پادگان‌ها  
جلسات انس دوستانه  
محیط خانواده  
زندانشان  
رادیو و تلویزیون  
...

پاره‌ای از دانش‌آموزان مدارس و دبیرستان‌ها در کنار برنامه‌های آموزشی و تحصیلی خود در فعالیت‌های فوق‌برنامه، حضوری پر نشاط دارند. روزنامه دیواری تهیه می‌کنند، مقاله می‌نویسند و در مراسم صبحگاه ارائه می‌دهند، در کتابخانه یا واحدهای دیگر فعالیت می‌کنند، در اجرای مراسم نماز جماعت، دعا، قرآن، جشن یا سوگواری، راهپیمایی و برنامه‌های هنری دکلمه، مسابقه، سرود، تئاتر - سهیم می‌گردند، با بسیج مدرسه همکاری می‌کنند، بریده جراید را در تابلوی مخصوص نصب می‌کنند، کلاس‌های تقویتی برای دوستان خود تشکیل می‌دهند، از ذوق و هنر خود به صورت شعر، طراحی، کاریکاتور و... استفاده می‌کنند، آزمایش‌های توصیه شده در کتاب‌های درسی را به خوبی انجام می‌دهند، با بهره‌گیری از دانش و مهارت خود کارهای دستی، پاورپوینت و وسایل خاص تولید می‌کنند و خلاصه آنکه جوش و خروش ویژه‌ای از خود نشان می‌دهند

# فصل چهارم: روند کلی فعالیتهای طلبه

## ج) فعالیتهای فرهنگی در برنامه عملی طلبه



بهره‌ای به دیگران می‌رسانند

تنوع برنامه خود را حفظ و نشاط خود را استمرار می‌بخشند

آموخته‌های خود را محکم می‌زنند و مباحث نظری خشک را بهتر درک می‌کنند

خلاقیت و توان علمی خود را بالا می‌برد

فایده و کاربرد معلومات خود را لمس می‌کنند و به ادامه جدی تحصیل، ایمان و امید بیشتری پیدا می‌کنند

روح تعاون و همکاری را در خود تقویت می‌کنند

جوش و خروش ویژه‌ای از خود نشان می‌دهند. این دانش‌آموزان با استفاده شایسته از وقت و توان خود

قدرت برخورد اجتماعی و تعامل گروهی را در خود می‌افزایند و صحنه جدی فعالیتهای اجتماعی را در دایره‌ای کوچک تجربه می‌کنند

همیشه مورد تقدیر و تشویق اولیا و مربیان هستند

این دانش‌آموزان با استفاده شایسته از وقت و توان خود

# فصل چهارم: روند کلی فعالیتهای طلبه

## ج) فعالیتهای فرهنگی در برنامه عملی طلبه



اگر و تنها اگر این فعالیتهای در «حاشیة» فعالیت آموزشی آنها قرار گیرد و آسیب جدی به روند تحصیل آنها وارد نسازد. شخصیت این دانش آموزان پرشور از رهگذر این تلاش و تجربه، مجموعاً بهتر و مفیدتر و جامع تر از دانش آموز درس خوانی است که دائماً دفتر و قلم به دست گرفته و در گوشه انزوا سر در مباحث درسی فروبرده است

پدران و مادران و مربیان، معمولاً دو  
توصیه موازی به فرزندان خود می کنند؛

۱- حضور فعال در این برنامه ها،  
به جهت فواید فراوان آن

۲- توجه به ضریب اهمیت درس و  
رعایت اعتدال در این حضور

همین دو توصیه موازی را در حرکت حوزوی نیز باید رعایت کرد.

فعالیت های جانبی در کنار برنامه تحصیل، برای طلبه ضروری است و مشابه این آثار و برکات را در پی دارد.

البته اگر در انجام این فعالیت ها رعایت اعتدال فراموش نشود.

روشن است که به دست آوردن هر توانمندی در ابتدای امر دشوار است و با ناکامی ها و شکست هایی مواجه می شود

و احتمالاً ضایعاتی خواهد داشت؛ اما در مقابل توانمندی و ورزیدگی حاصل از آن مجموعاً مقرون به صرفه است.

# فصل پنجم: کارآمدی اجتماعی طلبه



آنچه در این فصل می آید



## فصل پنجم: کار آمده اجتماعی طلبه



کودک انسان در مراحل نخست زندگی، برای ماندن و بهزیستن به خدمات دیگران سخت وابسته است؛ در خوردن، خوابیدن و آسودن نیز نیازمند «کار» دیگران است و از خود هیچ هنری ندارد...



اندکی بعد همین کودک، بخشی از کارهای خود را با «همکاری» دیگران انجام می‌دهد.

هرچه از مراحل رشد او می‌گذرد، در تأمین نیازهای خود مستقل‌تر می‌شود

و نیاز او به «کار» یا «همکاری» دیگران **کاهش** می‌یابد،

گرچه هیچ‌گاه به‌صورت کامل از دیگران بی‌نیاز نمی‌شود.

# فصل پنجم: کار آمدی اجتماعی طلبه



در سنین جوانی، شایسته است آدمی تأمین بخشی از نیازهای دیگران را برعهده گیرد و همان‌گونه که خود تاکنون از حاصل کار و دسترنج دیگران بهره گرفته بود، از این پس به دیگران بهره برساند؛ اینک وظیفه دارد در قبال خدمات فراوانی که از دیگران دریافت کرده - به رسم قدرشناسی - از خود واکنشی نشان دهد و خدمتی برساند.

این مرحله آغاز ورود انسان به جریان اجتماع و قرارگرفتن در یک صنف اجتماعی است. قرارگرفتن در یک صنف به معنای انتخاب یک مسئولیت و اعلام آمادگی برای انجام خدمات مشخص است. معلم، راننده، و... هر یک با انتخاب شغل خویش، در یک گروه اجتماعی قرار گرفته، خدمات ویژه‌ای را ارائه می‌دهند، البته در مقابل نیز خدمات دیگری دریافت می‌دارند....  
**این حکایت «چهره اجتماعی» حیات ما انسان‌ها است**

**زندگی ما آدمیان چهره دیگری نیز دارد؛ «چهره حیات فردی»** انسان، به اقتضای انسانیت خود - به‌عنوان یک فرد و فارغ از عضویت در اجتماع بشری - موظف است برای دستیابی به هدفی بلند، مسیری را طی کند؛ مرد و زن، پیر و جوان، در اصل این وظیفه تفاوتی ندارند؛ زیرا همه در انسانیت مشترک‌اند. کسب معرفت، تهذیب نفس، تقوا و تعالی معنوی، ارزش‌های وجودی انسان در زندگی فردی او است. انسان حتی اگر دور از آبادی به سر برد و در جزیره تنهایی، زیست کند، به‌حکم انسانیت خویش، موظف به خودسازی و تحصیل عبودیت، قرب، و کمالات اخلاقی است

همچنین موظف به «حضور اجتماعی» است. آدمی به‌مقتضای سرشت اجتماعی خویش، به‌عنوان یک فرد، وظیفه دارد در اجتماع زندگی کند. کمال مطلوب انسان نیز در گرو همین زندگی اجتماعی رقم خورده و با حضور در میدان اجتماع قابل دستیابی است.



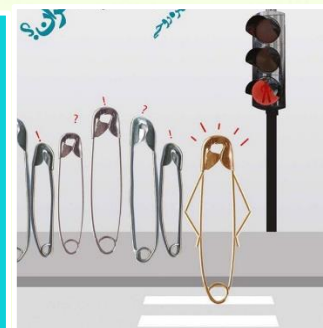
# فصل پنجم: کار آمدی اجتماعی طلبه



همین انسان، آنگاه که با جامعه مرتبط می‌شود و به‌عنوان عضوی از پیکرهٔ اجتماع درمی‌آید، تعریف تازه‌ای می‌یابد و وظایف جدیدی بر دوش می‌گیرد. اینک انسان نه به حکم انسانیت، بلکه به مقتضای حضور اجتماعی‌اش، وظایفی دارد.

مثلاً

موظف است که حقوق دیگران را رعایت کند، به نیازهای هم‌نوعان خویش توجه داشته باشد و درصدد ارائهٔ خدماتی به آنها باشد.



در بعد حیات اجتماعی

ارزش انسان بر اساس خدماتی که ارائه می‌دهد، تعیین می‌شود

هرچه این خدمات ارزنده‌تر و گسترده‌تر باشد، تأثیر وجود شخص در جامعه بالاتر و در بعد اجتماعی موفق‌تر است.

# فصل پنجم: کارآمدی اجتماعی طلبه



هرچه این خدمات ارزنده‌تر و گسترده‌تر باشد،  
تأثیر وجود شخص در جامعه بالاتر و در بعد  
اجتماعی موفق‌تر است. بر این اساس، لازم است:



۲. پس از انتخاب نیز توان خود را برای ارتقای  
سطح خدماتی که ارائه خواهد داد، بالاتر برد.



۱. هر فرد در فرایند انتخاب خود، دقت کافی کند  
تا مؤثرترین خدمات اجتماعی را شناسایی کند و  
متناسب با توان و استعداد خود در صنفی قرار  
گیرد که بهره‌ بیشتری برساند.

از نگاه دین، هرچه توانمندی، کارآیی، لیاقت و قدرت انسان بیشتر و به قول معروف «باعرضه‌تر» باشد، و بتواند  
خدمت بیشتری ارائه کند شایسته‌تر است.

# فصل پنجم: کار آمدی اجتماعی طلبه



ارزش «کار آمدی و کفایت»

ارزش «ایمان، اخلاق و تقوا»

دو مطلوبیت و دو ارزش برای انسان مطرح است

ایمان و تقوا ارزش بُعد فردی وجود انسان است  
کار آمدی و کفایت، ارزش بُعد اجتماعی او

(إِنَّ خَيْرَ مَنْ اسْتَأْجَرَ تَقْوَى الْقَوَى الْأَمِينِ)

مؤمن خدوم با صفت «ایمان»، خود را به افق  
کمال نزدیک می گرداند

و با صفت «خدمت» جامعه را به سوی کمال  
حرکت می دهد.

و بدین ترتیب الگوی انسان ترازِ دین «مؤمن  
خدوم» خواهد بود زیرا

# فصل پنجم: کار آمدی اجتماعی طلبه

## در میان کارگزاران دولت امام علی علیه السلام سه شخصیت متفاوت دیده می شود:

• در میان کارگزاران دولت علوی شخصی چون زیاد بن سمیه نیز حضور دارد.

• زیاد چون پدری شناخته شده نداشت و حرامزادهٔ مسلم بود، زیاد بن ابیه (فرزند پدرش) یا ابن سمیه (فرزند سمیه، کنیز حارث بن کلدۀ ثقفی پزشک عرب) خوانده می شد؛

• تا آنکه معاویه در حکومت خود او را برادر خویش و زیاد بن ابی سفیان خواند.

• زیاد جانشین ابن عباس در ولایت بصره و سرزمین های فارس بود و دایرهٔ حکمرانی وی استان پهناوری را در بر می گرفت که شامل بصرهٔ کنونی، اهواز، کرمان، فارس و... می شد.

• او گرچه در ادارهٔ امور مملکت بسیار کارآمد و توانا بود؛ اما بارها از سوی آن حضرت به جهت خیانت های فراوان و فسادهایی که از او سر زد، توبیخ و ملامت شد.

زیاد  
بن  
ابیه

سومین شخصیت

• شخصیت دوم در میان کارگزاران امام شخصیتی عارف و خودساخته چون کمیل بن زیاد است

• که یار تنهایی امیرمؤمنان است و تاب تحمل معارف سنگین علوی را دارد.

• وی در جانب ایمان و فضایل انسانی اندوخته ای بس عظیم دارد و همراهی او در راه حق قرار گرفته است.

• همین کمیل آنگاه که از جانب امام به کارگزاری شهرکی - به نام هیت - گمارده می شود، در دفع سپاهیان دشمن که از حوزه مأموریت او گذشتند و به تاراج مسلمانان پرداختند، ناکام می ماند. به همین جهت امام بر او خرده می گیرند و از او گلایه می کنند.

کمیل ابن زیاد نخعی

دومین شخصیت

• اول شخصیتی چون مالک اشتر نخعی است

• که از سویی توان مدیریت بسیار بالا و قدرت جسمی و فکری و روحی عظیمی دارد

• از سوی دیگر، در مراتب بالای ایمان و ولایت و معنویت قرار گرفته است؛

• بدین جهت، هم در حیات فردی و هم در حیات اجتماعی مورد رضایت کامل امام زمان خویش است.

• امام علی علیه السلام از داشتن چنین نیرویی به شدت خوشحال و مبتهج است و در واگذاری امور حکومت به او دل آرام و آسوده خاطر؛

اولین شخصیت



# فصل پنجم: کار آمدی اجتماعی طلبه



اما توان انجام امور اجتماعی و  
صلاحیت واگذاری مسئولیت‌های  
سنگین در آنها وجود ندارد

برخی کسان ایمان، تقوا،  
اخلاص، اخلاق و معنویت  
در ابعاد فردی را دارند

اما تعهد و تقوای لازم را ندارند

در مقابل، گروهی قدرت  
لازم برای انجام خدمات  
اجتماعی را دارند

بررسی این شخصیت‌ها  
نشان می‌دهد

هیچ یک از این دو گروه بازوی قابل اعتمادی برای امام امت  
(کسی که مسئول هدایت اجتماع و اصلاح امور آن است) نیست.

## فصل پنجم: کار آمدی اجتماعی طلبه



امروزه همه کسانی که اندکی با مفاهیم اولیه مدیریت آشنا هستند، به خوبی می دانند که مهم ترین عنصر پیش برنده یک سازمان، «منابع انسانی آن» است

نداشتن هر یک از این دو بال، برای پرواز به سوی هدف یک کاستی آشکار است و اعتماد و حرکت را غیرممکن می سازد.

تخصص و تعهد، قدرت و امانت

تقوا و کفایت، عرضه و سلامت

یعنی نیروهایی که واجد این دو ویژگی هستند

کسانی که اخلاق و اخلاص و سلامت نفس را در حد مطلوب دارا هستند؛

ولی عرضه سکان داری یک حرکت اجتماعی را ندارند و نمی توانند از خود اثر و خدمت مناسبی ارائه کنند

نیروهای شایسته ای برای پیشبرد اهداف اسلام نیستند.

## فصل پنجم: کارآمدی اجتماعی طلبه



از سوی دیگر، کسانی که واجد همت‌های بزرگ هستند و با سخت‌کوشی و تلاش، دانش و مهارت و کارآیی خود را بالا برده،

لیاقت پذیرفتن مسئولیت‌های سنگین اجتماعی را کسب کرده‌اند؛

ولی در اسارت هواها و هوس‌های پست حیوانی به سر می‌برند و از ایمان و اخلاق و انسانیت کم بهره‌اند نیز

هرگز رضایت امام عصر را تأمین نمی‌کنند؛

گرچه در مواردی می‌توان لیاقت آنان را به خدمت اهداف دین گرفت و البته با نظارت شدید بر آنان، از مفاسدشان در امان بود.

# فصل پنجم: کارآمدی اجتماعی طلبه



به یقین مقایسه این دو گروه و کنار هم نهادن آنان اشتباهی بزرگ است و این هم‌عرضی، نباید موجب توهم نوعی هم‌ارزی میان آنها شود. منظور از این بیان، برابر دانستن ارزش «انسانیت» و ارزش «کارآمدی» با یکدیگر نیست و مقایسه میان کمیل بن زیاد با زیاد بن ابیه هرگز عاقلانه شمرده نمی‌شود، زیرا

## انسانیت

انسانیت انسان ارزش اساسی وجود اوست و در امتداد حیات انسان تا ابد به کار می‌آید

ایمان و انسانیت، بدون توانمندی و کارآیی هم ارزشمند است و سعادت او را تأمین می‌کند

بهره‌ایمان و بندگی از ابتدا به خود شخص باز می‌گردد

## کارآمدی

درحالی‌که کارآیی و توانمندی، ارزشی درجه دو است و به زندگی اجتماعی انسان، آن هم تا مرز انتقال به عالم ابدی مربوط است و پس از آن به کار نمی‌آید

درحالی‌که کارآیی و توانمندی، بدون ایمان و انسانیت ارزش انسانی ندارد و بر لوح سعادت او نقشی نمی‌زند

درحالی‌که بهره‌کارآیی و توانمندی ناظر به نیاز دیگران است

بر این اساس در دوران امر میان این دو ویژگی، جایی که تنها انتخاب یکی از این دو گزینه امکان‌پذیر باشد، بدون تردید

**انسان باید ارزش‌های والای فردی را برگزیند و از هیچ ملامتی واهمه نکند.**



# فصل پنجم: کارآمدی اجتماعی طلبه

## آیات و روایات پیرامون موضوع بحث شده

(يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَّيْكُمْ أَنْفُسَكُمْ

لَا يَضُرُّكُمْ مَنْ ضَلَّ إِذَا اهْتَدَيْتُمْ)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید به خودتان پردازید، هرگاه شما هدایت یافتید آن کس که گمراه شده است به شما زیان نمی‌رساند.

مأئده: ۱۰۵

امام علی علیه السلام نیز فرمودند:

«وَإِنِّي لَعَالِمٌ بِمَا يَصْلِحُكُمْ وَ يَقِيمُ

أَوْدَكُمْ، وَلَكِنِّي لِأَرَى إِصْلَاحَكُمْ

بِإِفْسَادِ نَفْسِي»

من نیک می‌دانم که چگونه

می‌توان شما را اصلاح کرد

و از کجی به راستی آورد؛ اما

هرگز اصلاح شما را با تباه کردن

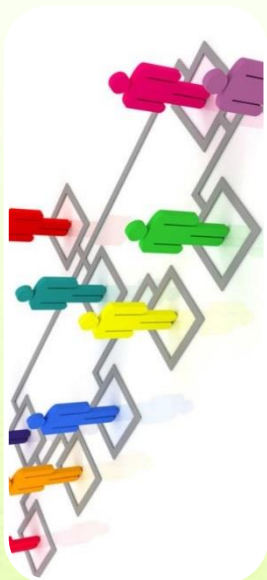
خود (روا) نمی‌بینم.

نهج البلاغه، خطبه ۶۹

## فصل پنجم: کار آمدی اجتماعی طلبه



اما تأکید بر آن است که در شرایط عادی (مثلاً برای جوان) که امکان تحصیل هر دو ارزش وجود دارد، نباید سستی، کوتاهی و کاهلی کرد و به بهانه اخلاق و تقوا و معنویت از تحصیل کار آیی، توانمندی و کفایت دست کشید.



توجه به مسئولیت اجتماعی و پرداختن بدان، آنقدر اهمیت دارد که عبادات فردی نیز جایگزین آن نمی‌شود و نمی‌توان به بهانه اشتغال به عبادت پروردگار از آن سرباز زد. امام کاظم آن هنگام که در سیاه‌چال مخوف هارون قرار گرفتند و از هرگونه ارتباط اجتماعی محروم و ممنوع گشتند چنین مناجات فرمودند:

«اللَّهُمَّ أَنْكَ تَعَلَّمُ أَنِّي كُنْتُ أَسْأَلُكَ أَنْ تَفْرِغَنِي لِعِبَادَتِكَ، اللَّهُمَّ وَقَدْ فَعَلْتَ فَلَكَ الْحَمْدُ»

مفید: الارشاد، ج ۲، ص ۲۴۰

پروردگارا از تو درخواست کرده بودم که مرا برای عبادت خود فارغ گردانی، تو را شکر می‌گویم که چنین نعمتی نصیبم کردی.



از این بیان معلوم می‌گردد که انسان در میانه اجتماع حق ندارد زمان و توان خود را تنها صرف امور عبادی کند؛ و تا آن هنگام که اختیار عمل اجتماعی و تأثیرگذاری بر محیط پیرامون خود را دارد وظیفه‌ای مهم بر دوش دارد که او را از عبادت فردی فارغ البال و خلوت محض با پروردگار مانع می‌شود

## فصل پنجم: کارآمدی اجتماعی طلبه



انسان مؤمن همان گونه که در پی تحقق «انسان ایده آل اسلامی» در وجود خود است، به هدف تحقق «جامعه ایده آل اسلامی» نیز در پیرامون خود تلاش می کند و برای این منظور لازم است مهارت ها و توانایی های لازم را به دست آورد. به دست آوردن توان افزون تر برای انجام کارهای بزرگ و نیز آمادگی برای ایجاد تحولی عظیم یا ارائه خدمتی سترگ، هرگز به معنی خودنمایی مذموم و رفتار متظاهرانه نیست، بلکه به خودی خود مورد توصیه آموزه های دینی است.

ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا عَبْدًا مَمْلُوكًا لَا يَقْدِرُ عَلَى شَيْءٍ وَ مَن رَزَقْنَاهُ مِنَّا رِزْقًا حَسَنًا فَهُوَ يُنْفِقُ مِنْهُ سِرًّا وَ جَهْرًا هَلْ يَسْتَوُونَ الْحَمْدُ لِلَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ وَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا رَجُلَيْنِ أَحَدُهُمَا أَبْكَمُ لَا يَقْدِرُ عَلَى شَيْءٍ وَ هُوَ كَلٌّ عَلَى مَوْلَاهُ أَيْنَمَا يُوَجِّههُ لَأَيِّاتٍ بِخَيْرٍ هَلْ يَسْتَوِي هُوَ وَ مَن يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَ هُوَ عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ نحل: ۷۵ و ۷۶.



## فصل پنجم: کارآمدی اجتماعی طلبه



شیعۀ علی علیه السلام می‌کوشد در فرایند انتظار فرج که افضل اعمال است، **خود را برای کارگزاری دولت مهدوی آماده سازد تا** در روزگار حضور و ظهور معصوم، سکان‌داری شایسته و بازویی توانا برای اجرای عدالت و بسط توحید باشد. چنین کسی متناسب با ابعاد تأثیر اجتماعی و حجم خدمتی که ارائه می‌دهد، مورد توجه ویژه و رضایت خاص امام عصر است.

حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها فرموده‌اند: «سَمِعْتُ عَنْ أَبِي رَسُولِ اللَّهِ، إِنَّ عُلَمَاءَ شِيعَتِنَا يَحْشَرُونَ فَيَخْلَعُ عَلَيْهِمْ مِنْ خَلَعِ الْكِرَامَاتِ عَلَى قَدْرِ كَثْرَةِ عُلُومِهِمْ وَجِدِّهِمْ فِي إِرْشَادِ عِبَادِ اللَّهِ»

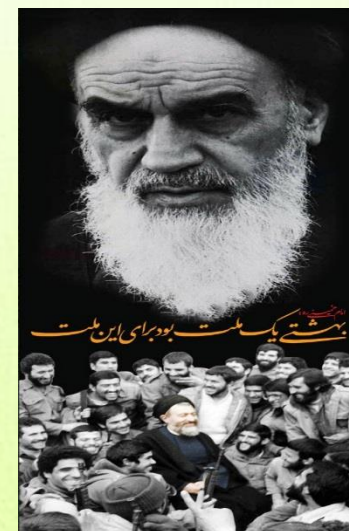
از پدرم پیامبر خدا شنیدم که فرمود: عالمان شیعه ما (فردای قیامت) محشور می‌شوند در حالی که به قدر فراوانی دانش و به میزان تلاششان در ارشاد بندگان خدا، از خلعت‌های کرامت بر آنها پوشانده شده است.

## فصل پنجم: کارآمدی اجتماعی طلبه

برای توضیح بیشتر مثالی در ابعاد ملموس‌تر، از حکومت غیر معصوم ذکر می‌کنیم.

امام خمینی در آستانه انقلاب اسلامی از آحاد ملت ایران خشنود بود و به داشتن چنین توده‌ای بر جهانیان مباحثات می‌کرد؛

اما رضایت امام از کسی مانند بهشتی و مطهری با رضایت او از توده عوام قابل مقایسه نیست. شهادت بهشتی و مطهری، برای او همسنگ فقدان یک امت، غمبار و جان‌فرسا بود؛



چه بسا حادثه‌ای طبیعی که پیامد مرگ هزاران شهروند معمولی را به همراه داشته؛ ولی به اندازه شهادت یک بهشتی به بدنه انقلاب آسیب و به دل امام امت درد وارد نکرده باشد.

# فصل پنجم: کارآمدی اجتماعی طلبه

برای توضیح بیشتر مثالی در ابعاد ملموس تر، از حکومت غیر معصوم ذکر می کنیم.

توصیه به تجهیز امت اسلامی و کسب آمادگی بیشتر در مقابل کفار در آیه شریفه «وَأَعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ»؛ علاوه بر کسب قدرت نظامی و تهیه انواع ساز و برگ و جنگ افزار، شامل همه مؤلفه های قدرت

از قدرت علمی، مدیریتی و توان فرهنگی



تا انواع مهارت ها، مانند قدرت بیان و سخنوری، نویسندگی و تأثیر گذاری، پیش بینی حوادث و تصمیم گیری می شود



و این همه جز با تلاش و سخت کوشی و بذل آسایش و راحت، حاصل نخواهد شد



کلیدواژه «مجاهدت» که غالباً با پسوند «فی سبیل الله» و قید «اموال و انفس» در آیات مبارکه قرآن بارها به کار رفته است، بر این سخت کوشی و بذل آسایش تصریح دارد.

## فصل پنجم: کارآمدی اجتماعی طلبه

طلبه با ورود به طلبگی، از میان خدمات مختلف اجتماعی، «خدمات فرهنگی تربیتی مربوط به حوزه دین» را برگزیده است؛ ثبت نام در حوزه علمیه به معنی اعلام آمادگی برای حضور در صف مقدم حرکت‌های تعلیمی و تربیتی در گستره آموزه‌های اسلامی است. طلبه به‌عنوان یک عنصر فرهنگی، از فهرست طولانی نیازهای انسان، مهم‌ترین نیاز، یعنی نیاز به وحی و معنویت را برگزیده است تا با همت، مجاهدت و پایداری، این نیاز توده انسان‌ها را تأمین کند.



طلبه در امتداد حرکت پیامبران، آن آموزگاران کتاب و حکمت و مربیان سلوک توحیدی و معنویت قرار دارد و با قدم نهادن در مدرسه علمیه، رسالتی آن چنان خطیر و مسئولیتی این چنین سترگ را بر دوش گرفته است.



**نبی مکرم اسلام عالمان دین را جانشینان خود خوانده و برای آنان دعا کرده است:**

«رَحِمَ اللَّهُ خُلَفَائِي... الَّذِينَ يُحْيُونَ سُنَّتِي وَ يُعَلِّمُونَهَا عِبَادَ اللَّهِ»

**خداوند جانشینان مرا رحمت کند؛ آنان که سنت مرا زنده نگاه می‌دارند و آن را به بندگان خدا می‌آموزند.**



# فصل پنجم: کارآمدی اجتماعی طلبه



## طلبه

هرگز نمی‌تواند فارغ از خلأها و آسیب‌های اجتماعی و بدون توجه به انحرافات فکری و احتیاجات فرهنگی، روزگار بگذراند.

## طلبه

براساس هویت تعریف شدهٔ صنفی خود، باید در قبال خدمات فراوانی که از دست‌ان پر مهر اجتماع دریافت می‌دارد، صادقانه و پر تلاش به آنان خدمت کند؛

## طلبه

آیات خدا را تلاوت کند. دین، کتاب و حکمت را به آنان بیاموزد و در تهذیب و تزکیه نفوس بکوشد؛ و هرچه توان طلبه در ارائهٔ چنین خدماتی بیشتر باشد، ارزش اجتماعی او بیشتر است.



## فصل پنجم: کارآمدی اجتماعی طلبه



دوم ارتقای سطح  
کیفیت این خدمات، تا  
اندازه ممکن.

نخست انتخاب یک  
خدمت مؤثر اجتماعی،  
متناسب با توان خود که  
بهره فراوانی به جامعه  
بشری ارزانی دارد.

پیش از این گفتیم که  
هر انسان، در قبال  
مسئولیتی که در  
اجتماع بر دوش دارد،  
باید دو گام بزرگ  
بردارد:

طلبه در انتخاب مسیر اصلی و ترجیح حوائج معنوی و فرهنگی بر حوائج مادی، بسیار  
خوش سلیقه عمل کرده و شاهراه حرکت خود را به درستی برگزیده؛

از این رو درگام نخست، موفق بوده است؛ اکنون وظیفه دارد تادرگام دوم،  
کارآمدی خود را افزایش و حوزه تأثیر خود را در موضوعی که برگزیده گسترش  
بخشد.

## فصل پنجم: کارآمدی اجتماعی طلبه



شخصیت‌های بزرگ - حوزوی یا غیرحوزوی - که در سلوک روحانی و خودسازی معنوی موفق بوده‌اند؛ ولی گوشه‌ عزلت گزیده و به‌جهت ناتوانی، از انجام خدمات فرهنگی و اجتماعی طفره رفته‌اند، گنجینه‌های پنهان و ذخایر خاموشی هستند که تنها نیمی از راه را پیموده‌اند؛

آنان محیط اطراف خود را روشن نمی‌کنند

گرهی از کار مردم نمی‌کشایند

باری از دوش جامعه بر نمی‌دارند

اینها گرچه ارزش‌های فردی فراوانی  
اندوخته؛ اما

اما نخست اینکه در تأمین کامل رضای خدا و  
امام عصر موفق نبوده‌اند

و سپس الگوی کاملی برای طراحی سیمای  
آینده طلبه نیستند

## فصل پنجم: کارآمدی اجتماعی طلبه



این سه ویژگی را با هم داشته باشد و به گونه ای باشد که اگر از میان امت اسلامی برود ضایعه ای جبران ناپذیر بر پیکر اجتماع وارد آید. یعنی وجود او چنان برای جامعه پر فایده و ارزشمند باشد که جای خالی او را هیچ چیز دیگر پر نکند.

# فصل پنجم: کار آمدی اجتماعی طلبه



## وجود عالم ربانی کار آمد از منظر روایات

زکریا بن آدم:

که از اصحاب خاص ائمه اطهار است  
طی نامه‌ای به امام رضا علیه السلام  
می‌نویسد: که من اراده کرده‌ام از شهر  
خارج شوم، زیرا اهل سفاهت و نادانان  
در آن فراوان شده‌اند. حضرت او را از  
این تصمیم بازداشتند و فرمودند:  
«لَا تَفْعَلْ فَإِنَّ أَهْلَ قَمٍ يُدْفَعُ عَنْهُمْ بِكَ كَمَا  
يُدْفَعُ عَنْ أَهْلِ بَغْدَادَ بِأَبِي الْحَسَنِ»  
این کار را نکن، زیرا بلا از اهل قم به  
واسطه تو دفع می‌گردد؛ همان‌گونه که  
بلا از اهل بغداد به واسطه پدرم امام  
کاظم علیه السلام دفع می‌شد.

از امام صادق علیه السلام نیز نقل شده  
است: «عُلَمَاءُ شِيعَتِنَا مُرَابِطُونَ بِالثَّغْرِ  
الَّذِي يَلِي إِبْلِيسَ وَ عَفَارِيْتَهُ يَمْنَعُونَهُمْ  
عَنِ الْخُرُوجِ عَلَى ضُعَفَاءِ شِيعَتِنَا وَ عَنِ  
أَنْ يَتَسَلَّطَ عَلَيْهِمْ إِبْلِيسُ وَ شِيعَتُهُ»  
دانشمندان شیعه پاسداران مرزی  
هستند که ابلیس و شیاطین به آن  
نزدیک می‌شوند و آنها را از حمله  
و تسلط بر شیعیان ضعیف باز  
می‌دارند.

«مَا قَبِضَ اللَّهُ تَعَالَى عَالِمًا مِنْ هَذِهِ  
الْأُمَّةِ إِلَّا كَانَ تُغْرَهُ فِي الْإِسْلَامِ،  
لَا تَسُدُّ تَلَمَّتَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ»  
خدای تعالی جان عالمی از این  
امت را نمی‌گیرد مگر آنکه شکافی  
در اسلام پدید آید که تا روز  
قیامت پر نمی‌گردد. المتقی الهندی؛  
کنز العمال، حدیث ۲۸۸۱۲.

بنابراین وجود عالمان دین باید موجب سرزندگی اسلام و حفاظت ایمان باشد و اگر این فایده بر وجود آنان مترتب

نشود دانش مورد رضای پیامبر را نیاموخته‌اند.

# فصل پنجم: کارآمدی اجتماعی طلبه

این پرسش، اینک به صورتی طبیعی پیش روی ماست که

طلبه برای انجام مسئولیت صنفی خود چه توانایی‌هایی باید کسب کند و در چه موضوعاتی باید کارآمد باشد؟  
حوزه تأثیر طلبه چگونه گسترش می‌یابد و طلبگی طلبه چگونه پرثمرتر می‌شود؟  
بی‌شک به دست آوردن مهارت‌هایی که مربوط به تعریف طلبه و هویت صنفی اوست،  
برای طلبه لازم است اما سایر توانایی‌ها و مهارت‌ها برای طلبه تنها یک فضیلت به‌شمار می‌رود و ضروری نیست.

مهم‌ترین مهارت‌هایی که  
یک طلبه باید به دست  
آورد

الف) کارآمدی در فهم  
دین و تشخیص بدعت از  
سنت

ب) کارآمدی در انتقال  
معارف و ابلاغ دین

ج) کارآمدی در تربیت

د) کارآمدی در  
مهارت‌های عمومی

ه) به دست آوردن  
کارآمدی

# فصل پنجم: کارآمدی اجتماعی طلبه



## الف) کارآمدی در فهم دین و تشخیص بدعت از سنت

- یکی از مهم‌ترین مهارت‌هایی که یک طلبه باید به دست آورد
- هنر فهم آموزه‌های دینی است.

الف) کارآمدی در فهم دین  
و تشخیص بدعت از سنت

- «تفقه» مقوم هویت روحانی و از ذاتیات شخصیت صنفی اوست و اگر حد نصاب دین‌شناسی و آگاهی از معارف اسلام در کسی نباشد،
- اطلاق «روحانی» بر او شوخی، مجاز یا دروغ است!

الف) کارآمدی در فهم دین  
و تشخیص بدعت از سنت

- این ویژگی، هم چهره‌آثباتی و هم چهره‌سلبی دارد؛ یعنی طلبه
- هم باید با آموزه‌های اصیل دین آشنا باشد
- هم آموزه‌های تقلبی مشابه را بشناسد و هنر تشخیص بدعت‌ها و تحریف‌ها را داشته باشد و عقربه‌های حساسیت علمی او، نسبت به کجی‌ها، انحرافات، تأویل‌ها و استنادات ناروا واکنش نشان دهد.

الف) کارآمدی در فهم دین  
و تشخیص بدعت از سنت

# فصل پنجم: کارآمدی اجتماعی طلبه



## الف) کارآمدی در فهم دین و تشخیص بدعت از سنت

- سرمایه‌های حوزه علمی باید برای انتقال این مهارت به طلبه اختصاص یابد و طلبه نیز موظف است همه نعمت‌های الهی از زمان، توان، انرژی، عمر، نشاط و استعدادی که در اختیار دارد، را صرف همین هدف کند تا تجهیزات لازم برای پاسداری از پیکره دین و جلوگیری از ورود هرگونه آسیب اجتماعی به آن را داشته باشد.
- بدین ترتیب، هرچه طلبه در تشخیص انحرافات دقیق‌تر باشد و قدرت حدس لوازم و فروع مخفی گزاره‌ها را پیش از بروز آسیب، بیشتر داشته باشد، کارآمدتر و ارزنده‌تر است.

- امام صادق علیه السلام از قول پیامبر اسلام صلی الله علیه و اله وسلم فرمودند: «يَحْمِلُ هَذَا الدِّينَ فِي كُلِّ قَرْنٍ عُدُولٌ يَنْفُونَ عَنْهُ تَأْوِيلَ الْمُبْطِلِينَ وَ تَحْرِيفَ الْغَالِينَ وَ انْتِحَالَ الْجَاهِلِينَ»
- رادمردانی، در هر عصر بار دین را به دوش می‌کشند و تأویل اهل باطل و تحریف اهل غلو و استناد ناروای اهل جهالت را از دین نفی می‌کنند. کلینی؛ الکافی، ج ۱، ص ۳۲



الف) کارآمدی در فهم دین  
و تشخیص بدعت از سنت

الف) کارآمدی در فهم دین  
و تشخیص بدعت از سنت

# فصل پنجم: کارآمدی اجتماعی طلبه

## ب) کارآمدی در انتقال معارف و ابلاغ دین

پس از «تفقه» مهم‌ترین مهارت لازم برای طلبه هنر «پیام‌رسانی» و قدرت «انتقال آموزه‌ها» است

و از آنجا که در خطوط انتقال وحی قرار می‌گیرد، تجهیزات لازم برای توزیع باسلیقه تعالیم دینی را بدون هرگونه افتادگی و ضایعه، در میان توده‌ها داشته باشد. هر عنصری که به این هدف کمک کند، در راستای اهداف طلبگی است و طلبه را کارآمدتر و مؤثرتر می‌گرداند.

مهم‌ترین این مهارت‌ها قدرت نوشتن و هنر سخن‌وری است، زیرا بیشترین حجم اطلاعات از طریق گفتار و نوشتار منتقل می‌شود.

امروزه ارزش صنایع بسته‌بندی در توزیع فراورده‌های صنعتی و جلب اقبال مشتریان، برای همه آشکار است؛ چه بسیار اجناس مرغوبی که به خاطر بسته‌بندی نامناسب، بر روی دست تولیدکننده باقی می‌ماند و چه بسیار اجناس نامرغوبی که به جهت استفاده از بسته‌بندی جذاب و زیبا، به سرعت به دست مصرف‌کنندگان بداقبال رسیده است.

مهارت‌هایی که موجب جلب توجه مخاطب، تحریک عواطف و تأثیرگذاری بیشتر پیام می‌شود؛ از صنایع ادبی و آرایه‌های لفظی و معنوی، آهنگ جذاب، نوسان صدا، شور و حرارت بیان، مثال‌ها و تمثیل‌های گویا و گیرا و سلیقه در انتخاب بهترین قالب برای عرضه فراورده‌های فرهنگی، هم‌سنگ آشنایی با صنایع بسته‌بندی است و عرضه کالای دین به مخاطب را موفق‌تر می‌سازد.



# فصل پنجم: کارآمدی اجتماعی طلبه

## ب) کارآمدی در انتقال معارف و ابلاغ دین

اگر بخواهیم میان این مهارت‌ها و مهارت اول (شناخت عمیق دین)، مقایسه کنیم، باید به صراحت بگوییم که دسته دوم از نظر ارزش، در رتبه دوم و درجه نازل‌تری قرار دارد،

اما برای کارآمدی و تأثیرگذاری بیشتر، هرگز نباید از این ویژگی‌های درجه دوم غفلت کرد؛ چنان‌که اعجاز بلاغی قرآن کریم، عامل انتشار اعجاب‌آور پیام آسمانی اسلام و نفوذ سریع آن در اعماق جان مخاطبان بود. از این رو، آنچه در دانش بلاغت و نیز صنعت خطابه در دانش منطق آموخته می‌شود باید با تلاش و تمرین مستمر به ملکه و مهارت تبدیل گردد.

جنس مرغوب حتی اگر بسته‌بندی مناسب نداشته باشد، آرام آرام حقیقت خود را آشکار و اعتماد مخاطب را جلب می‌کند. به همین دلیل، بیشتر توجه طلاب علوم دینی باید به اصالت، استناد و استحکام محتوای پیام باشد و بهترین توان و استعداد خود را برای آن به کار گیرند؛

زیرا دین‌شناسی، محتوا و درون‌مایه پیام را تشکیل می‌دهد و مهارت‌های تبلیغی، قالب و شکل آن را؛ یعنی اگر امر تبلیغ میان «محتوای اصیل در قالب ضعیف» و «محتوای ضعیف در قالب جذاب» دائر باشد، بدون تردید گزینه اول مقدم است؛

# فصل پنجم: کارآمدی اجتماعی طلبه



## ب) کارآمدی در انتقال معارف و ابلاغ دین



ذکر این نکته لازم است که تکنیک‌های امروزی بلاغت، بسیار بیش از آن است که در کتب گذشتگان گرد آمده است؛ بلاغت به معنای «رسایی پیام» است



و امروزه در تشبیه، استعاره، مجاز و کنایه محدود نیست. طرح‌ها، نمودارها، جداول، تقسیم‌بندی‌های درختی، خلاصه بحث، برجسته کردن واژه‌ها و جملات مهم، ویرایش دقیق متن، تصویر، ابزارهای کمک‌آموزشی و استفاده از روش‌ها و ابزارهای جدید انتقال پیام مانند پاورپوینت، رایانه و اینترنت نیز در بلاغت کلام مؤثرند. طلبه همان‌گونه که رسالت فهم دین دارد و باید در آن، کارآموده و چالاک باشد، رسالت ابلاغ سخن دین را نیز دارد و باید بتواند تمام ظرفیت‌های موجود را برای ابلاغ بهتر و کامل‌تر دعوت الهی به خدمت بگیرد



پیامبر اسلام صلی الله علیه و اله وسلم فرمودند:

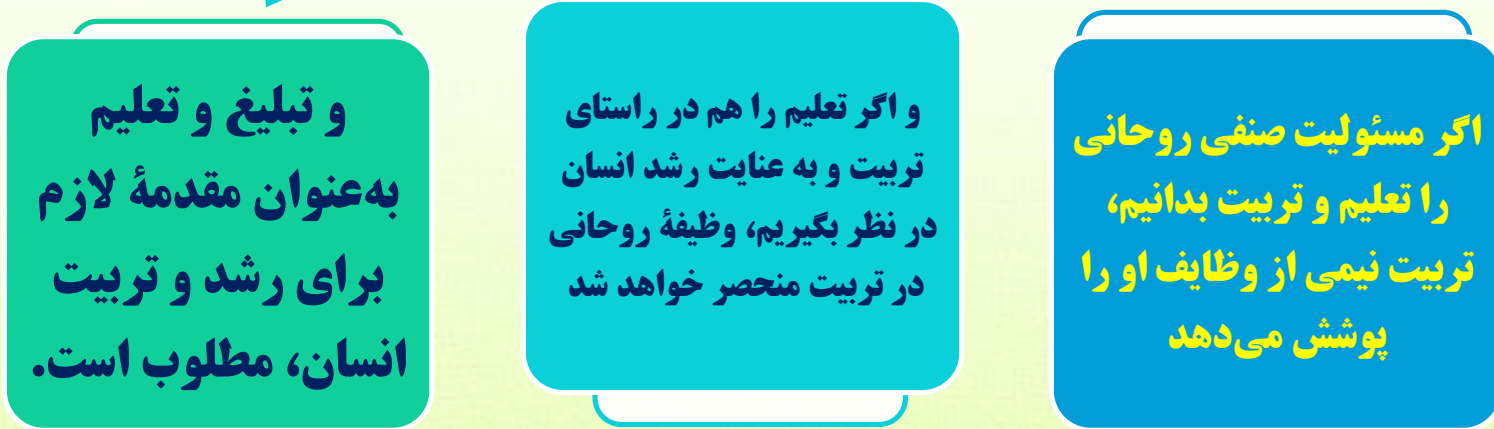
«إِذَا ظَهَرَتِ الْبِدْعُ فِي أُمَّتِي  
فَلْيُظْهِرِ الْعَالِمُ عِلْمَهُ فَمَنْ لَمْ يَفْعَلْ  
فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ»

هرگاه انحرافات و بدعت‌ها در میان امت من ظاهر شد، بر دانشمندان (دین) است که علم خود را آشکار کنند و هر کس چنین نکند، لعنت خدا بر او باد.

# فصل پنجم: کارآمدی اجتماعی طلبه

## ج) کارآمدی در تربیت

از جمله وظایف مهم در آینده صنفی طلبه ، وظیفه تلاش برای تزکیه نفوس و پرورش اخلاقی و معنوی جامعه است.



تربیت دینی، مراتب و سطوح مختلفی دارد و هر طلبه متناسب با سطح مخاطبان خود، باید آمادگی انجام این وظیفه را داشته باشد. مقصد تربیت و الگوی رشد دینی را نیک بشناسد؛ اصول و قواعد تربیت را بداند و بر مهارت‌های تربیتی مسلط باشد. البته این همه بدون تجربه عملی، سلوک و تزکیه نفس امکان پذیر نیست.

# فصل پنجم: کارآمدی اجتماعی طلبه

## د) کارآمدی در مهارت‌های عمومی

علاوه بر این سه مهارت اصلی، توانمندی‌های فرعی دیگری وجود دارد که به طلبگی اختصاص ندارد؛ ولی در زندگی عمومی او به کار می‌آید؛ توانایی‌هایی چون خوش‌نویسی، طراحی، رانندگی، انواع ورزش‌ها، توانمندی‌های نظامی، اطلاعات عمومی غیر مرتبط با حوزه دین و....

**این مهارت‌ها در هویت صنفی طلبه تأثیر چندانی ندارد؛ یعنی می‌توان عالمی ربانی و کارآمد تصور کرد که از این توانایی‌ها بی‌بهره باشد. این توانمندی‌ها را به دو دسته تقسیم می‌کنیم.**

دسته اول آنها که با صرف زمان اندک، می‌توان بر آن تسلط یافت و بهره‌افراوانی از آن دریافت؛ مثل رانندگی، تایپ صحیح ده‌انگشتی، مهارت‌های عمومی امداد و کمک‌های اولیه؛ این دسته مهارت‌ها تجهیزات ارزنده‌ای هستند که با صرف زحمت و مؤونه‌اندک، فایده و معاونت فراوانی می‌دهند و به حکم عقل، پی‌گیری و تحصیل آنها مقرون به‌صرفه است.

دسته دوم مهارت‌هایی است که برای کسب آنها به زمان طولانی و توان بسیار نیاز است. علوم غیرحوزوی مانند پزشکی، مهندسی و تخصص‌های مربوط به سایر مشاغل، همچون آهنگری و نجاری و... از این دسته‌اند. پی‌جویی این مهارت‌ها وظیفه طلبه نیست، بلکه با ایجاد مشغولیت مزاحم، نرخ کارآمدی او را در هویت صنفی‌اش پایین می‌آورد، به‌همین جهت مانع انجام وظیفه محسوب می‌شود.

**این مهارت‌ها دو دسته هستند**

# فصل پنجم: کارآمدی اجتماعی طلبه



## ه) به دست آوردن کارآمدی

### ( به دست ه آوردن کارآمدی

- نظام آموزشی حوزه‌های علمیه، مقدمات لازم برای دین‌شناسی را در اختیار طلبه قرار می‌دهد. این مقدمات، شامل آشنایی با زبان عربی، آشنایی با پیکره علوم اسلامی و جغرافیای مباحث و نیز آشنایی با روش استنباط از منابع دین است. برخی مهارت‌های تبلیغی نیز به صورت کاملاً نظری در علم بلاغت و صناعات خمس منطق معرفی شده است؛ اما تمرین این مهارت‌ها و نیز مهارت‌های نوع سوم و چهارم برعهده خود طلبه است؛ گرچه برخی مراکز و مؤسسات وابسته به حوزه، امکان تحصیل بخشی از این توانمندی‌ها را فراهم آورده‌اند.

### ( به دست ه آوردن کارآمدی

- به هر حال لازم است هر طلبه از آغاز ورود به حوزه، در اندیشه کسب مهارت‌های مورد نیاز آینده خود باشد و در روزگار تحصیل، دست کم یک‌بار به تجربه عینی مسئولیت‌های صنفی خود اقدام کند و مهارت خود را نسبت به امور که در آینده بدان نیاز دارد یا در معرض آن قرار می‌گیرد، بیازماید. این آزمایش طبعاً در مقیاس کوچک و فضای کنترل شده‌ای صورت می‌گیرد؛ ولی در مهارت‌افزایی و کارآمدی طلبه، نقشی بسیار مؤثر ایفا خواهد کرد.

### ( به دست ه آوردن کارآمدی

- کسی که در پی کسب مهارت وزنه‌برداری است، باید به عنوان تمرین، وزنه‌هایی مشابه آنچه در مسابقه نهایی بلند می‌کند، بلند کرده باشد؛ بلند کردن گونی برنج و گنده درخت، تمرین مناسبی برای ورزش وزنه‌برداری نیست؛ این عمل گرچه موجب تقویت بازوی وزنه‌بردار می‌شود؛ اما دقت‌های ویژه و تکنیک خاص وزنه‌برداری را به او منتقل نمی‌کند.

# فصل پنجم: کارآمدی اجتماعی طلبه



## ه) به دست آوردن کارآمدی

- به همین ترتیب، لازم است طلبه در خلال تحصیل علوم حوزوی، حداقل یک مورد تدریس، یک دهه سخنرانی، یک سفر تبلیغی، تألیف مقاله یا کتاب، پژوهش، تحقیق کتاب و مقابله نُسَخ، مدیریت فعالیت‌های فرهنگی، حضور در اردوی فرهنگی و... را تجربه کرده باشد و با فضای متنوع هر یک از این امور، از نزدیک انس داشته باشد.

## ( به دست ه آوردن کارآمدی

- این تجربه شخصی موجب می‌شود که فراز و نشیب هر یک و مزایا و کاستی‌های آنها را به خوبی دریابد و داوری روشنی نسبت به ظرفیت‌های هر مقوله و نیز توانمندی‌های خود داشته باشد. این تجربه هرگز نباید به آسیب تعویق، تأخیر و تسویف گرفتار آید.

## ( به دست ه آوردن کارآمدی

- پایان تحصیلات حوزوی که طلبه در سنین ۳۵ تا ۴۰ سالگی قرار دارد، آغاز خوبی برای پرداختن به این امور نیست. دغدغه مهارت‌افزایی و کارآمدی، باید از آغاز طلبگی در طلبه وجود داشته باشد و او را به حرکت و جوشش بیشتر وادار کند. در سنین بالا علاوه بر آنکه استعداد فراگیری انسان کم می‌شود، توقع اجتماع از او بالا می‌رود و نارسایی و اشتباه که لازمه طبیعی هر فراگیری است، برای او موجه شمرده نمی‌شود. غالباً کسانی که توان افزایش خود را به سنین بالا به تعویق می‌اندازند، در آن موقعیت، به سبب بروز همین مشکلات، از اقدام برای کسب مهارت دوری می‌کنند.

## ( به دست ه آوردن کارآمدی

# فصل ششم: طلبه و انقلاب اسلامی



آزیتیه در این فصل می آید



# فصل ششم: طلبه و انقلاب اسلامی



خروجی نظام آموزشی و تربیتی حوزه‌های  
علمیه

«عالم دین»  
است.

باید انقلابی  
باشد.

عالم دین اگر بخواهد خدمت مؤثری به جامعه  
عرضه کند و در انجام رسالت‌های حوزوی موفق  
باشد علاوه بر تهذیب نفس و خودسازی معنوی

عالم

مذهب و انقلابی

بنابراین طلبه مطلوب، دارای شخصیتی  
جامع است:

مراد از طلبه در عبارت بالا همه حوزویان از طلبه مبتدی تا بالاترین سطوح علمی است و به نوآموزان و سطوح  
مقدماتی اختصاص ندارد.



# “حوزه علمیه باید انقلابی بماند

باید از هر گونه تلاشی برای انقلاب زدایی از حوزه‌های علمیه

احساس خطر کرد. اگر بخواهیم نظام، اسلامی و انقلابی بماند باید

حوزه علمیه انقلابی بماند.

باید با فکر و تدبیر و برنامه‌ریزی حکمت‌آمیز، با این خطر مقابله

کرد تا حوزه علمیه قم همواره یک حوزه انقلابی و مهد انقلاب باقی

بماند و بینش و حرکت انقلابی در آن توسعه یابد.

سید علی خامنه‌ای

۱۳۹۴/۱۲/۲۵

# فصل ششم: طلبه و انقلاب اسلامی

درباره حوزه و طلبه انقلابی پرسش‌های فراوانی وجود دارد:



۱ • انقلابی بودن چیست؟ طلبه انقلابی کیست؟ و تمایز اصلی او با سایر طلاب در چه چیز است؟ این وصف را بر چه کسی می‌توان به حقیقت اطلاق کرد؟

۲ • نسبت طلبه با انقلاب اسلامی چیست؟

۳ • چرا طلبه باید انقلابی باشد؟ اهمیت انقلابی بودن طلبه چیست؟ اگر طلبه و حوزه انقلابی نباشد چه می‌شود؟

۴ • نشانه‌ها و شاخصه‌های انقلابی بودن طلبه کدام است؟ (اهداف، رسالت‌ها، کارکردها، رفتار، معنویت، روش علمی، روش اجتماعی و ...)

۵ • چه آفاتی انقلابی بودن و انقلابی ماندن طلبه و حوزه را تهدید می‌کند؟

۶ • الگوی طلبه انقلاب اسلامی کیست و سبک زندگی او چگونه است؟ طلبه انقلابی در نقشه علمی و شیوه علم‌آموزی، برنامه اخلاقی، برنامه تبلیغی، تعامل با خانواده، مردم، نهادهای حکومت، نیازهای انقلاب و ... چه تفاوتی با سایر طلاب دارد؟

۷ • برای ایجاد این وصف در جان طلبه چه برنامه، شیوه و محتوایی نیاز است؟

۸ • مدرسه و حوزه‌ای که محل رشد طلبه انقلابی است چه ویژگی‌هایی دارد؟ (مواد درسی، اساتید، تشکیلات و ...) آیا حوزه امروز برای تربیت اینگونه طلبه مناسب است؟ وظیفه و نقش مدیران، مسئولان و اساتید در پرورش طلبه عصر انقلاب چیست؟

## فصل ششم: طلبه و انقلاب اسلامی

شایسته است پیش از ورود به موضوع، نظری به مبانی و سازه‌های اولیه بحث داشته باشیم:

طلبه عنصر مسئولی است که علاوه بر وظیفه فردی علم‌آموزی و تهذیب نفس معنوی، وظیفه‌ای اجتماعی نیز بر دوش دارد. به بیان دیگر وظیفه طلبگی به خودسازی منحصر نمی‌ماند؛ بلکه تلاش برای جامعه نیز در حوزه رسالت‌های حوزویان است. همان‌گونه که دین به دستورالعمل‌های فردی منحصر نمانده و برای سعادت جامعه نیز برنامه و دستور دارد.



وظیفه اجتماعی طلبه در «خدمت فردی به دیگران»، «کمک به مستمندان» و نهایتاً «امر به معروف و ارشاد جاهل» منحصر نمی‌شود. طلبه نسبت به کلان جامعه نیز وظیفه دارد و حوزه‌های علمیه مسئولیت جامعه‌سازی را نیز بر عهده دارند.



پیامبر اکرم صلی الله علیه واله وسلم فرمودند: **مَنْ أَصْبَحَ لَا يَهْتَمُّ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ**؛ کلینی، محمد بن یعقوب: الکافی؛ ج ۲، ص ۱۶۳  
هرکس صبح کند در حالی که دغدغه و اهتمام به امور مسلمانان ندارد مسلمان نیست.



در این حدیث «امور مسلمانان» را می‌توان به زندگی دشوار مستمندان یک محله یا وضعیت ناگوار یک روستای دورافتاده کاهش داد چنانکه می‌توان این کلمه را به مسائل امت اسلامی در لبنان و فلسطین، سوریه و عراق، یمن و حجاز، اروپا و آمریکا و... توسعه بخشید. بر اساس این حدیث دغدغه امت اسلامی و اهتمام به اصلاح جوامع بشری از آغاز طلبگی - بلکه پیش از آن - باید در جان طلبه زنده باشد.

## فصل ششم: طلبه و انقلاب اسلامی

شایسته است پیش از ورود به موضوع، نظری به مبانی و سازه‌های اولیه بحث داشته باشیم:



اصلاح اجتماعی به صورت قهری رخ نمی‌دهد. زیرا انسان، صاحب اراده و اختیار است و خدای بزرگ بنا ندارد او را به قهر و جبر و الزام، تربیت کند. در نهایت خود انسان باید مسیر حق را تشخیص دهد و انتخاب کند. هدایت امت‌ها نیز چنین است و به الزام و اجبار صورت نمی‌گیرد؛ بلکه اراده انسان‌ها باید در این مسیر خرج شود



این کار عظیم از توان یک یا چند نفر – هر قدر بزرگ و توانا باشند – بیرون است و نیاز به جمع‌های متشکل  
(دست کم ۳۱۳ نفر مؤمن کارآمد) بلکه نسل‌های پیوسته دارد



این کار عظیم یک‌باره و به صورت دفعی رخ نمی‌دهد؛ بلکه زمان طولانی برای تحقق آن نیاز است.  
هیچ عامل غیبی و ماورائی یا هیچ اکسیر و افسون و معجون و معجزه‌ای نمی‌تواند این تحول اجتماعی را به صورت شگفت‌آور و حیرت‌انگیزی، در لحظه رقم بزند

## فصل ششم: طلبه و انقلاب اسلامی

شایسته است پیش از ورود به موضوع، نظری به مبانی و سازه‌های اولیه بحث داشته باشیم:

اگر بنا می‌بود کسی به تنهایی این کار را انجام دهد و از عوامل فراطبیعی و قدرت‌های خارق‌العاده غیبی در این موضوع بهره گیرد، هزار سال پیش، امام زمان ۷ ظهور می‌کردند و با گوشه چشم، دست عنایت، نظر مرحمت و قدرت بیکران خویش تمام جهان را گلستان می‌ساختند. حتی شاید نوبت به آن حضرت هم نمی‌رسید؛ سایر انبیای الهی مانند عیسیای روح الله ۷ با دم مسیحایی و نفس قدسی خود این کار را می‌کردند و کار عالم را بسامان می‌ساختند

بر اساس سنت قطعی و تغییرناپذیر پروردگار، انسان‌ها باید تلاشی و اقدامی برای اصلاح خود و جوامع انجام دهند تا خدای متعال سرنوشت فردی و اجتماعی آنان را تغییر دهد:

(إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يَغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ)؛ رعد: ۱۱ خدا حال قومی را تغییر نمی‌دهد تا آنان خود حال خود را تغییر دهند. پس آدمیان خود باید برای اقامه عدل بپاخیزند نه اینکه تنها دست به دعا بردارند و منتظر امداد و معجزه و ظهور بنشینند. البته امام زمان ۷ آخرین و مؤثرترین گام در این مسیر را بر خواهند داشت و اصلاح جامعه را در مقیاس جهانی محقق خواهند ساخت:

(لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ)؛ حدید: ۲۵

[اما] پیامبران خود را با دلایل آشکار فرستادیم و با آنها کتاب و میزان فرود آوردیم تا «مردم» به عدل و داد برخیزند.


## رهبر معظم انقلاب در این باره فرموده‌اند:

خطّی که نظام اسلامی ترسیم می‌کند، خطّ رسیدن به تمدن اسلامی است. سرنوشت حتمی عبارت از این است که تمدن اسلامی یک بار دیگر بر مجموعه عظیمی از دنیا پرتو خود را بگسترانند... این آینده برای نظام اسلامی، یک آینده قطعی و اجتناب‌ناپذیر است...  
بیانات رهبری ۱۴ / ۷ / ۱۳۷۹




## فصل ششم: طلبه و انقلاب اسلامی

شایسته است پیش از ورود به موضوع، نظری به مبانی و سازه‌های اولیه بحث داشته باشیم:




مأموریت امام زمان عج، اصلاح جامعه بشری در مقیاس جهانی است و یاری آن حضرت، خدمت کردن به او در این مسیر است. نصرت ولیّ خدا فقط نماز خواندن و روزه گرفتن و تقوای فردی نیست؛ بلکه باید او را در کاری که برعهده دارد و مسئولیتی که بر دوش گرفته است یاری کرد. آدم خوب با یاور خوب متفاوت است؛ یاور سرباز امام زمان کسی است که بخشی از مأموریت امام عصر عج را بر دوش گیرد.



ولیّ خدا راهبر و مظهر مجاهدت اجتماعی است؛ اگر او را نصرت کنیم فتح مکه رخ می‌دهد و اگر دست در دستش ندهیم، و یاری‌اش نکنیم تضمینی برای پیروزی ظاهری او وجود ندارد حتی ممکن است فاجعه کربلا نیز رقم بخورد.

هُوَ الَّذِي أَيْدِكَ بِنَصْرِهِ وَ بِالْمُؤْمِنِينَ يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَسْبُكَ اللَّهُ وَ مَنْ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ



اگر قیام و اقدامی نداشته باشیم و بستر تاریخی یا زمینه جهانی را برای ظهور امام عصر عج آماده نسازیم آن حضرت نخواهند آمد به همان دلیل که هزار و اندی سال پیش نیامده‌اند. این واقعه، جبری رخ نمی‌دهد؛ بلکه نیاز به اختیار و اراده دارد و چون یک امر اختیاری است باید قواعد و ضوابط حاکم بر آن را شناخت و بدان پای‌بند بود.

## فصل ششم: طلبه و انقلاب اسلامی



البته تحقق اراده خدا حتمی است و فرجام تاریخ بشر روشن است؛ یعنی خدا از طرح خود برای پایان تاریخ در نمی گذرد و در این طرح شکست نمی خورد؛ اما صبر او زیاد است و تا انسان ها اقدام و قیامی نکنند پیش قدم نمی گردد؛ بلکه منتظر می ماند تا کسانی پدید آیند و به وظیفه خود عمل کنند:

(یا ایها الذین آمنوا من یرتد منکم عن دینه فسوف یأتی اللہ بقوم یحبهم و یحبونه اذله علی المؤمنین اعزه علی الکافرین یجاهدون فی سبیل اللہ و لایخافون لومه لائم ذلک فضل اللہ یؤتیه من یشاء و اللہ واسع علیم)  
مأئده: ۵۴

انقلاب اسلامی ایران و نهضت امام راحل را در این چارچوب می توان فهمید. این حرکت بزرگ، یک خیزش اعتقادی مردمی و مقدمه ساز تشکیل یک جامعه بزرگ اسلامی و سر آغازی برای ظهور امام زمان است.

«این کشور باید ساخته شود، باید پیش برود. این ملت بزرگ باید استعدادهایش شکوفا شود. بایستی در دنیا بدرخشد و بالاخره آن تمدن عظیم اسلامی را در مقابل چشم جهانیان بگذارد. این انقلاب باید بماند و برنامه تاریخی و جهانی خویش را به بار نشاند.»



# فصل ششم: طلبه و انقلاب اسلامی

## حقیقت انقلاب و ماهیت «طلبه انقلابی»

برای شناخت طلبه انقلابی لازم است ابتدا جوهره و حقیقت انقلاب را بشناسیم و آن را در ویژگی‌های مرتبط با طلبگی ضرب کنیم.



فهم انقلاب به مثابه صحنه تقابل، درگیری و جایگزینی دو برداشت از اسلام، تصویری است که در سراسر سخنرانی‌ها، پیام‌ها و نامه‌های امام خمینی؛ آشکار است.

# فصل ششم: طلبه و انقلاب اسلامی



## حقیقت انقلاب و ماهیت «طلبه انقلابی»

### ماهیت انقلاب

اینکه «امام در پی تحقق اسلام بودند» مطلب درستی است؛ اما در تشریح ماهیت انقلاب کافی به نظر نمی‌رسد؛

### اسلام مد نظر امام

زیرا امام خمینی؛ به‌عنوان یک عالم دینی و مرجع تقلید در پی چه چیزی جز اسلام می‌توانست باشد؟ در این مقام تأکید صرف بر اسلامی بودن حرکت امام ابهام‌زاست و برای رفع این ابهام باید اسلام مورد نظر امام را تشریح کرد.

### تقابل دو اسلام

اسلام مبنای انقلاب اسلامی در برابر اسلامی قرار دارد که متحجران در فضایی مقدس‌مآبانه از درون حوزه‌های علمیه ترویج می‌کنند و متأثران از استعمار نیز در فضای روشنفکرمانه و التقاطی آن را پی می‌گیرند.

این نگرش دقیقاً همان چیزی است که توحید پیامبر اکرم را از توحید پیش از پیامبر متمایز و با آن در تقابل می‌سازد. این جلوه از بندگی و ایمان که توحید در عرصه اجتماعی است، ویژگی اسلام ناب محمدی و حد فاصل آن با اسلام متحجر و توحید منزوی است.

## فصل ششم: طلبه و انقلاب اسلامی

### حقیقت انقلاب و ماهیت «طلبه انقلابی»

لا اله الا الله

تفاوت «لا اله الا الله» پیامبر اسلام با «لا اله الا الله» پیش از او که در همین جزیره العرب از زبان حنفا و موحدان شنیده می شد دقیقاً در همین نقطه است.

توحید پیامبر

توحید پیامبر اکرم طواغیت مکه و قدرتمندان زمان را به مقاومت و مقابله برمی انگیزد و با نظام سلطه سر سازش ندارد

ولی برخی از مدعیان توحید با خداوندان زر و زور و تزویر به آشتی و سلامت سازش می کنند و هیچ خطری، تهدیدی یا واهمه‌ای برای دستگاه مسلط کفر اجتماعی به شمار نمی روند.

امام راحل؛ این اسلام را «اسلام آمریکایی» یعنی اسلام مستظهر به پشتیبانی کفر و توحید پرورده در دامان شرک نامیدند.

## فصل ششم: طلبه و انقلاب اسلامی



با توجه به اینکه نهضت حضرت امام، نهضت اسلامی است و ماهیتی ایمانی و توحیدی دارد لازم است معنای ایمان و توحید را اندکی به تفصیل بیان کنیم.

نفی آله (لا اله)

اثبات خدا (الا الله)

کلمه طیبه لا اله الا الله دو بخش دارد

بنابراین نظر به تقابل مفهوم ایمان و کفر هر چه ایمان به خدا افزایش یابد و شدت گیرد، کفر به آله دیگر نیز باید شدیدتر شود.

اول: نفی آله درون، درگیری با شیاطین نفسی و خروج از سلطه هوای نفس.

دوم: نفی آله بیرون، درگیری با شیاطین بیرونی، کفر به طاغوت و خروج از سلطه آن.

کفر به آله دو مصداق دارد:

## فصل ششم: طلبه و انقلاب اسلامی



بنابراین زیر بار خواسته‌های دل یا تحت فرمان هیچ قدرت انسانی نمی‌رود. هرگونه تسلیم در مقابل «هوای نفس» یا خضوع در مقابل «طاغوت» – همان سردمداران زر و زور و تزویر – نقطه مقابل ایمان و جلوه شرک است.

ایمان قلبی – یعنی عدم خضوع قلبی در مقابل آلهه و عدم اعتماد به غیر خدا – دارای جلوه عملی است و انسان مؤمنی که سلطان توحید بر جان او سایه افکنده، بنده خداست و هرگز از غیر خدا فرمان نمی‌برد؛



عمل مؤمنانه فردی، نفی هواست

عمل موحدانه اجتماعی، نفی طواغیت سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و درگیری با خداوندان قدرت و ثروت و نیرنگ.

اگر مؤمن موحد بخواهد بر ایمان خود در مقام عمل پای بند باشد، باید علیه این دو نیرو عمل کند.

**بنابراین تجلی ایمان را نباید تنها در عمل فردی یعنی ترک هوس یا انجام نماز و روزه منحصر دانست. ایمان ظهور دیگری نیز دارد که در ارتباط با دیگران معلوم می‌شود. ایمان به خدا مستلزم کفر به طاغوت و خروج از بندگی اوست.**

## فصل ششم: طلبه و انقلاب اسلامی



قال علیّ علیه السلام : لَأَتَكُنَّ عَبْدَ غَيْرِكَ وَ قَدْ جَعَلَكَ اللَّهُ حُرًّا؛

بنده دیگران مباش که خدا تو را آزاد آفریده است.

نهج البلاغه، نامه ۳۱



طاغوت یک عامل صاحب اختیار خارجی است که با استفاده از اختیار گسترده خود، دایره اختیار دیگران را در رشد و تعالی، محدود می‌سازد و آنان را از مسیر هدایت باز می‌دارد. کار طاغوت، صدّ از سبیل یعنی بازداشتن از راه، یا راهزنی است و وظیفه ما، مقابله با او و کفر به آن، یعنی از تحت ولایت و سرپرستی او خارج گشتن و با او درگیر شدن.

## فصل ششم: طلبه و انقلاب اسلامی

فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنِ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ لَا انفِصَامَ لَهَا  
وَ اللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ کسی که به طاغوت کافر شود و به خدا ایمان آورد، به  
دستگیره محکمی چنگ زده است، که گسستی برای آن نیست. و خداوند  
شنوا و داناست. بقره: ۲۵۶

اطاعت از طاغوت و تسلیم بی قید و شرط در برابر او در زبان قرآن کریم  
عبودیت نامیده شده است؛

زیرا عبادت و عبودیت در مفهوم قرآنی، پیروی، تسلیم و اطاعت مطلق است در برابر  
یک قدرت واقعی یا پنداری از روی رغبت یا از سر اجبار، همراه با حسن تقدیس و  
ستایش معنوی یا بدون آن و توحید قرآنی درست نقطه مقابل این شرک است؛ همه  
این آله‌ها و معبودان را نفی کردن، تسلیم آنان نشدن، در برابر سیطره قدرت آنان  
مقاومت کردن، دل از رعایت آنان بریدن و سرانجام بر نفی و طرد آنان کمر بستن و با  
همه وجود تسلیم خدا شدن. پیامبران الهی همواره مردم را به ستیزه و پیکار در برابر  
طاغوت‌ها و نفی شرک فرامی خواندند.

## فصل ششم: طلبه و انقلاب اسلامی



(وَ الَّذِينَ اجْتَنَّبُوا الطَّاعُوتَ أَنْ يَعْبُدُوهَا وَ أَنَابُوا إِلَى اللَّهِ لَهُمُ الْبَشْرَى) زمر: ۱۷

کسانی که از عبادت طاغوت پرهیز کردند و به سوی خداوند بازگشتند، بشارت برای آنهاست.

(وَ لَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اِعْبُدُوا اللَّهَ وَ اجْتَنِبُوا الطَّاعُوتَ) نحل: ۳۶

ما در هر امتی پیام آوری برانگیختیم که: «خداى يکتا را بپرستيد و از طاغوت اجتناب کنید».

بنابراین کسی که از طاغوت اطاعت می کند از دایره ایمان خارج شده و فاسق است:

(فَاسْتَخَفَّ قَوْمَهُ فَاطَاعُوهُ، إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ)

(فرعون) قوم خود را ذلیل و حقیر ساخت، در نتیجه آنان از او اطاعت کردند. آنان قومی فاسق بودند!

امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه (اتَّخَذُوا أَحْبَارَهُمْ وَ رُهْبَانَهُمْ أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ); آنان دانشمندان و راهبان خود را به جای خدا به ربوبیت گرفتند» فرمودند: وَ اللَّهُ مَاصِلُوا لَهُمْ وَ لَصَامُوا وَ لَكِنْ أَطَاعُوهُمْ فِي مَعْصِيَةِ اللَّهِ.

به خدا قسم آنان برایشان نماز نخواندند [در مقابلشان سجده نکردند] و برایشان روزه نگرفتند؛ بلکه از آنان در معصیت خدا اطاعت کردند.



## فصل ششم: طلبه و انقلاب اسلامی

پیامبر خدا نیز فرمودند:

مَنْ أَطَاعَ مَخْلُوقًا فِي غَيْرِ طَاعَةِ اللَّهِ جَلَّ وَعَزَّ فَقَدْ كَفَرَ وَاتَّخَذَ إِلَهًا مِنْ دُونِ اللَّهِ

هر کس از مخلوقی در غیر طاعت خدا، اطاعت کند کفر ورزیده و الهی غیر از خدا گرفته است.

امام خمینی؛ بر اساس همین معرفت میان انقلاب درون و انقلاب برون پیوستگی ایجاد می‌کنند و انقلاب اجتماعی (بیرونی) را به انقلاب انسانی (درونی) باز می‌گردانند. «انقلاب انسانی» به یک تحول درونی و در عین حال عمومی و اجتماعی ناظر است. به موجب این تحول، انسان جدیدی خلق می‌شود که امام عنوان «انسان انقلابی» را برای توضیح آن به کار می‌برند. انقلاب اسلامی محصول رفتار اجتماعی این انسان متمایز است.

## فصل ششم: طلبه و انقلاب اسلامی



از نظر امام خمینی «آنچه پیش از انقلاب به عنوان اسلام معرفی می شد»، ناقص است،

بنابراین تقلیل انقلاب اسلامی به زمینه‌های اجتماعی و غفلت از ابعاد توحیدی فردی آن یا تقلیل آن به یک معرفت کلان و مبهم به نام اسلام بدون اشاره به درگیری با برداشتهای ناقص از اسلام هر دو ماهیت انقلاب را مبهم می‌گرداند.

**زیرا ابعاد اجتماعی را در بر ندارد و «خاصیت انقلابی و حیاتی» از آن گرفته شده است.**



## فصل ششم: طلبه و انقلاب اسلامی



دوگانه اسلام ناب و اسلام آمریکایی (یا اسلام جامع و اسلام ناقص) یک ایده محوری و یک طرح مفهومی غنی و کارآمد ولی مهجور مانده است.

این دوگانه را باید یک تئوری جامع و راهگشا دانست نه یک ترکیب شعاری و صورت‌بندی احساسی و جدلی که مصرف تبلیغاتی دارد و یا یک ایده تشریفاتی که از آن تلقی خطابی شود!

این تقابل به‌عنوان عصاره اندیشه امام خمینی؛ قابلیت تبیین بسیاری از شکاف‌ها و پدیده‌های جهان اسلام را داراست و می‌تواند به‌مثابه یک اندیشه روشن، از بسیاری مسائل به‌ظاهر غیرقابل حل، پرده‌گشایی کند

و منظومه نظری منسجمی را در حوزه‌های مختلف مرتبط با انقلاب اسلامی، مانند فهم ماهیت انقلاب، تحلیل چالش‌های فراروی آن، سیاست‌های داخلی، اقتصادی و فرهنگی نظام و نهادهای حاکمیتی و ... پدید آورد.

## فصل ششم: طلبه و انقلاب اسلامی



حضرت آیت الله خامنه‌ای با تصریح به اینکه  
«نخستین بار امام راحل بزرگ ما به تمایز این دو مقوله همت گماشته و آن را وارد قاموس سیاسی  
دنیاى اسلام کرد.»

این نظریه را «یکی از کلیدی‌ترین معارف انقلاب اسلامی» و «راز بزرگ» انقلاب دانسته است و به احیا و  
بسط این نظریه کانونی، اما مهجور امام خمینی پرداخته است.  
«در انقلاب اسلامی، اسلام کتاب و سنت، جایگزین اسلام خرافه و بدعت؛ اسلام جهاد و شهادت، جایگزین  
اسلام قعود و اسارت و ذلت؛ اسلام تعبد و تعقل، جایگزین اسلام التقاط و جهالت؛ اسلام دنیا و آخرت،  
جایگزین اسلام دنیاپرستی یا رهبانیت؛ اسلام علم و معرفت، جایگزین اسلام تحجر و غفلت؛ اسلام دیانت و  
سیاست، جایگزین اسلام بی‌بندوباری و بی‌تفاوتی؛ اسلام قیام و عمل، جایگزین اسلام بی‌حالی و افسردگی؛  
اسلام فرد و جامعه، جایگزین اسلام تشریفاتی و بی‌خاصیت؛ اسلام نجات‌بخش محرومین، جایگزین اسلام  
بازیچه دست قدرت‌ها؛ و خلاصه اسلام ناب محمدی، جایگزین اسلام امریکایی گردید.»

بیانات رهبری: ۱۰ / ۳ / ۱۳۶۹

# فصل ششم: طلبه و انقلاب اسلامی



## اسلام آمریکایی

اسلام درباری

اسلام راحت طلبان و عافیت جویان

اسلام سازش و فرومایگی

اسلام مرفهین بی درد

اسلام منافقین

اسلام آشتی با کفر و کرنش در مقابل طاغوت

اسلام مقدس نماهای متجاهر

اسلام مستکبرین و منافقین

اسلام مناسک میان تهی

اسلام بی حالی و افسردگی

## اسلام ناب محمدی

مبارزه با استکبار و بردگی

خروش و فریاد

استقامت و پایداری

پنجه در افکندن با فاسدان و مستکبران

بر اساس این تعریف از حقیقت انقلاب اسلامی، طلبه یا حوزه انقلابی، طلبه یا حوزه‌ای است که معطوف به جایگزینی دو اسلام به «تحصیل»، «تحقیق»، «تبلیغ»، «تهذیب»، «تربیت دیگران» و «جامعه‌سازی» می‌پردازد. بنابراین در عصر انقلاب اسلامی تعریف طلبه به «عالم دین» کافی نیست. باید پرسید کدام دین؟ دین اسلام. کدام اسلام؟ اسلام به قرائت اهل بیت پیامبر: یا همان مکتب تشیع. کدام تشیع؟ تشیع ناب انقلابی که با نظام سلطه و طاغوت استکبار سر سازش ندارد نه تشیع آمریکایی - انگلیسی و مکتب مطلوب دشمنان اسلام.

# فصل ششم: طلبه و انقلاب اسلامی

برای آشنایی بیشتر با مفهوم طلبه انقلابی لازم است ویژگی‌های شخصیتی او را برشماریم:

## ویژگی‌های طلبه انقلابی

۱۰- دیگر صفات

۹- آشنایی تخصصی با معارف دینی

۸- اراده جمعی و فعالیت گروهی و ساختارمند

۷- اعتقاد به سنن الهی

۶- دشمن‌شناسی

۵- نگاه کلان، بین‌المللی و تاریخی

۴- اصلاح، تحول خواهی و پیش‌برندگی

۳- هدفمندی و رسالت‌مداری

۲- مجاهدت و استقامت

۱- اعتقاد به حضور حداکثری دین در اداره جامعه

# فصل ششم: طلبه و انقلاب اسلامی

## ۱- اعتقاد به حضور حداکثری دین در اداره جامعه

مهم‌ترین ویژگی انسان انقلابی اعتقاد به اسلام ناب محمدی و حضور دین در ابعاد کلان جامعه و نفی جدایی دین از سیاست است

یعنی بنای یک نظام اجتماعی بر اساس اسلام، همه‌شئون زندگی را دینی خواستن و ساختار کلان اجتماعی را براساس مکتب وحی رقم زدن.

به دنبال پدید آوردن جامعه، قانون، نظام روابط، فرهنگ، شبکه‌مناسبات، نهادها و ساختارهای دینی بودن نه فقط افراد دین‌دار پدید آوردن.

اینکه رسالت دین را به ابعاد فردی خلاصه نکنیم و کمال انسان را در خودسازی و معنویت فردی منحصر ندانیم از ویژگی‌های معرفتی انسان انقلابی است.

این نظام اجتماعی گرچه ابتدا در کشور خود ما شکل گرفته است اما ابعاد جهانی آن را نباید از نظر دور داشت. صدور انقلاب و بیداری اسلامی به این مقوله نظر دارد.

۱- اعتقاد به حضور حداکثری دین در اداره جامعه



# فصل ششم: طلبه و انقلاب اسلامی

## ۱- اعتقاد به حضور حداکثری دین در اداره جامعه



اعتقاد به امکان و ضرورت جامعه‌سازی بر اساس دین در عصر غیبت، و تلاش برای دستیابی به چگونگی آن.

اعتقاد به ضرورت گسترش گفتمان تمدنی اسلام در مقیاس بین‌المللی و در محیط رقابت، و تلاش برای دستیابی به چگونگی آن.

اعتقاد به ضرورت مدیریت کلان جامعه توسط فقیه (اسلام‌شناس ربانی) و تلاش برای تحقق و تثبیت و تعمیق آن در جامعه و در جهان.

اعتقاد به ضرورت تدوین قوانین اساسی و مدنی و سیاست‌های کلان بر اساس نگرش اسلام و تلاش معرفتی و فرهنگی برای تحقق آن.

اعتقاد به ضرورت شکل‌گیری فرآیندهای کلان‌مورد نیاز نظام‌های اجتماعی، براساس نگرش اسلام و تلاش برای دستیابی به چگونگی آن.

اعتقاد به ضرورت اصلاح تمام تفکرات و جریاناتی که بر خلاف موارد فوق حرکت می‌کنند و تلاش معرفتی فرهنگی برای این اصلاح.

این اعتقاد اساسی را می‌توان به مؤلفه‌های زیر تجزیه کرد:



# فصل ششم: طلبه و انقلاب اسلامی

## ۲- مجاهدت و استقامت



یکی از مهم ترین ویژگی های طلبه انقلابی مجاهدت است

مجاهدت نقطه مقابل عافیت جویی و راحت طلبی و به معنای تلاشگری و خود را به زحمت انداختن است.

کسی که در راه انجام وظایف و در مقابله با دشمن، آسایش خود را قربان کند و در تلاش سنگین، شب و روز نشناسد مجاهد است.

۲- مجاهدت و استقامت

# فصل ششم: طلبه و انقلاب اسلامی

## ۲- مجاهدت و استقامت



**خدای متعال در قرآن کریم دو سبک زندگی مؤمنانه را تصویر کرده و می‌فرماید مؤمنان دو گروه‌اند**

لَا يَسْتَوِي الْقَاعِدُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرُ أُولِي الضَّرَرِ وَالْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فَضَّلَ اللَّهُ  
الْمُجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ عَلَى الْقَاعِدِينَ دَرَجَةً وَكُلًّا وَعَدَ اللَّهُ الْحُسْنَى وَفَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى  
الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا دَرَجَاتٍ مِنْهُ وَمَغْفِرَةً وَرَحْمَةً وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا . نساء: ۹۵.

اول قاعدان که دارای زندگی ایمانی حداقلی هستند

دوم مجاهدان که زندگی ایمانی حداکثری دارند.

**مؤمنان دو گروه‌اند**

# فصل ششم: طلبه و انقلاب اسلامی

## ۲- مجاهدت و استقامت



دنبال در دسر نمیگردند

برای خود کار درست نمیکنند و آنچه برایشان نوعی آسیب و ضرر دارد یا شرایط عادی زندگی آنان را برهم میزند، کنار میگذارند

از شرایط سخت پرهیز و به حداقل وظایف واجب، به اندازه رفع تکلیف اکتفا می کنند

برخلاف انتظار، این گروه از سوی پروردگار طرد نشدهاند و در همین آیه به آنان وعده نیک داده شده است؛ (و کلاً وعد الله الحسنی).

گویا از این مردم عافیت اندیش بیش از این نمی توان انتظار داشت.

انواع فشار و دشواری را در راه خدا تحمل می کنند

و به جهد و تلاش، جان و مال خود را در معرض زحمت و خطر قرار می دهند

هم پول خرج می کنند و هم از آسایش و راحت خود درمی گذرند

و حداکثر توان خود را در مسیر حق به کار می گیرند

قائدان

مؤمنان

مجاهدان

# فصل ششم: طلبه و انقلاب اسلامی

## ۲- مجاهدت و استقامت



خدای متعال فاصله بسیار عمیق میان این دو گروه را به صورت‌های مختلف و با تأکیده‌های فراوان در این آیات ذکر کرده است.

نوع برخورد خدای متعال در این آیه پیام ویژه‌ای هم برای نیروهای مجاهد و انقلابی دارد؛ زیرا این گروه از اینکه می‌بینند دیگران مجاهد و انقلابی نیستند و در صحنه‌های تلاش و جان‌کندن تنها از دور دستی بر آتش گرفته و تماشا می‌کنند، کلافه می‌شوند.

همین ممکن است آنان را به نفی و طرد و تحقیر و اتهام یا برخورد تند و خشن وادار کند؛ اما خدای حکیم حداقل نمره قبولی (۱۰) را به آنان عطا کرده و به توصیه و تشویق آنان برای تلاش بیشتر بسنده می‌کند.

روحیه انقلابی نقطه مقابل محافظه‌کاری است. انسان محافظه‌کار گرچه انقلاب را قبول دارد و علاقه‌مند است برای آن کار کند؛ اما در موقعیت نزاحم منافع خود را ترجیح می‌دهد و از اقدام و عمل کوتاه می‌آید. برای آنکه آرامش و آسایش او مخدوش نشود و زندگی مسالمت‌آمیز او بر هم نخورد سکوت می‌کند و اعتبار خود را هزینه نمی‌کند.

# فصل ششم: طلبه و انقلاب اسلامی

## ۳- هدفمندی و رسالت‌مداری



هدفمندی با صفت مجاهدت ملازمه دارد.

اگر کسی مقصد جدی و روشنی نداشته باشد، انگیزه‌ای برای جهد و تلاش ندارد. مثال ساده آن موفقیت در آزمون کنکور است. جوانی که این هدف برایش جدی شده، انرژی زیادی برای تلاش دارد، بسیاری از لذت‌ها را بر خود حرام می‌کند، برخی از ارتباطات خود را قطع می‌کند و سبک زندگی جدیدی برای خود تعریف می‌کند تا به صورت متمرکز برای قبولی در آزمون مطالعه کند، در حالی که همین شخص بدون آن هدف انگیزه‌ای برای تلاش ندارد.

برای طلبه انقلابی این هدف باید یک رسالت و آرمان بلند باشد. اگر کسی صرفاً با هدف کسب دنیا و بالا بردن ثروت و سرمایه مادی خود مجاهدت ورزد و راحت و عافیت خود را هزینه کند انقلابی نیست

# فصل ششم: طلبه و انقلاب اسلامی

## ۳- هدفمندی و رسالت‌مداری



به بیان امیر مؤمنان ارزش و اندازه هر کس را باید از میزان همتش دریافت. انسان بزرگ کسی است که همت بزرگی دارد و به آفاق بلند نظر دوخته است. انسان انقلابی انسان بزرگی است که در آرزو و دست به کار اصلاح همه عالم و نفی نظام سلطه در مقیاس جهانی است

عظمت رهبران انقلاب اسلامی در این است که همت خود را نه فقط بیان احکام دینی برای اهالی یک شهر یا روستا که تأسیس تمدن بزرگ توحیدی و برافراشتن پرچم ایمان در سراسر عالم گرفته و همه کارهای خرد خود را در راستای این افق گسترده قرار داده‌اند.

ما می‌توانیم دنیای مادی را شکست دهیم و پرچم لا اله الا الله و محمد رسول الله را در تمامی دنیا به اهتزاز در آوریم.

# فصل ششم: طلبه و انقلاب اسلامی

## ۳- هدفمندی و رسالت‌مداری



قرآن می‌فرماید: قَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ، و همهٔ بشر را دعوت می‌کند به مقاتله برای رفع فتنه؛ یعنی «جنگ جنگ تا رفع فتنه در عالم»، ... کسانی که تبعیت از قرآن می‌کنند، در نظر داشته باشند که باید تا آن جایی که قدرت دارند ادامه به نبردشان بدهند تا این که فتنه از عالم برداشته بشود. این، یک رحمتی است برای عالم.

ما امریکا را زیر پا می‌گذاریم.

ما انقلابمان را به تمام جهان صادر می‌کنیم؛ چرا که انقلاب ما اسلامی است. و تا بانگ لا اله الا الله و محمد رسول الله بر تمام جهان طنین نیفکند مبارزه هست و تا مبارزه در هر جای جهان علیه مستکبرین هست ما هستیم. ما از مردم بی‌پناه لبنان و فلسطین در مقابل اسرائیل دفاع می‌کنیم.

اسرائیل باید از صفحهٔ روزگار محو شود و بیت المقدس مال مسلمین و قبله اول مسلمین است.

مسئلهٔ ما مسئلهٔ حرکتی عظیم در مقیاس جهانی است.

# فصل ششم: طلبه و انقلاب اسلامی

## ۴-اصلاح، تحول خواهی و پیش‌برندگی



ویژگی دیگر طلبه انقلابی که از واژه انقلاب - به معنای دگرگونی - نیز استفاده می‌شود، تحول خواهی است.

یعنی شرایط موجود را تحمل - نکردن و به دنبال وضعیت برتر بودن.

این ویژگی نیز لازمه مجاهدت و آرمان داشتن است.

انسان انقلابی یک موجود زنده است که در مقابل بدی‌ها واکنشی فعال نشان می‌دهد؛

نه بی تفاوت و خنثی می‌نشیند و نه از سر ضعف و درماندگی، به غصه و ناله و شکوا اکتفا می‌کند؛



# فصل ششم: طلبه و انقلاب اسلامی

## ۴-اصلاح، تحول خواهی و پیش‌برندگی



بلکه حضور خود را نشان می‌دهد، موضع خود را معلوم می‌کند و پر قدرت و استوار در صحنه عمل می‌ماند. طبیعتاً درک درست حوادث، فهم عمیق زمان و رویدادهای آن و شناخت جریان‌های اجتماعی لازمه این حضور و موضع‌گیری به موقع است.

انقلابی بودن مفهومی بیش از حامی انقلاب بودن را می‌رساند

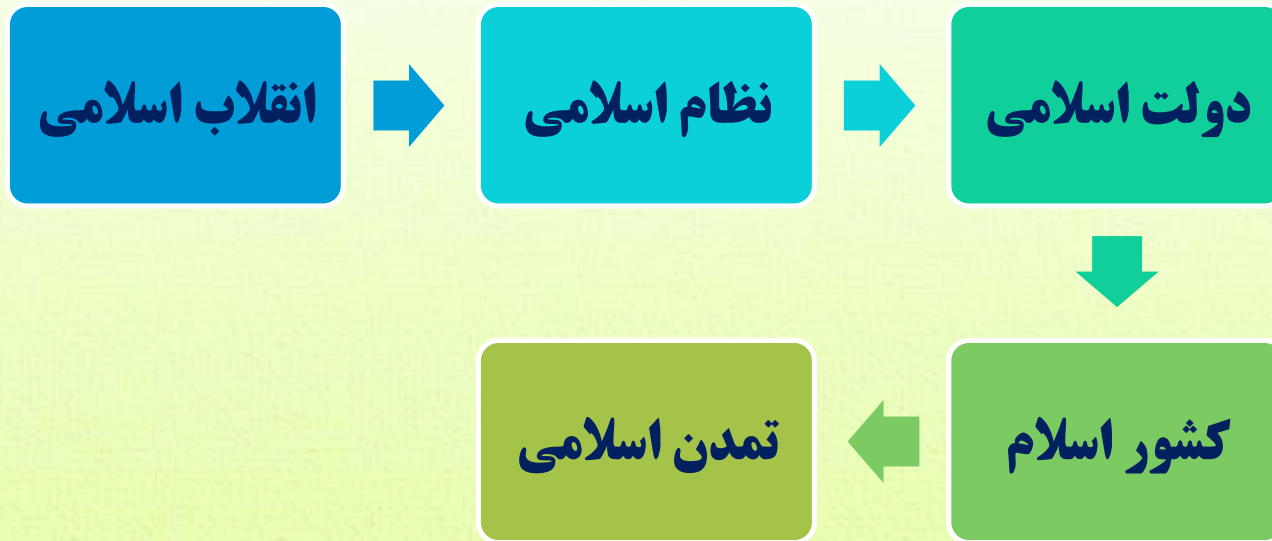
حمایت از انقلاب بیشتر دفاع از وضع موجود است

در حالی که علاوه بر آن لازم است انسان انقلابی در مسیر آینده انقلاب و پیشبرد آرمان آن به سوی نقطه کمال حرکت کند. حامی انقلاب بودن و حفظ دستاوردهای موجود آن، حرکتی انفعالی است. حفظ انقلاب در معنای کامل خود حفظ روحیه انقلابی است و علاوه بر حمایت، رو به جلو داشتن و انقلاب را پیش بردن است و تکاپو به سوی افق‌های تازه

# فصل ششم: طلبه و انقلاب اسلامی

## ۴-اصلاح، تحول خواهی و پیش‌برندگی

این افق‌های تازه و قدم‌های بعد را نیز رهبر انقلاب در کلام خود معلوم ساخته‌اند:



## فصل ششم: طلبه و انقلاب اسلامی ۵- نگاه کلان، بین‌المللی و تاریخی



مجاهدت و هدفمندی و تحول‌خواهی برای انقلابی بودن کافی نیست؛ انقلابی بودن مستلزم نگاه کلان‌تمدنی و تاریخی است؛ یعنی به یک محله و منطقه خلاصه نمی‌شود و افق جهانی و بین‌المللی دارد. کسی که مجاهدت و هدفمندی دارد اما نگاه کلان ندارد بی‌آنکه گرفتار دل‌بستگی و عافیت‌جویی شود، البته کار زیادی می‌کند؛ اما چون افق نگاهش کوتاه است از این همه تلاش در دایره‌ای محدود، نتیجه شایسته‌ای دریافت نمی‌کند. در حالی که انسان انقلابی به گستره کفر و فساد و تباهی در تمام جهان و بر نوار بلند زمان نظر می‌کند، ابعاد مسئولیت خود را تاریخی و جهانی می‌بیند و در اندیشه نابودی همه کفر و ظلم و پلیدی است.

این نگاه بلند خواسته خدا و آرزوی همه اولیای اوست. خدای بزرگ در قرآن کریم خواسته خود را غلبه دین اسلام بر همه ادیان، وارث شدن صالحان بر همه زمین و امامت مستضعفان بیان کرده و در روایات نیز پر شدن جهان از عدل و داد نوید داده شده است

# فصل ششم: طلبه و انقلاب اسلامی

## ۵- نگاه کلان، بین‌المللی و تاریخی



مدرسه بزرگ ندبه و انتظار در فرهنگ شیعی همین آموزه‌ها را تکرار و تأکید می‌کند و بر ذهن و دل و زبان منتظران مجاهد جاری می‌سازد. دعای شریف ندبه از این رسالت و حماسه تاریخی به ریشه‌کن کردن ظلم و تجاوز، راست شدن همه کژی‌ها و انحرافات، تجدید همه فرایض و ارزش‌ها، احیای قرآن و معالم دین، اعاده شریعت، هدم بنای شرک و نفاق، برداشته شدن گمراهی و اختلاف، محو آثار انحراف و هواپرستی و مانند آن یاد کرده است

مطابق سرود جمعه منتظران، حکایت ظهور از بدو خلقت انسان آغاز می‌شود. راز ظهور ولی عصر در طرح و تدبیر خدا برای خلقت انسان نهفته و رخدادی که در فرجام تاریخ به وقوع می‌پیوندد آخرین مرحله از عملیات گسترده‌ای است که آغاز آن خلقت عالم و آدم است. در یک نگاه گسترده و یک پارچه، آغاز و پایان خلقت انسان از منطق واحد تبعیت می‌کند و تحت یک نظام قرار دارد. بنابراین انسان مجاهد انقلابی در هر جای تاریخ یا جغرافیا به سر می‌برد و در هر زمان و مکانی که هست باید اندیشناک آن سرانجام زرین باشد

## فصل ششم: طلبه و انقلاب اسلامی

### ۵- نگاه کلان، بین‌المللی و تاریخی



۵- نگاه کلان، بین‌المللی و تاریخی

طلبه انقلابی و مجاهد منتظر وقتی به خواسته بزرگ پروردگار (لیظهره علی الدین کله) نگاه می‌کند و افق بلند امام زمان (اصلاح عالم) را در نظر می‌گیرد و در معرض دغدغه‌های نایبان بزرگ آن امام غایب (اهتزاز پرچم لاله الا الله در جهان و ایجاد تمدن نوین اسلامی) قرار می‌گیرد درس همت و بزرگی می‌آموزد و تا آن زمان که این آرزو برآورده نشود از پای نمی‌نشیند

مسلم اینکۀ تقابل میان ایمان و کفر تضاد ماهوی و درگیری ذاتی است. بنابراین میان جبهه ایمان و جبهه طاغوت یعنی میان اسلام و کفر هرگز آشتی و مصالحه برقرار نمی‌شود و نزاع میان این دو جبهه تا از بین رفتن یکی از آن دو امتداد خواهد یافت. جبهه حق که به وعده قطعی پروردگار از بین نخواهد رفت، پس این مبارزه تنها با از بین رفتن کفر و شرک خاتمه می‌یابد

# فصل ششم: طلبه و انقلاب اسلامی

## ۵- نگاه کلان، بین‌المللی و تاریخی



تا شرک و کفر هست، مبارزه هست و تا مبارزه هست، ما هستیم. ما بر سر شهر و مملکت با کسی دعوا نداریم. ما تصمیم داریم پرچم «لا اله الا الله» را بر قلل رفیع کرامت و بزرگواری به اهتزاز در آوریم.

بنابراین انقلابی بودن معادل فرهنگ انتظار است؛ از آن جهت که هدف انسان انقلابی هدف امام عصر و افق مجاهدت او اصلاح جهان است. آن حضرت در قیام جهانی خود یک جامعه توحیدی متعالی بنا خواهد کرد و یک ساخت اجتماعی نوین پدید خواهد آورد که بستری برای تولد انسان دیگر است:

آدمی در عالم خاکی نمی‌آید به دست      عالمی دیگر نباید ساخت وز نو آدمی

طلبه انقلابی خود را سرباز تحقق این ساختار می‌بیند و برای ریشه‌کن کردن شرک و فقر و فساد و تبعیض و نیز حاکمیت توحید و عدالت و فضیلت تلاش می‌کند

# فصل ششم: طلبه و انقلاب اسلامی

## ۶- دشمن شناسی



انسان انقلابی دائم در حال جهد و مبارزه برای رسیدن به هدف برتر است.

«مبارزه» طرف مقابل دارد و «جهاد» به دلالت التزامی مقابله با یک دشمن را می‌رساند.

بنابراین باید طرف مقابل و دشمن را شناخت. این دشمن‌شناسی باید در مقیاس کلان باشد.

باید پنجه در پنجه دشمنان اصلی و پیشوایان کفر درانداخت و توان خود را به دشمنی‌های موهوم یا کوچک هرز نداد.

بدین منظور فهم و دانایی و بصیرتی لازم است که جبهه اصلی و محور دشمنی تشخیص داده شود؛ زیرا وقتی به دشمنی‌های خرد و دشمنان کوچک مشغول می‌شویم در زمین دشمنان بزرگ قرار گرفته و مطابق خواسته آنان بازی کرده‌ایم.

# فصل ششم: طلبه و انقلاب اسلامی

## ۷- اعتقاد به سنن الهی



از پشتوانه‌های معرفتی «انقلابی بودن» اعتقاد به سنن الهی است

صبر و مجاهدت در راه خدا برای انسان مؤمن انقلابی یک دستور کور و بی‌معنا نیست

انسان مؤمن در مواجهه با طاغوت‌ها و ابرقدرت‌ها هرگز نمی‌ترسد و میدان را خالی نمی‌کند

زیرا می‌داند همهٔ امور عالم به دست خداست، همهٔ قدرت‌های بزرگ در مقابل قدرت خدا هیچ‌اند، و خدای قادر بزرگ در رویارویی با آنان وعدهٔ قطعی یاری داده است.

(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَ يَثِّبْ أقدامكم)

(وَلَوْ قَاتَلَكُمْ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوَلَّوْا الْأَدْبَارَ ثُمَّ لَا يَجِدُونَ وِلياً وَ لَا نَصيراً سَنَّهُ اللَّهُ الَّتِي قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلُ وَ لَنْ تَجِدَ لِسُنَّهُ اللَّهَ تَبْدِيلاً)

(إِن تَصْبِرُوا وَ تَتَّقُوا وَ يَأْتِوَكُمْ مِّن فَوْرِهِمْ هَذَا يُمْدِدْكُمْ رَبُّكُمْ بِخَمْسَةِ آلَافٍ مِّن الْمَلَائِكَةِ مُسَوِّمِينَ)

۷- اعتقاد به سنن الهی



# فصل ششم: طلبه و انقلاب اسلامی

## ۸- اراده جمعی و فعالیت گروهی و ساختارمند



گفته شد که طلبه انقلابی هدف عالی و نگاه کلان دارد و در مقیاس بزرگ می اندیشد. طبیعتاً وقتی مقیاس کار بزرگ می شود از توان یک یا چند فرد خارج می گردد. اهداف بزرگ را نه آحاد انسان ها که اجتماعات انسانی و امت ها پدید می آورند؛ همان گونه که برای پدید آوردن یک کلبه گلی می توان به تنهایی اقدام کرد؛ اما برای پدید آوردن یک بنای بزرگ به نیروهای متعدد، تخصص های مختلف و سازمان دهی منسجم آنها نیاز است

ما چون اتصالات خود با انسان های دیگر را به خوبی نمی شناسیم و به فعالیت های جمعی عادت نکرده ایم و توان و مهارت مشارکت های گروهی، سازمانی و نهادی نداریم معمولاً ناچاریم از آرمان های بزرگ دست برداریم و مقاصد کوچک تری را انتخاب کنیم. فعالیت گروهی بستر هم افزایی است و توان، انگیزه و همت انسان را بالا می برد

# فصل ششم: طلبه و انقلاب اسلامی

## ۸- اراده جمعی و فعالیت گروهی و ساختارمند



انسان انقلابی که هوای اصلاح جهان و درافتادن با دشمنی‌های بزرگ را دارد باید از اقدامات فردی به سوی اقدامات گروهی و از اقدامات گروهی به سوی پدید آوردن نهادهای مؤثر جمعی و از آنجا به سوی پدید آوردن امت واحد اسلامی و جبهه متشکل انسانی بر علیه بدی‌ها و رذیلت‌ها گام بردارد. برای این منظور تشکل داشتن و فعالیت‌های گروهی ضروری است. قرآن کریم اعتصام به حب‌ل‌الله را به صورت جمعی توصیه می‌کند و اجتماعات پراکنده را فاقد عقلانیت می‌شمارد. به استناد توقیع امام زمان، عامل گره‌گشای ظهور آن حضرت، «اجتماع القلوب» شیعیان و اراده‌های جمعی است. یعنی اقدامات گسیخته فردی - هرچند بزرگ و اعجاب‌انگیز - توان از بین بردن موانع ظهور را در ابعاد جهانی ندارد.

وَ لَوْ أَنَّ أَشْيَاعَنَا وَفَقَّهْمُ اللَّهُ لِبَطَاعَتِهِ عَلَى اجْتِمَاعِ مِنَ الْقُلُوبِ فِي الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ عَلَيْهِمْ لَمَّا تَأَخَّرَ عَنْهُمْ  
الْيَمْنُ بِلِقَائِنَا وَ لَتَعَجَّلَتْ لَهُمُ السَّعَادَةُ بِمُشَاهَدَتِنَا عَلَى حَقِّ الْمَعْرِفَةِ وَ صِدْقِهَا مِنْهُمْ بِنَا

اگر کسی مجاهد، تلاشگر و تحول‌خواه باشد؛ اما به این ارتباطات مهم توجه نکند کار بزرگی نمی‌تواند انجام دهد و انقلابی نیست. به همین جهت برای انقلابی بودن خودسازی فردی گرچه بسیار لازم است اما کافی نیست

# فصل ششم: طلبه و انقلاب اسلامی

## ۸- اراده جمعی و فعالیت گروهی و ساختارمند



نهضت بزرگ حضرت امام؛ نمونه‌ای از ایجاد یک ساخت اجتماعی کارآمد بر علیه نظام سلطه بود که برای اولین بار - پس از صدر اسلام - قدرت سیاسی عظیمی را در اختیار شیعه قرار داد. این حرکت عظیم برای طلبه‌ای که می‌خواهد رسالت انقلابی خود را در راستای زمینه‌سازی و تعجیل ظهور در ابعاد جهانی انجام دهد بسیار مهم است. امام راحل؛ در ادامه به ائتلاف انسانی - اسلامی بزرگی متشکل از همه مسلمانان عالم می‌اندیشید که یک پارچه بر علیه ظلم و کفر قد برافرازد و با آن چالش کند

این نگاه جمعی وقتی گسترش پیدا می‌کند از دامنه جمعیتی و جغرافیایی کل جهان در یک عصر نیز فراتر می‌رود و نسل‌ها و قرن‌ها را در بر می‌گیرد. یک اراده ممتد و حرکت جمعی گسترده که نسل‌های انسانی را به هم می‌پیوندد و جبهه‌ای به طول تاریخ به راهبری انبیای الهی پدید می‌آورد. این سلسله از آدم ابوالبشر آغاز می‌شود و در مسیر بالندگی تاریخی خود به تشکیل مدینه فاضله اسلامی به دست مبارک امام زمان می‌انجامد

هرکس بداند چه کار می‌کند هر قدمی که برمی‌دارد، برای او هیجان‌انگیز است؛ اما این کار عظیم و ماندگار تاریخی، این کاری که سر و کارش با نسل‌ها و قرن‌هاست، این را نباید با کارهای دفعی، جزئی و شعاری اشتباه کرد. این کاری است که باید گام به گام، هر گامی محکم‌تر از گام قبل، با نگاه دقیق نسبت به هر قدمی که برمی‌داریم و با دید نافذ نسبت به مسیری که طی می‌کنیم همراه باشد

# فصل ششم: طلبه و انقلاب اسلامی

## ۸- اراده جمعی و فعالیت گروهی و ساختارمند



انسان انقلابی که به یک تحول تاریخی بزرگ می‌اندیشد باید به خوبی بداند که این اقدام درازدامن طولانی چه سرگذشتی داشته و این حرکت عظیم بر نوار بلند تاریخ تا به کجا رسیده و چه میزان از این کلان پروژه بزرگ انجام یافته و از کجا باقی مانده است. از همان نقطه به این کار می‌پیوندد و نقش تاریخی خود و نسل خود را در این اقدام جمعی گسترده می‌یابد و ایفا می‌کند و کار را به آیندگان می‌سپارد

طلبه انقلابی یک فرد است ولی یکی از ویژگی‌های این فرد این است که برای کار بزرگی که می‌خواهد انجام دهد به تنهایی کافی نیست، وقتی انسان نگاهش را توسعه دهد و آرمانش را بزرگ سازد باید دست در دست دیگران نهد و در یک شبکه انسانی منسجم قرار گیرد تا با همیاری آنان بتواند به مقصد عالی خود دست یابد

طلبه انقلابی می‌داند که تنها کس یا اول کسی نیست که به فکر اصلاح امور جهان افتاده و برای آن اقدام می‌کند! بنابراین علاوه بر اینکه به وظایف خود به عنوان یک فرد توجه می‌کند به وظایف نسل خود به عنوان یک واحد اجتماعی توجه می‌کند و لازم می‌داند که برای تحقق آن مقاصد عالی، اسلاف خود یعنی نقش‌آفرینان گذشته این حرکت جمعی را بشناسد تا این کار را با همراهی نسل خود از آنان تحویل گرفته و به اندازه وسع خود پیش برند و با سرافرازی به نسل بعد بسپارند و طبعاً قدر آن تلاش‌های گذشته را به خوبی می‌شناسد

۸- اراده جمعی و فعالیت گروهی و ساختارمند

# فصل ششم: طلبه و انقلاب اسلامی

## ۸- اراده جمعی و فعالیت گروهی و ساختارمند



طلبه انقلابی بر خلاف کسانی که به یک تلاش مثبت فردی، راضی هستند، در صدد است تا نسبت اقدامات خود را با گذشته و آینده کشف کند و حلقه‌های در یک سلسله تاریخی بلند باشد. به همین جهت برای برنامه‌ریزی و اقدام در یک نظام تقسیم کار اجتماعی و تاریخی و در یک شبکه ارتباطی بزرگ تصمیم می‌گیرد. یعنی اقدامات گروهی بزرگ رقم می‌زند و دیگران را - حتی آیندگان را - هم در آن سهیم می‌گرداند

بی‌شک در این افق کلان، شناخت انقلاب اسلامی و استفاده از امکان و ظرفیتی که با نهضت امام؛ برای مکتب اهل بیت: پدید آمده ضروری است. طلبه اگر این گام بلند را نشناسد و بدون لحاظ این همه ظرفیت و دستاورد، از صفر شروع کند بی‌تردید ناآگاه است؛ نظیر ناآگاهی کسی که همه دستاوردهای علمی را نادیده بگیرد و مانند انسان‌های اولیه زندگی کند

تلاش‌ها و فعالیت‌های طلبه اگر نسبتی با انقلاب نداشته باشد - به صورتی که اگر پیش از انقلاب نیز متولد شده بود همین اقدامات را می‌داشت - تلاش‌های خردمندانه و رضایت‌بخشی نیست

# فصل ششم: طلبه و انقلاب اسلامی

## ۹- آشنایی تخصصی با معارف دینی



آنچه تاکنون گفته شد ویژگی‌های انسان انقلابی بود و انسان انقلابی اعم از طلبه انقلابی است؛ یعنی همه اقشار را در بر می‌گیرد (پزشک انقلابی، مدیر انقلابی، کارمند انقلابی، مهندس انقلابی، معلم انقلابی و ...).

در تعریف طلبه انقلابی علاوه بر همه اینها، طلبگی را هم باید اشراب کرد و به سرمایه ویژه طلبه که در سایر اقشار اجتماعی نیست نیز توجه داشت. آن سرمایه ویژه، آشنایی تخصصی با دین و منابع دینی است. طلبه باید از این دارایی ارزشمند نیز در مسیر آرمان‌های انقلاب اسلامی بهره‌گیرد

عنوان طلبه انقلابی دو مؤلفه دارد. بنابراین کسی که فقط طلبه است و انقلابی نیست، یا کسی که فقط انقلابی است و طلبه نیست از این عنوان خارج است

طلبه مطلوب علاوه بر انقلابی بودن ویژگی‌های دیگری نیز دارد؛ مثلاً در تسلط بر علوم حوزوی، تزکیه نفس و تعالی معنوی، پیشرو است

با این نگاه طلبه انقلابی یک هویت صنفی دارد و یک هویت تاریخی؛ بر اساس هویت صنفی، عالم و فقیه و وارسته و کارآمد است و بر اساس هویت تاریخی نقش اجتماعی خود را در سیر حرکت اجتماعی کلان بشر می‌یابد و به خوبی ایفا می‌کند

دقیق‌تر آن است که کارآمدی اجتماعی طلبه بدون نظر به این هویت تاریخی و توجه به نهضت بزرگ حضرت امام؛ تحقق نمی‌یابد. در این هویت تاریخی امام راحل؛ نه تنها یک فقیه و فیلسوف و عالم که امام و علمدار نهضت است

# فصل ششم: طلبه و انقلاب اسلامی

## ۱۰- دیگر صفات

به فهرست ویژگی‌های طلبه انقلابی، محورهای دیگری را نیز می‌توان افزود

عدالت‌خواهی؛ هم در فضای روابط بین‌الملل و هم در درون جامعه اسلامی در زمان استقرار حکومت اسلامی

ولایی بودن و اطاعت از ولی فقیه - آگاهی از جریان‌های سیاسی روز و درک پیچیدگی‌های شرایط زمان

مردم‌شناسی، تقویت ارتباطات مردمی و پیشتازی در حرکت‌های اجتماعی

متخلق به اخلاق اسلامی، دارای روحیه معنوی و ساده‌زیستی - دارای شجاعت و تسلط بر نفس

تلاش برای تقویت و ترویج گفتمان انقلاب و رهبری

ایفای نقش فعال در ضرورت‌های انقلاب

پذیرش مسئولیت‌های اجتماعی مورد نیاز نظام اسلامی - حساس در برابر فتنه‌ها و اتفاقات جهانی

# فصل ششم: طلبه و انقلاب اسلامی

## طلبه انقلابی چه چیز نیست؟



از توضیحات بالا معلوم شد که هرگونه تعلق خاطر به انقلاب و رهبری و دلبستگی به نظام اسلامی، اگر در دایره رفتار صنفی و طلبگی (تحصیل، پژوهش، تبلیغ، تربیت و ...) وارد نشود و منتهی به سبک زندگی خاصی نشود، هر چند این دلبستگی صرفاً در دایره رفتار عمومی طلبه اثر بگذارد طلبه را مصداق طلبه انقلاب نمی سازد.

یا طلب دل بسته انقلاب که در مراسمات، انتخابات، راهپیمایی ها و اجتماعات انقلابی شرکت می کنند الزاماً مصداق حقیقی این عنوان نیستند.

روحانیونی که در دستگاه های رسمی اجرایی یا فرهنگی فعالیت دارند یا طلبی که به فعالیت های سیاسی - اجتماعی اقدام می کنند

روحانیونی که در روند پیروزی انقلاب و پاسداری از اسلام و نظام در ایام دفاع مقدس مشارکت داشته اند، الزاماً همه انقلابی نیستند.



# فصل ششم: طلبه و انقلاب اسلامی

## طلبه انقلابی چه چیز نیست؟



برای انقلابی بودن صرف خودسازی معنوی و تعالی روحی حتی دست یافتن به مرتبه اولیای الهی کافی نیست.

صرف تلاش علمی و تأثیرگذاری اجتماعی حتی حضور در لایه نخبگانی کافی نیست.

نیز صرف استفاده از ابزارهای جدید، به روز بودن، سایت و وبلاگ داشتن، پاسخ گویی به مسائل مستحدثه و فعالیت های مفید اجتماعی کافی نیست.

همان طور که صرف سلحشوری، روحیه مبارزه یا شور و شرر درگیری با دشمنان هم کافی نیست.

انقلابی بودن ترکیبی از همه این ویژگی ها است در مدار یک حرکت تاریخی بر اساس اعتقاد به حضور دین در سطوح مختلف شئون زندگی انسان و به هدف تشکیل تمدن زمینه ساز ظهور.

# فصل ششم: طلبه و انقلاب اسلامی

## طلبه انقلابی چه چیز نیست؟



انقلابی بودن معادل افراطی‌گری‌هایی از نوع داعش یا خراب‌کاری و پرخاشگری (وندالیسم اجتماعی) نیست.



انسان انقلابی وجودی سرشار از لطافت روحی و عاطفی دارد و سراسر مهربانی و شفقت است و این مقصد بزرگ انقلابی را هم به جهت مهرورزی به بشریت دنبال می‌کند.



انقلابی بودن به معنای بی‌فکری و بی‌ملاحظگی، کله‌شقی و محرومیت از عقلانیت و تدبیر نیست. رسیدن به اهداف بلندی که بیان شد نیازمند عزم و حزم و تدبیر و حسابگری است.



همچنین انقلابی بودن با وجود حکومت مقتدر و مبسوط الید اسلامی به معنای نقض قوانین و خودمختار عمل کردن نیست.

# فصل ششم: طلبه و انقلاب اسلامی

## طلبه انقلابی چه چیز نیست؟



یکی اینکه این صفت در نظام تقسیم کار اجتماعی وظیفه کفایی است و طلبه انقلابی یک نیاز تخصصی در کنار سایر نیازهای حوزه و انقلاب محسوب می شود. بنابراین عده ای باید مبلغ، عده ای محقق، عده ای مدرس و عده ای هم متکفل مسائل انقلاب و پاسداری از آن باشند و اگر برخی از طلاب این نقش را بر عهده گیرند از دیگران ساقط می شود.

فرض دیگر اینکه انقلابی بودن وظیفه همگانی است و در کنار همه اوصاف مطلوب برای همه طلبه ها (از مدرس، مبلغ، مدیر، متکلم، فقیه و مرجع) لازم و با همه مطلوبیت های طلبه قابل جمع است و طلبه ای که انقلابی نیست واجد استانداردهای لازم شمرده نمی شود.

**برای انقلابی بودن دو الگو قابل تصور است**

# فصل ششم: طلبه و انقلاب اسلامی

## طلبه انقلابی چه چیز نیست؟



### وضعیت کنونی

- وضعیت کنونی مطابق فرض اول است یعنی در انقلابی بودن نوعی تقسیم کار رخ داده است. برخی از فضایی حوزه خدمات ارزنده - ای بر عهده دارند؛ اما دست کم به صورت مستقیم به انقلاب نظری ندارند در حالی که برخی دیگر برای آرمان - های انقلاب تلاش می کنند.

### انقلابی بودن شرط مطلوبیت است

- از مباحث گذشته معلوم شد که انقلابی بودن شبیه ایمان و تقوا به صورتی شامل برای همه حوزیان - نه به صورت جایگزین پذیر و اختصاصی برای دسته ای از آنان - شرط مطلوبیت است و همان گونه که طلبه در هر تخصصی باید مؤمن و متقی و کارآمد باشد در هر تخصصی باید انقلابی نیز باشد

### انقلابی بودن یک تخصص نیست

- بلکه یک وصف حاکم و یک حیثیت در زندگی طلبه است. از این رو باید در سبک زندگی طلبه، مقتضیات زندگی انقلابی در کنار مقتضیات زندگی ایمانی، مقتضیات زندگی طلبگی و مقتضیات زندگی تخصصی وجود داشته باشد و هیچ کدام دیگری را نفی نکند؛ یعنی همان گونه که هیچ کس به خاطر تخصص، دست از ایمان برنمی دارد، به خاطر تخصص دست از حیات انقلابی هم بر ندارد

# فصل ششم: طلبه و انقلاب اسلامی

## انقلابی بودن؛ وظیفه همگانی یا کفایی



که برای فعالیت تخصصی خود در یک نگاه کلان جمعی تعریف و توجیه روشن داشته باشند.

# فصل ششم: طلبه و انقلاب اسلامی انقلابی بودن؛ وظیفه همگانی یا کفایی



به این ترتیب الگوی طلبه انقلابی قابل توصیه به همه طلاب است و این ظرفیت را دارد که بدون مشکل و تزاخم برای همگان تحقق یابد. حوزه انقلابی نیز حوزه‌ای است که همه شئون و همه تخصص‌هایش در راستای اهداف انقلاب و با در نظر گرفتن موقعیت تاریخی آن ترسیم شده است.



این نکته را متذکر شویم که انقلابی بودن یک وصف ژنتیک یا موهوبی نیست؛ کاملاً اختیاری و اکتسابی است. برای انقلابی شدن و انقلابی ماندن نمی‌توان منتظر نشست و نباید به معجزه و دست عنایت امید بست و یا به دعا اکتفا کرد؛ اقدام، لازم است



این ویژگی نیز مانند همه ویژگی‌های شخصیتی و صفات انسانی به‌مرور و با تلاش حاصل می‌شود و آرام آرام در وجود ما راسخ می‌گردد و علاوه بر دعا و توسل نیاز به عمل، پی‌گیری و مراقبت دارد



بنابراین از آغاز طلبگی و در دوره جوانی باید برای به دست آوردن این معرفت و این روحیه اقدام کرد؛ زیرا هرچه از جوانی فاصله بگیریم پیدایش آن دشوارتر می‌گردد.



برای این منظور هم خود طلبه و هم مدیریت و سازمان حوزه باید اقدام متناسب را داشته باشند. نه طلبه به استناد وظیفه حوزه و مسئولان معذور است و نه مسئولان به استناد وظیفه فردی طلبه



ما تحية  
البحر العسك  
البحر العسك